

رژیم در جنگال بحران

در چند هفته اخیر، موج تازه‌ای از تبلیغات اصلاح طلبانه از سوی رژیم جمهوری اسلامی برافشاده است. سران رژیم که سرکوب عربیان و قرون وسطانسی را به تنهایی برای تثبیت و تسکین و هم‌اکنون کمیت جمهوری اسلامی کافی نمی‌دانند در جهت راه‌پایی به حل بحران حاد و مزمن اقتصادی - اجتماعی جامعه،

رفرمهایی را در کنار و همراه با تالانگری - ها و کشتارهای سیمانه تبلیغ می‌کنند. سخنان اخیر سران حکومت دربار، بحران راه‌حل‌ها و وعده وعیدهای مستمر در مورد بهبود وضعیت زندگی زحمتکشان، اگرچه تا زگی نداشت و بکرات قبلاً هم تکرار شده بود و توده‌ها بوج بودن آنرا بقیه در صفحه ۱۳

مقاله

مبارزات و اعتراضات توده‌ها را سازماندهی کنیم

طی هفته اخیر گزارشات و اخبار متعددی از مناطق مختلف پیرامون مبارزات - آتش روظیفات مردم بدست ما رسیده است که همگی حاکی از گسترش اعتراضات و مبارزات توده‌ای بویژه در میان کارگران و دهقانان است. رشد و گسترش این مبارزات که بویژه با توجه به وضعیت اقتصادی - اجتماعی موجود، امری اجتناب‌ناپذیر است و وظیفه سازماندهی این مبارزات را بصورت - امری جدی و فوری در دستور کار رهنروهای انقلابی قرار داده است. امروز دیگر بیش از همیشه این مسئله آشکار گشته است که تا کتیک ترور رژیم عربیان هیئت جامعه‌پای سخگوی مقابل به بحران اقتصادی و سیاسی نیست و از هم اکنون شکست کامل آن در روبرو روشی با بقیه در صفحه ۲

ارزیابی ذهنیات حاکم

پرتوده‌ها شهریور و مهرماه ۱۳۶۰

بازتاب وقایع مهم شهریور و مهرماه در ذهنیات توده‌ها (بخش ۲)

- ترین سرکوب و کشتار خود را بشکل قدرتی مطلق به نمایش نهد. و دقیقاً در اوج چنین شرایطی بود که انفجار نخست وزیری به وقوع پیوست. در اوج صدور بخشنامه‌های امنیتی، در اوج اعدام‌ها، دستگیری‌ها، تفتیش بدنی

۱- ۸ شهریور ماه، انفجار نخست وزیری در ۷ تیرماه و پس از آن تا شهریور - ضرباتی متوالی و عمدتاً "قدرتمندتر" بیکر رژیم و اردآمد رژیم در جهت بحران این ضربات و بی آمده‌های آن تمام قدرت و توان خویش را بکار گرفت. رژیم کوشید با اعمال شدیدترین و وحشیانه

در این شماره

جنبش کارگری

ارگان سازمانی و.....

فاکتیکهای کهنه شده رژیم

ضرورت جدائی دین از سیاست

- ها تحویل نمی‌دهد و تنها هنگامیکه خانواده‌ها جهت اطلاع از وضع فرزندان خود به زندانها مراجعه میکنند و میت - تا مه فرزندان خود مواجه میشوند. از این روسا زمان چریکهای فدائی خلق ایران جهت تکمیل لیست اسامی شهدای ایران - ماه به بعد جهت ثبت اسامی این فرزندان جان برکف خلق در تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران و افشای جنایات رژیم جمهوری اسلامی در پیشگاه جنبشهای انقلابی جهان، از همه خانواده‌ها و تمامی انقلابیون ایران میخواهد که اسامی شهدای را از هر طریق که می‌توانند برای سازمان ارسال دارند.

هم میهنان مبارز!

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی پس از آنکه بدنبال اعدامهای دسته جمعی انقلابیون و شکنجه‌های وحشیانه آنان در سطح جهان و وسیعاً "آتش تند دست به حمله جدیدی زد و آن اینکه از اول آبان - ماه به بعد اسامی اعدام شدگان را اعلام نمیکند و بدلیل شکنجه‌های وحشیانه که آثار آن بر روی اجساد انقلابیون بر جای می‌ماند، اجساد آنان را نیز بیخوناده

مبارزات و...

بقیه از صفحه ۱

شرایط موجود میان گذشته است. رشد و گسترش مجدداً اعتراضات و مبارزات توده‌ای و تشدید وحدت‌یابی تضادهای درونی هیئت حاکمه و شکافهای تازه‌ای که در درون - دستگاه حکومتی پدید آمده است و نیز - تعمیق مداوم بحران اقتصادی و وخامت روزافزون شرایط کنونی زندگی توده‌ها همگی نشان می‌دهد که هیئت حاکمه نتوانسته است با توسل به سرکوب آشکار و تروریسم عربیان، گامهای اساسی و جدی در جهت استحکام موقعیت متزلزل خود بردارد و رعب و وحشتی را که با رویدادهای ۲۰ خرداد در میان توده‌ها پدید آورده است و منتهی به اعتلا مجدد مبارزات آشکار توده‌ها، این واقعیت آشکارا برپایه‌ها را بر دیوارهای مبارزات توده‌ها با تکیه بر سرنیزه‌ها در نیست، سدی بر سر راه مبارزات توده‌ها ایجاد نکند. رژیم جمهوری اسلامی که تصور میکرد با سلب ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای مردم و سرافرازی حکومت شبه نظامی با توده‌های سیاه‌فراست - مبارزات توده‌ها را میسر کند و بر بحران موجودها شق آید، امروز بی‌عینه نشان داده است که نه تنها نتوانسته است کوچکترین گامی در راه تخفیف بحران موجود، بهبود و شرایط زندگی توده‌ها و مبارز کردن جنبش توده‌ها بردارد، بلکه با سیاستهای ضد خلفی و ضد دیکتاتوریک خود با رطابقت فرمای بحران را هر چه بیشتر بر دوش توده‌ها نهاد است. بحران موجود را با زخم عمیق - ترسوده است و این خود زمینه ساز - حرکتی توده‌ای تازه‌ای گشته است - در یک کلام، بحران اقتصادی موجود که اساس و پایه‌های مشکلات سیاسی رژیم را تشکیل میدهد. بصورت دردی درمان‌ناپذیر جمهوری اسلامی در آمده است. این بحران فقر و بدبختی را بصورت پدیده‌ای عمومی در آورده است و زندگی زحمتکش را مدام به تنهایی بیشتر سوق داده است. نخستین افتخار و طبقاتی که پیش از همه در معرض - اثرات مخرب و ویرانگر این بحران قرار گرفته و فشار را بر این بحران بر زندگی آنها محسوس تر است، توده‌های وسیع‌کارگر و دهقان میباشند.

کارگران نخستین طبقه‌ای هستند که اثرات شویم بحران اقتصادی را بر زندگی خود لمس میکنند. رکود مداوم تولید و تعطیل کارخانه‌ها و برخی امور خدماتی هر روز تعداد بیشتری از اردوی کار را - بحال ارتش بیکاران گسیل میدارد.

مردانیت کارگران که با توجه به تهدید بیگاری بندرت افزایش مییابد، مداوم از سطح افزایش هزینه‌های روزمره و افزایش قیمت‌ها عقب میمانند، در حالیکه حتی مزد اسمی کارگران بندرت افزایش مییابد، مزد واقعی کارگران بشدت کاهش یافته است و سطح زندگی آنها را مدام منترنل میدهد. یک جنبش وضعیتی که همراه با تشدید مداوم تضادها و سرکوب است، نمی‌تواند با اعتلا و گسترش مبارزات کارگران منجر نگردد. اما بحران موجود و تحمیل هزینه‌های ناشی از آن بر دوش توده‌های مردم تنها محدود به طبقه کارگر نیست، دهقانان نیز که نسبی از جمعیت کشور را تشکیل میدهند، زیر بار بحران موجود و سیاستهای ضد خلفی رژیم مدام با فقر و فلاکت و خانه‌خوابی روبرو میشوند. سیاستهای -

دولت، در زمینه‌ها مقابله با بحران صنعتی و سیاست جیره‌بندی و کنترل قیمت‌های محصولات کشاورزی سبب شده است که بخشی از بار بحران بر کمر توده‌ها نازل شود. آنها در حالی که با پدیده‌ها با تکیه بر خود و بزرگواران کشاورزی را بی‌قیمتی چندند برآیند، با سیاست تثبیت و کنترل قیمت محصولات از سوی دولت و فروش اجباری - محصولات با قیمت تعیین شده، مداوم به ورشکستگی و خانه‌خوابی سوق داده میشوند. این سیاست دولت در شرایطی که هیچگونه حمایت مادی و تکنیکی نیز از دهقانان - بعمل نمی‌آید، نه تنها منجر به گسترش بحران در کمال و رزق کمبود محصولات اساسی مورد نیاز مردم و کاهش مداوم تولیدات کشاورزی خواهد شد و به بحران موجودا بماند تا زده‌ای خواهد بخشید، بلکه تضاد میان دهقانان و حکومت را تشدید کرده است. مبارزات اخیر دهقانان کیلان علیه رژیم خود به بهترین وجه بیانگر درجه رشد وحدت‌یابی این تضاد است و با لاف‌ها و فشار بر بحران رادری - سطحی دیگر بر افتخار مختلف خرده‌بورژوازی شهری بویژه کارمندان دولت که اکنون در بسیاری موارد حتی حقوق آنها به نصف کاهش یافته است، سبب تشدید تضادها و اعتراضات این بخش از مردم خواهد شد. سرکوب و تروریسم عربیان رژیم که بحران اقتصادی تشدید کرده است، خود به عاقلی جهت تشدید تضادها بدل شده است و سبب میشود که مدام آشکارا و بی‌سرمه میان وسیع‌ترین بخش توده‌ها - ی مردم و حکومت تشدید شود، بر نارضایتی و اعتراضات مردم افزوده گردد و مبارزات آنها بشکل آشکارا بروز نماید.

امروز پس از گذشت نزدیک به شش ماه از یورش دیوانه‌وار ارتجاع به جنبش - انقلابی توده‌ها و اعادام سرکوب نیروهای انقلابی، وحدت تضادها به مرحله‌ای رسیده است که از یکسو اعتلا مجددی در مبارزات آشکارا توده‌ها پدید آمده است و از سوی دیگر دوباره در درون هیئت حاکمه شکافهای تازه‌ای آشکار گشته است و همه مرتجعین را که برای نابودی جنبش انقلابی همبیمان شده بودند، پیش از آنکه با اهداف خود - برسند، بجان یکدیگر انداخته است. البته جز این هم نمیتوانست باشد، زیرا هر چه بحران عمیق‌تر میگردد، هر چه تضادها به مرحله ستیز نزدیک‌تر میشوند، هر چه هیئت حاکمه مقابله با بحران را دشوارتر مییابد، بیمان انداز شکافهای عمیق درونی دستگاه حکومتی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود و این خود زمینه‌ساز زمانه‌ای است که به مبارزات آشکارا توده‌ها میدان بیشتری - خواهد داد. دوشله‌های خشم‌نازنا پستی توده‌ها از درون این شکاف بیشتر زبانه خواهد کشید.

از این رو وضعیت اقتصادی - اجتماعی و سیاسی موجود، و نیز چشم‌انداز تحولات موجود بر رویکردهای آنگ انقلابی طلب میکند که تلاش و آمادگی خود را برای - سازماندهی و هدایت مبارزات لحظه‌کنونی و موج‌خیزان موقع جنبش گسترده توده‌ای چند برآوردند.

آنکون شرایطی نیست که جنبش توده‌ای وارد دوران تحول بطبیعی و آرام خود شده - باشد، پیش از آنکه نیز یکا ربطی و آرام مدل خوش‌گند، وضعیت اقتصادی و سیاسی جامعه در مرحله‌ایست که هر آن امکان یک انفجار عظیم و یک جنبش توده‌ای گسترده‌ای را - نوید میدهد و با این انفجار سیاسی نسبی

توان انرژی آزاد شده جنبش عظیم خود به خودی را میسر کرد و از زین راه رفتن آن - جلوگیری بعمل آورد.

تجربیات جنبشهای انقلابی و از جمله جنبش انقلابی خلق ایران پیش از قیام، می‌آموزد که در دورانهای انقلابی بنا به سرعت تحولات و تغییرات سریع، جنبش خود بخودی غالباً با چنان سرعتی به پیش می‌تازد که بدون آمادگی لازم هیچ پیش‌آهنگی را با رای همراهی با آن نیست.

از این رو با درک چشم‌انداز تحول - جنبش توده‌ای و با توجه به مبارزات اخیر کارگران و دهقانان لازم است که فعالیت خود را در جهت محوریت و تربین وظیفه خود که همانا سازماندهی مبارزات توده‌ها و در راه آن سازماندهی جنبش طبقه کارگر است، به چند برابر افزایش دهیم.

این وظیفه امروز از جهت اهمیت - اساسی دارد.

اولاً، تسریع جنبش خود بخودی در آنجا که توده‌ها مرعوب حاکمیت شده اند و نیز - سازماندهی و هدایت اعتراضات و مبارزات که اکنون در جریان است.

ثانیاً، آمادگی لازم برای سازماندهی و هدایت جنبش گسترده خود بخودی توده‌ها در آینده قریب الوقوع، گزارشاتی که در هفته‌های اخیر از رقابتهای تشکیلات بدست ما رسیده است، به وضوح فقدان درک این وظیفه را از سوی عنصری و نیروها نشان میدهد. در غالب گزارشاتی که از مبارزات کارگران و دهقانان تهیه شده، فقدان رهبری، سازمان - دهی و ارائه سیاست صحیح چشم میخورد. این مسئله ما را وامیدارد که یکبار دیگر به چند نکته پیرامون سازماندهی و هدایت جنبش توده‌ای اشاره کنیم.

اولین مسئله آنکه ما مکرر بر آن تاکید میکنیم این است که ما باید تحت هر شرایطی و در هر سطحی که مبارزات توده‌ها جزاً نباشد، در این مبارزات شرکت فعال داشته باشیم. پس از آنکه آنها بپیدا می‌آیند، همگام و تحت هیچ شرایطی نباید با این بهانه‌ها که ما در راه خواسته‌های اساسی توده‌ها و وظایف اساسی خود مبارزه میکنیم، از شرکت در مبارزات روزمره و درخواستهای فوری توده‌ها غفلت کرده بویژه امروز که بخشهایی از توده‌های مردم در اثر سرکوبیهای دیوانه - وار حاکمیت مرعوب شده‌اند، این مسئله از اهمیت ویژه‌ای برخوردار میگردد.

همین شرکت در مبارزات روزمره توده‌ها به ما امکان خواهد داد که بهترین وجه این مبارزات را در دست و سوزی خواسته‌های اساسی آنها سوق دهیم. با یاد از تمام - وسایل و اشکال مبارزاتی که منطبق با سطح و درجه رشد و تکامل جنبش است با استفاده کرد. حتی استفاده از اشکال قانونی نیز ضروریست. اما بویژه امروز مسئله مهم اینست که هیچگونه توهمی نسبت به اشکال قانونی مبارزه در میان توده‌ها نداشته - باشیم. با یاد این واقعیت را درک کرد که شرکت ما در همه اشکال مبارزه و استفاده از وسایل و اشکال گوناگون، از مبارزه در درون شوراهای فرماندهی تا تشکیلهای مخفی همه و همه باید در خدمت سازماندهی و ارتقاء و مبارزه طبقاتی، آگاهی و - تشکیل توده‌ها باشد.

ما تاکنون مکرر با توجه به وضعیت سیاسی جامعه بر مسئله مبارزات و ویژه - مبارزه در شرایط کنونی، بویژه اشکال غیر قانونی و مخفی مبارزه تاکید کرده ایم. این

استقلال - کار - مسکن - آزادی

جنبش کارگری



مبارزات یکپارچه و شکوهمند کارگران استرالیایت

روز پنجشنبه ۱۴ آبان کارگران استرالیایت در اعتراض به اخراج ۶ تن از همکاران مبارزان دست به اعتصاب زدند. اخراج این شش نفر بدنبال مبارزات ۴ ماهه کارگران صورت گرفته بود. در زیر ضمیمه اشاره به مبارزات چهار ماهه آنان به شرح مقادمتان در مقابل اخراج این شش نفر می پردازیم:

از اوایل مرداد تا کنون کارگران استرالیایت مبارزه برای جلوگیری از اخراج، در پیافت حق اضافه کاری و مخالفت با حجاب اجباری و... داشته اند. آنان در جریان مبارزاتشان به قدرت اتحاد خود پی برده و شکست و پیروزی و کسب تجارب جدید مبارزاتشان را آموخته اند. مبارزات کارگران با قطع حقوق اضافه کاری، به شکل کم کاری با تصمیم جمعی آغاز شد و با مقاومت پیروز مندان در مقابل اخراج دو کارکنان آدامه یافت و او خرسهریور با اخراج ۵۸ تن و اعدام یکی از کارکنانی که قبلاً با زداشت شده بود، مدت کوتاهی جورج و وحشت بر کارخانه خاکم شد. مدبرعامل (خنجری) با استفسار از این موقعیت اعلام کرد که نه تنها حقوق اضافه کاری بابت تیرومردا دوشهریور به کارگران پرداخت نخواهد شد بلکه پولی که تا کنون بابت آن گرفته اند نیز پس گرفته میشود. تهدید به اخراج و دستگیری (مدیرعامل) معاون زندان اوین است. اوتسرس از بیگاری بابت شده بود که کارگران زندان به جگرگذاشته و مدتی سکوت کردند. دبری نگذشت که خشم کارگران شکوفا شده و با مبارزه برای بازگرداندن سرپرست اخراجی شرکت تعاونی حرکتشان اوج تازه ای گرفت. اخراج این فرد بعلت درگیری او با پاسداران رخا نه صورت گرفته بود. کارگران با فتنه در اعتراض به اخراج اودست از کارکنان زندان زندان کارکنان برای حمایت از همکارانشان خرید شرکت تعاونی را تخریب نمودند. این حرکت کارگران موجب عقب نشینی مدیریت شده و کارگران پیروزی جدیدی کسب کردند.

مدیرکارخانها نه از غم خورده و وحشت زده از شهریور اتحاد کارگران، در جستجوی شیوه جدیدی برای عقب راندن و استعمار بیشتر آنان بود. روز چهارشنبه ۶ آبان طی اطلاعیه ای تعداد کارکنانی که روزانه باید دوربار برای پیش داغی در کمیته های زنا نه تمهید در خواستی کارفرما، از ۲۷ دوچین به ۵۰ دوچین و در سایر قسمتها از ۱۰۰ دوچین به ۱۵۰ دوچین افزایش یافت. در حالیکه حقوق کارگران همان

مبلغ ناچیز گذشته بود یعنی ۲۴۰۰ تا ۲۸۰۰ تومان در ماه بود. کارگران نه تنها راضی به چنین افزایش نبودند بلکه هیچکس توان چنین کار طاقت فرمائی را نداشتند. بنا براین کم کاری با شدت بیشتری آدا می یافت. اینبار کارگران ناآگاهانه نیز که قبلاً به مدد حق اضافه کاری بیشتر کار میکردند به بقیه همکارانشان پیوسته بودند. بدین ترتیب تولید زهد معمول هم پایان میبرد. بطوریکه در قسمتهای زنا نه ۲۰۰ تا ۲۵۰ واحد کسر ۲۷ دوچین میرسد. در این میان استفاده ۲۸ پاسدار مزدور را سوس برای شناسائی عنا مرتکب کار و اخلاکگر نیز ضمنی نداشت. مدیرکارخانها که نتوانسته بود غلظتی در مبارزات یکپارچه کارگران ایجاد کند، بناچار تسلیم شده و تصمیم میگیرد قسمتی از حق اضافه کاری را بمنحوان اضافه کاری تیرومردا دوشهریور بپردازد. کارگران بپردازد. این مبلغ برای کارگران با فتنه ۷۰۰ تا ۶۰۰ تومان - و برای قسمتهای دیگر ۳۵۰ تا ۱۷۵ تومان - بود. کارگران با فتنه حق اضافه کاری را گرفتند. اما سایر بخشها از دریافت این پول به دلیل کم بودن آن خودداری نمودند. کارگران با فتنه نیز با کسب نخستین و مثله اضافه کاری و مبارزه برای آدا می یافت.

روز سه شنبه ۱۲ آبان کارگران با فتنه در اعتراض به اضافه کاری دست از کسب کسب و درنهایت رنجوری جمع شدند. آنها از کارگران زن نیز خواستند که برای منطالیه - حقوقشان به آنان بپیوندند. زنا نه کارگر هم دست از کار کشید و قصد ورود به نهار رنجوری را داشتند که مدیر پاسدار کارخانها، سرپرست شورای فرمانی همگی مانع ورود آنها شدند. اما آنان با جری و بحث و دعوا به روشنی که نتوانستند وارد نهار رنجوری شده و با سایر کارگران همبستگی اشان را اعلام نمودند. مزدوران سرما به برای درهم شکستن مقاومت یکپارچه کارگران با زهم تنه راه را در اخراج آنان یافتند. روز بعد (چهارشنبه) حکم اخراج شش تن از زنا نه با سابقه بهم رهبری اعتمادات صادر شد. آنان به بخوبی از رژیم حامی سرما به داران آموخته بودند که بدون دستگیری و اخراج و اعدام پیشروان، بر احمی نخواهند توانست سرکوب و استعما و بیشتر را پیش برند. اما دیر خیز شده اند. کارگران استرالیایت به قدرت اتحادشان پی برده و مصمم بودند که به هر قیمتی از اخراج همکارانشان جلوگیری نمایند. بدین ترتیب کارگران زن همگی جلوی اطاقی که اخراجیها در آن بودند جمع شده و خواهان بازگشت آنان به قسمتها میشوند. اکثر آنها از اینکه در مقابل اخراج ۵۸ نفر قبلی مقاومت زیادی نکرده اند پشیمان بودند. یکی از کارگران می گفت: "با همه این اخراج کشید با حق اخراج این شش نفر را هم تدارک دیدی می گفت: "قضیه برگ و میش شده، هر روز حمله کرده و عده را پاره میکنند. آرزوی کارگران موفق شده اخراجی ها را تحت حمایت خود ببرند. کارگران میاورند. روز پنجشنبه عوامل کارفرما مانع ورود این شش نفر به کارخانها شدند. اما سایر کارکنان شهید کردند که اگر زور و آدا آنها جلوگیری شود همگی پشت در خواستها پیدا خواهند کرد. همگی پیروز مندان به وارد کارخانها شدند. با لاف مدیر کارخانها نه توان از رویا روشی با کارگران به پاسداران - کارخانها منتول میشود. پاسداری بدون کارخانها رفته و از اخراجیها میخواهند که از کارخانها بیرون بروند. اما سایر پرسن

در مقابل این عمل مزدوران عصبانیت نشسته و یکبار دیگر اتحاد دیر شکو هشان را به نمایش میگذارند. آنان خشکین از این حرکت کارفرما همگی دست از کار کشیدند و کارخانها را ترک کردند. عده ای از آنها به جستجوی نامه قسمت زنا نه میروند. نامه ها را لایزها میاشا هنده حرکت یکپارچه کارگران هراسان از آتشی خشم آنان در پیش بسته بندی مردانسه مخفی شده بود. او در حالیکه قصد فرار از کارخانها را داشت توسط کارگران محاصره شد. آنان در حالیکه هوشیارند و را بزور برف در فتری بردند تا مورد بازخواست قرار دهند. اما پاسدار کارخانها به سر رسیدند و او را از دست کارگران بیرون می کشند. کارگران که موفق نشده بودند این مزدور خیزی را محاکمه کنند، در سالن نهار رنجوری جمع شده و از مسئولین میخواهند که برای پاسخگویی به خواسته های آنان به سالن بروند. اما مدیر و سایر مسئولین در شرکت حاضر شدن در جمع کارگران را نداشتند. به جای آنان چند پاسدار به میان کارگران آمدند. یکی از پاسداران ابتدا سعی میکند با صحبت های آرام کارگران را بفریبند اما بزودی از این کار نا امید شده و میگوید: "شما حرف حساب سر نمی شنوید. اگر سرکار زنا نه نیرو به مجبور می شویم برای این سر نیزه و پوتین به او می یکی از کارگران که بخوبی نقش پاسداران را در سرکوب کارگران و دفاع از سرما به داران دربار یافته بود گفت: "منظور شما این است که از بیرون پاسداران وارد شوند، خوب است بگذارید مشخص شود پاسداران طرف چه کسی هستند". با لاف و تهدیدات به جاشی نرسید و کارگران ظهر آرزوی بهمراهی اخراجی به کارخانها بازگشتند. با لاف و تهدیدات عا جز از سرکوب مبارزات کارگران همان روز تا اطلاعیه ای با این مضمون صادر نمود: "کلیه قسمتهای زنا نه تا اطلاع ثانوی تعطیل میشود. علت این موضوع فعالیتها به نامه قسمت، اخلاکگری، به زور و آدا کردن شش نفری و... می باشد. هر کارگری خلاف این ضوابط عمل کند تعوییل مقامات بالا خواهد شد. بدین ترتیب کارگران زن بدون دریافت حق و حقوقی اخراج شدند (لازم به توضیح است که این کارخانها حدود ۱۲۰۰ کارگر دارند که اکثر آنها زن هستند) کارگران با بیگاری و اتحادشان نشان دادند که هر خلاف تصور کارفرما صرفاً "اخلاکگری" این شش نفر نیست که کارگران را به مبارزه می کشاند، آنان به هر کارفرما فریب ندهند نیروی کارشان را در محیط سرکوب و اختناق به کارخانها نه از چیز دیگری را به پاسداران بگذارند و در مقابل اعمال فداکاری آنها بهمین جرم آنان را از حق داشتن کسب و حداقل ما به محتاج زندگی محروم نمود. اما جریان مبارزات کارگران استرالیایت تا کنون نشان داده است که آنان هر شکست و عقب نشینی را با حمله ای گسترده پاسخ خواهند داد. آنان با مبارزات قهرمانانه شان تا به تازگی نکرده اند که با اخراج، دستگیری و اعدام نمیتوان برای همیشه از "شر کارگران" راحت شد، زیرا فقر و گران و تهدید و سرکوب دیگر جان را به لب شان رسانده است. کارگران - استرالیایت با پدید آمدن فتنه و جدت کارگران یک کارخانها در همین حال که لازم است، اما کافی نیست. آنان با بدمن ایجاد کارنونه ای شکل چون صندوق بیگاری، برای ایجاد ارتباط بلاکارخانها نه تنها مجاور و جلب حمایت سایر کارگران بکوشند. کارگران اخراجی نمیتوانند به هر در صفحه ۲

جنبش کارگری

بقیه از صفحه ۳
با تجمع جلوی در ورودی کاخ خانه خود
و کاخ نجات اطراف، از سایرین بخوانند
که از آنان حمایت کنند. دورنیت روزی
که این روزه‌های خروشان بهم پیوسته وسیل
بنیان کنی ایجاد کنند و طومار زندگی
تنگین سرما به داران ورزیم‌هایشان
را درهم پیچند.

اخباری از شوراها

رژیم جمهوری اسلامی با دستگیری و
اعدام عناصر پیشرو و ایجاد دوجوختنا قسی
برای با زیرین گرفتن کامل دستاورد های
قیام و سرکوب قطعی مبارزات کارگران
تلاش میکند. در چنین شرایطی انتخابات
اجباری برای تحمیل شورا های اسلامی
بجای شورا های انقلابی همچنان ادامه
دارد. کارگران نیز اشکال جدیدی از
مقاومت و مبارزه، با این انتخابات
را در پیش گرفته اند. آنان در مواردی به
تخریب این انتخابات اقدام نموده اند
اما بدلیل ترس از اخراج، کسر مزایا
و دهها تهدید دیگر، تخریب شیوه عمومی
کارگران نبوده است. متدا و لتربین
شیوه این مبارزات ریختن رای سفید
به صندوقها میباشد. در برخی کاخ نجات
کارگران کاندیداهای مورد نظرشان
را معرفی نموده و حاضر نشده اند به افراد
دیگری رای دهند. حتی به این شیوه
نمایندگان را از انتخاب کرده و بسیاری
فرستادن او به تلاش می کنند.

پیشی سلین تولید دارو (.....)
البته نمایندگان این مبارزات
اکثرا "در کاخ ها نمی است که کارگران
قبلا ذهنیت خوبی از شورا داشته و به مفید
بودن و کارائی این نهاد معتقد بوده اند
در زیر شرح نموده می از مبارزات -
کارگران با انتخابات اجباری میپردازیم:
تبدیل (منعنی البرز)

پس از منحل شدن شورای قبلی، اوایل
مهرماه مجمع عمومی برای انتخاب
نمایندگان شورای جدید تشکیل شد.
ابتدا نماینده "سپاه پاسداران" در مورد
شرایط اعضای شورا، که یکی از آنها
پذیرش رهبری بود، صحبت کرد. سپس تا جمعه
تن از حزب اللهی ها را خواند و از کارگران
خواست که به چند تن از آنان رای دهند.
اما کارگران که در دل خوشی از انجمن اسلامی
و جا سوسا نش ندا شدند مدت مدیدی از افراد
مورد قبولی شان را اعلام کرده و با روی دست
بلند کردن یکی از آنان میزبان اعتمادشان
را به او نشان میدهند. اعضای انجمن و
سپاه که این وضع را دیدند آرزو اعتراض
نمیکنند. اما افرادی آرزو اعلام میکنند
که کاندیداتوری این دو نفر تصویب نشده
پس از این جریان از عکس العمل کارگران
در مقابل این عمل ارتجاعی اطلاعی
نداریم. کارگران تبدیل باید تبلیغ
برای کاندیداهای خود از همه را کنند
که به آنان رای دهند. آنان نمیتوانند
با دفاع از شیوه صحیح انتخابات (مخفی)
آزاد، با نظارت کارگری (از جاسوسی عناصر
حزبی جلوگیری نمایند. تا بدینوسیله
همه بتوانند بدون ترس از اخراج و
دستگیری نماینده مورد اعتمادشان
را انتخاب نمایند.

کارخانجات آنها سازی

کارگران یکی از کارخانجات مهمات
سازی، نماینده قبلی شان را که

موردتا شاید اکثر کارگران بود برای رفتن
به شورای مرکزی کاندید نموندند. اما از
آنجا که نام این فرستاده کمیته های سازی
از لیست کاندیداهای حذف شده بود و شرکت
در انتخابات قبلی خودداری کردند.
اعضای شورای فرماندهی از کارگران
خواستند که به فرد دیگری که موردتایید
این کمیته قرار گرفته رای دهند. اما
کارگران که میدانستند کمیته های سازی
و اطرافیانش جز سرکوب مبارزات کارگران
و خدمت به سرما به داران و وظیفه دیگری
ندارند حاضر به بیگانه شدن با این افراد -
جلسه انتخاباتی در اثر تریخت و درگیری
کارگران با اعضای شورای اسلامی بدون
نتیجه مشخص بهم میخورد.

پس از چند روز نمایندگان شورای -
فرماندهی دوباره به کارخانجات نماینده
و اینبار با تهدید کارگران و افسران
و رعیت و وحشت در آنان زمینه را برای
انتخابات قبلی فراهم میکنند. انتخابات
بدین صورت بود که کارگران را از روی
لیست صدا میگرداند و برگه انتخاباتی را
که روی آن شماره کارگر در لیست اساسی
نوشته شده بود می دادند. بدین ترتیب آنها
با پیشبرد یک انتخابات قبلی توانستند
فالاخره مورد نظرشان را از صندوقها بیرون
بکشند.

کارخانجات شیمیایی با رچین

کارکنان یک آزمایشگاه (۷۰ نفر) در
اعتراض به حذف سه تن از کاندیداهای ایشان
با شرکت نکردن در انتخابات با دادن رای
سفید با انتخابات قبلی به مقابله
برخواستند.

هفته دوم آبانماه مجمع عمومی کارکنان
برای تشکیل شورای قسمتی و فرستادن
دو نماینده به شورای کارخانه تشکیل شد.
در این مجمع نمایندگان شورای فرماندهی
اعلام نمودند که نام سه تن از کاندیدای
کارکنان حذف شده است. (لازم به توضیح
است که یکی از این سه نفر به جرم هواداری
از نیروهای مترقی تحت تعقیب بوده و به
کارخانه نمی آید) بدینحال حذف این سه
افراد یکی از کاندیدای تا کاندید شده
نیز در اعتراض به حذف سه نفر فوق کاندیدها -
توری خود را پس میگیرد. علاوه بر او یکی از
حزب اللهی ها هم که مطمئن بود کسی به او
رای نخواهد داد، کناره گیری نمود و رای
گیری با دو کاندید آغا زنده. اما تعداد
آراء سفید بندی بود که اعضای شورا بناچار
باطل نمودند. در اینجا فروش نماینده
فالاخره صورت به هیله جدیدی نمایش شد.
او از کسانی که رای سفید داده بودند خواست
که یکی از آنان دلایل این کارشان را
توضیح دهند. او بدینوسیله میخواست
ضمن تفتیش عقاید و شنا سازی کارکنان
چهره ای لیبرال ماب بخود بگیرد. اما
این خیل به جدید نیز موثر واقع نشد.
یکی از کارکنان در جواب او گفت: "مگر
نمایندگان مجلس شورای اسلامی که
رای معتقد میدهند، دلایلشان را همه
توضیح میدهند که شما تفتیش عقاید میکنید
این گفته او مورد حمایت سایر کارکنان
قرار گرفت و آنان در حالیکه فروش را
خو میگردند جلسه را ترک نمودند.

پس از این جلسه دو سه بار دیگر نیز
انتخابات برگزار شد و هر بار با شکست
آراء سفید با شکست روبرو شد و هنوز نماینده
ای به شورای کارخانه نرفته است.
کارکنان آزمایشگاه با این عملشان
نه تنها حاضر نشدند به حزب اللهی ها رای
دهند بلکه با کاندید کردن فردی که مورد
تعقیب مزدوران حزبی قرار گرفته
نشان دادند که تلاشی مذبوحانه آنان

برای بدبین کردن کارکنان به نیروهای
مترقی بجای نرسیده و با این عملشان
مشت محکمی به پیروزه مزدوران حزب -
کوبیدند.

مینو

روزه شنبه ۸/۸/۵ از کارگران خواستند
که نماز بندهای برای بررسی طبقه بندی
مشاغل انتخاب کنند. فالاخره ای کارخانه
فورا اسم دهن از حزب اللهی ها را روی
مقاومت و روی دست بلند میکنند تا مبادا
با انتخاب شدن عناصر مترقی و نمایندگان
واقعی کارگران، ذرهای از منافع
سرما به داران لگدمال شود. این عمل
آنان با اعتراض کارگران مواج شده و
کارگران نیز نام دو نفر را که یکی از آنان
نماینده قبلی شان بود، روی مقابله
نوشته اند. فالاخره علیرغم اذیت
و حتی بهره گیری مقوی کارگران موفق
نشده اند را از انجام این کار باز
دارند و بناچار نمایندگان کارگران
را هم در انتخابات شرکت دادند. در این
انتخابات هر جا که یک حزب اللهی
نوشته، با عصمت برای نماینده نشان
تبلیغ میگردند. کارگران نیز به تبلیغ
می پردازند. کارکنان که از نماینده
قبلی شان دل خوشی نداشتند، علیرغم
بسی اعتقادی به نتیجه کار نمایندگان
به منظور رویا روشی با اعضای انجمن سر
انتخابات نمایندگان نشان با فشاری
میگردند. آنها فالاخره موفق شدند و در
کناریک نماینده حزبی، یک نماینده
کارگران نیز به جلسه بررسی طبقه بندی
فرستاده شد و کارکنان با یک تجربه موفق
خود را برای مبارزات گسترده تر آماده
میکنند.

مینو خرمدره - ۶۰/۷/۴ با تشکیل شدن
انجمن اسلامی برپایست سیدین اختلافات
بین جناح های مختلف با لگرفته. این
اختلافات با یک سری درگیری های رئیس
حزب جمهوری اسلامی بهره در حال حاضر
اما جماعت کارخانه نیز می با شنبه
جناح های دیگر شروع شد و اخیرا "نیوز
اعلامیه ای از طرف حزب جمهوری اسلامی
به امضای کارکنان شرکت مینو ۸/۱۱ -
صاحب شده موضوعش غیرا سلامی و غیر قانونی
خواندن انجمن اسلامی میباشد و خواستار
تشکیل انجمن اسلامی جدیدی شدند. در
همین رابطه کارکنان پیشرو و کارخانه
تراکتی داده و طی آن هر دو جناح را محکوم
کرده و خواستار اتحاد کارکنان در جهت
اقتضای افراد و کارکنان ضد کارگری
و ضد انقلابی و مبارزه برای تشکیل
شورا های انقلابی شدند.

دوستان کارگران
مورخه و نقشه راه اعلامیه ای از طرف حزب جمهوری اسلامی (موضوع: انجمن شوراها)
بزرگان و کارکنان عزیز! انجمن کارگران شرکت سیر "سازگروه"
اعلامیه ما را در نظر حزب شما مطالعه کرده اند و در صورت مهربانی
را به دست کارگران و رعیت همه کارگران را از این برای ما در این
کارگران عزیز! انجمن کارگران و همه حزب ما را از این انجمن کارگران و سراسر
شورای کارگران در این مورد مطلع کنید.
کارگران! این انجمن کارگران و همه حزب ما را از این انجمن کارگران و سراسر
را مشاهده و در صورت لزوم برای ما اطلاع دهید.
مورخه و نقشه راه اعلامیه ای از طرف حزب جمهوری اسلامی (موضوع: انجمن شوراها)

کارگران پیشرو

ضرورت جدائی دین از سیاست

پس از ظلمت شب پندای حکومتگران ظل الهی، اکنون قریب به سهال است که نوبت به الهیون رسیده است تا این بار مستقیماً "زیربوقی نام داشت و میبانت از اسلام، سیاحت سپه‌روزی و ادب‌اروستم و استخما رتوده‌های خلق همچنان گسترده بماند. تصور حکومت دینمداران، اندکی پیش از انقلاب بهمین، به شوخی بیشتر شباهت میبرد. اما اکنون این شوخی تا ریختن حق بافته است. با ملاحظه رشد شتابان روابط تولیدسرما به‌داری و وابستگی روزافزون اقتصاد ایران به مداخله دجانی امپریالیسم، منطقیاً میشد نتیجه گرفت که مهلت برای عرض اندام تفکر دینی روز بروز بیشتر به سر می‌آید. چاره آن که جریان و ویژه‌ای از مدعیان متدین قدرت، عملاً قدرت حکومتی را در دست گیرند. صرف نظر از نیروی سیاسی سازمان مجاهدین خلق، هر دو دهه اخیر مافوق و اوج‌گیری نهایی سیاسی - مذهبی، همیای گاهش و فرسودگی پایه‌های مادی رشد تفکر دینی روز بروز کاهش مییافت.

از دیدگاه به قدرت رسیدگان امروزین این ظهور همه‌جانبه "در حکم معجزه‌ای - ست که به "حول قوه الهی صورت پذیرفته و از نظر پیشینیان غیر مذهبی حکومتگران (کمونیست‌نماها) این امر را به قابلیت‌های نهفته دوران سازی نسبت داد که همواره در سرشت دین اسلام وجود داشته. لیکن توجه به زمینه‌های رشد و کامل مناسبات اجتماعی - اقتصادی سرمایه - داری گواهان است که این "معجزه" و "رنسانس" (با زراشی - ظهور مجدد) - مذهبی، آنهم در شرایطی که کمتر از همیشه انتظار میرفت، مصادیق یک نابینگایی تاریخی است، فریاد تشنگی و احتیاج بیرونی است که دروا بسین لحظات میان زندگی و مرگ، تمامای نیروی خود را در منتهی از ناتوانی‌های گوناگون سایر نیروها، به جلوه یک تشنه‌اش سناشی به تماشا گذاشته است. از اینرو به یک تعبیر، حق آن است که این نیرو را به حساب بی‌نیروی دیگر نیروها بگذارد. بیجا ست سخنی از ما رکن را به یاد آوریم که در مناسباتی گفته بود:

"قاعده‌گهنی هست که تاریخ ترا باثبات رسانده و آن این که نیروهای منسوخ اجتماعی، که هنوز از حیث اسمی صاحب تمام مستدهای قدرت هستند و مدت‌ها پس از آن که ناشالوده هستی شان فرسوده و از میان رفته است، به زندگی گیا هوار - خویش ادا می‌دهند. در حالی که ورثه آنان بر سر میراث به نزاغ مشغولند آنهم پیش از این که علان ترحیم شریا فتنه با شد و وصیت نامه خوانده شود - این نیروها با ردیگری پیش از لحظه تشنگی احتیاج تمامای نیروهای خود را جمع میکنند، از حالت دفاعی به موضع تهاجمی رود، و به عوض منزل سپردن به دیگری، به میا رزه‌خوشی میپردازند، بومی کوشند از پیش زمینه‌هایی که تنهائیا مورد چون و چرا ست، بلکه محکوم شده است، حداثرین نتیجه‌ها را اخذ کنند. (از جنبش فدلکلیا - نظایرات درها یدپارک ۱۸۵۵)

بطور خلاصه ستیز میان ورثه‌ها معمه کهن، ستیزی که در آن نیروهای و طبرف نتوانستند مبارزه را به نتیجه منطقی خویش برسانند، کار به جایی کشید که "معجزه در تمام وسعت خویش رخ نمود:

با زراشی - احتیاج و اسلام، و جا معمه ایران ما نشندنا کردی دیر آموز (به تعبیر مارکس) مدتها پس از آن، که جوامع دیگر، بویژه آزمونهای تاریخی پشت سر گذاشتند و به رفع جناقت میان ایدئولوژیهای دیرین و مناسبات تولیدی نویسن پرداختند، نه تنها نتوانست این تناقض را حل کند، بلکه بر عکس راه را بر حضور همه‌جانبه و قدر قدرتی نیروی هموار کرد که منطقیاً "میبا بست عمرش - دست کم از لحاظ سیاسی - به سر آمده‌ها شد.

این نوزاشی - احتیاج و اسلام سیاسی که اکنون در هیات جمهوری اسلامی بسر مقدرات خلق حاکم شده است، در شرایطی صورت گرفت که بورژوازی و متحدینش درونی و بیرونی آن دیگر نمی توانستند ایدئولوژیهای صریح خود را از کارزار به کار گیرند و از طرف دیگر بیرونیها و متحدینش نیز، برخاسته از زیر ضربات بورژوازی حاکم هنوز فرصت نیافته بود نیروهای خود را با ایدئولوژی ویژه خویش بسپارند. نبرد با نقایب عقیدتی دینی جریان یافت. طی یک سازش تاریخی این دو قطب جا معمه را بیت دادند تا تعیین نتیجه قطعی مبارزه، قدرت بیانیگی گری را به نیروی مذهبی واگذار کنند. و بدین گونه با ردیگری این سخن با تولد (BARTOD)، پتروشفسکی و دیگران - مصادیق یافت که در شرق، مبارزات طبقاتی غالباً "در پوشش دین مطرح میشوند. با این تفاوت مهم که این بار این جا معمه شرقی، جا معمه ای بود که مناسبات تولید سرما به‌داری بر آن غلبه داشت. لیکن این نیز ویژگی جا معمه‌های تحت سلطه امپریالیسم است که از این گونه رخداد - های شگفت آور در آن رخ میدهد. خواهیم دید که چگونه.

باری، آیت الله خمینی با سابقه مبارزه‌جویی اش نسبت به روزیم شاهنشاهی بهترین ایفای این نقش اجتماعی و سبیل این سازش تاریخی بود. برای درک چگونگی ظهور این "معجزه" و گشودن "طلمس" آن، ضروری است نگاه کردیم و اجمالی به سیر تحولات اخیر جا معمه ایران و ویژگیهای آن، با عنایت خاص به جاق و نقش مذهب و برخورد نیروها و طبقات گوناگون اجتماعی نسبت به آن، بیفکنیم.

بورژوازی نوخاسته ایران، کسه اساساً "ریشه‌دولایه‌های تاجر - رباخوار داشت، در نخستین حرکات سیاسی و تلاش برای احراز هویت، پیش از آن که بتواند به جدای رشد و تکامل صنعتی دست یابد، با سلطه فلج‌کننده امپریالیسم مواجه شد و همچنان که در بیشتر ایام حیات سرما به تجاری در تاریخ ایران شاه‌بودیم، برای رویارویی با دشمن خارجی (که در ادوار پیشین عمدتاً "از قوم ما جاد دشمن تشکیل میشد، ناچار از همگامی با سایر نیروهای شد که از رهگذر نفوذ و سلطه استعماری و نواستعماری، مناسبات تنگی و جایگاه‌های ویژه خود را در معرض خطر میدیدند. روحانیت شیعه نیز از نیروهای بود که گسترش سلطه امپریالیسم را در حکم زوال موقع طبقاتی و امتیازات اجتماعی ویژه خویش میدادند. نیروهای ناشی نیز که از مناسبات تولیدی نویسن برخاسته بودند و با تحت تاثیر عقیدت‌های انقلابیهای بورژوازی اروپا، سوسیال

دمکراسی روس بودند، در ایفای نقش تاریخی خود برای مبارزه با امپریالیسم با این نیروها تاریخیاً متضاد همسوز شدند. رهبری این مبارزه با بورژوازی نوخاسته ای بود که پیش از آنکه در ستیز با "فئودالیسم" و به طور کلی مناسبات تولیدی سنتی و ایدئولوژی ملازم با آن احراز هویت کند. در منازعه با نیروی خارجی بود که خود را با زیادت.

ارتباط دیرین میان سرما به تجاری و رباخوار و مالکیت ارضی، مانع از آن شد که جدائی مناسبات سنتی و مناسبات سرما به‌داری، جنبان که در غرب کلاسیک مشاهده شده بود، پدید آید. مالکیت ارضی حتی به شیوه‌ای جنبه سرما به‌داری - نیمه فئودالی بسط یافت. زیرا فشار سرما به امپریالیستی و موانع رشد سرما به صنعتی مانع از آن میشد که سرما به‌داری شباشت شده در روند توزیع و تجارت کالای داخلی و خارجی، صرف سرما به‌داری در زمینه‌های صنعتی گردد. به این لحاظ نوعی "همزیستی" میان مناسبات کهن و مناسبات نویسن بوجود آمده که نتیجه شبیه آن "همزیستی ایدئولوژی‌های کهن و نویسن بود. هر چند که این همزیستی غالباً "بشکل ظهور انواع - ایدئولوژیهای" التقاطی بود.

وانگهی هویت‌های بورژوازی ایران تقریباً "مصادف بود با دووا قسه مهم، یکی رشد سوسیال - دمکراسی روسیه که سرانجام بشکل پیروزمند خود در انقلاب اکتبر، مصادف با دین قطعه را سلطه کرد و دیگری رشد کمالیسم و ترکیه (به رهبری کمال - آتاتورک) که با این یک نیز مصادف در پی خلق بود. از بقایای خلیفه‌گری عثمانی ها از تن جا معمه ترکیه نویسن سرما به‌داری بود. بدین مناسبت بود که روحانیت شیعه ایران در پیاه‌گذاری قدرت سلطنت - پهلوی نقش شایان توجهی ایفا کرد: مصادف ای بود که قرا بود در طرف در آن سو برهند، روحانیت امتیازات خویش را حفظ کنند و از بدین زداشی بلشویکی یا کمالیستی در امان بمانند و پهلوی نیز با به‌های اجتماعی قدرت خویش را استوار سازد. (بگذریم از مواردمعدودی چون - مدرس که ظاهراً بدون برخورداری از آینه‌نگری امثال علامه‌نا کبیری، سر - سخنان در پی ایفای سلطنت قاجار و مخالفت با جمهوری خواهی مصلحتی رضا خان بود، و رضا خان نیز پس از استحکام پایه‌های قدرت، با روحانیتون اعم از موافق و مخالف، به تقلید از آتاتورک رویروشد.)

بنابراین بیمنوان یک ویژگی‌ها معمه تحت سلطه ایران که تا بد در ممالک نظیر آن نیز یافت شود، با بورژوازی و نیرو هستم که برخلاف بورژوازی کلاسیک اروپا، نه تنها نقش سرکردگی مبارزه با اشراف زمیندار و روحانیت همرا با آن را بر عهده ندارد، بلکه (جز در موارد معدود و در هیات روشنفکرانی چون میرزا ملک خان و آخوندزاده و...) نسبت به دین نقشی غیر انقلابی و سازشکارانه ندارد. ظاهراً "دوره دیکتاتوری ۲۰ ساله خلاف این را اثبات میکند، زیرا در این دوره روحانیت در معرض انواع تضیقات قرار گرفت. لیکن این فقط تناقضی مورثی است در واقع نه زمینه‌های مادی حیات تنگنات مذهبی در معرض تهدید قرار گرفت و نه زمینه‌های فرهنگی آن زیر فشار قرار داشت، بهمنون مثال انجمنهای متعدد احضار روح یا رسالات با سبونا لیستی - دینی سید احمد کسروی، نشانه حضور تفکر دینی است.

ضرورت جدائی دین از سیاست

تنبه از صفحه ۵

وانگهی استقرار مناسبات سرما به داری در ایران، چنان که در بسیاری از جوامع تحت سلطه دیگر ریزید دیده میشود، مناسبات تولیدی که را بطور ریشه‌ای از میان برداشته، بلکه حیات آن را، البته در شکل‌های دیگر استمرار بخشید و به خود وابسته گردانید. توسعه محدود، جزئی و بسیارنا موزون اقتصاد سرمایه داری، که از خصوصیات تفکیک ناپذیر تکامل سرما به داری پس از ظهور امپریالیسم است، موجب شد که بخش‌های مهمی از اقتصاد دینتی به حیات خویش ادا مدهند شبکه سنتی توزیع و تجارت، تولید خود پیشه‌وری، تولید خوددهقان، تولید نیمه فئودال‌ها پیدا نمایند. و چنان که مسی دانیسم این شیوه تولید و توزیع، که خسود زادگاه و پرورشگاه درین تفکرات مذهبی بود، در روزگار گسترش روابط سرمایه داری نیز عمل با ز تولیدایدنولوژی - کهن گردید.

آهنگ تجزیه و تفریق و تلاش اقشار جامعه سنتی (دهقانان و پیشه‌وران)، بسی کند - ترا ز قدرت جذب نهادهای صنعتی نوین بود. از سویی به سبب گندی توسعه و مناسبات موزونی جدید آن و از سوی دیگر مناسبات با لایبردن ترکیب ارگانیک سرمایه که فرصتهای اشتغال ناچیزی برای تولید - های کثیرکننده از مناسبات کهن فراهم می‌آورد. از این رو بویژه پس از اصلاحات ارضی و سلب مالکیت ارضی و وسیع بر زگر - رعیت، انبوه کثیری از مردم در شهرها بدون امکان قرار گرفتن در مناسبات نوین سرمایه داری و بی بهره از حق دسترسی به وسایل نوین تولید، به صورت حاشیه نشینان نیمه پرولتسار و بیسویان شهری برهما نیاشته شدند. در حالی که همچنان در ارتباط با آراء و عقاید کهن باقی ماندند. ستیز مستمر و بی‌امان حکومت با عقاید مترقی غیر مذهبی و ضد مذهبی حتی مانع از آن میشد که بخش پرولتسارهای این اقشار ریزبسه ایدنولوژی درخور موضع عینی خویش - دست یابد.

اکنون که از ترسیم خطوط عمده زمینه - های باززائی تفکر مذهبی فارغ گشتیم با دیده‌پایه‌های ایدنولوژیک آن نیز از آثاره کهنم، رژیم‌ها هفتاد ساله با ایدنولوژی مذهبی در دوده‌های غیر (پلیروان آیت‌الله خمینی و سازمان - مجاهدین خلق) بقیه‌جا معده روحانیت را مورد توجه ویژه‌ای قرار میداد، بخش مهمی از روحانیون، مستقیم و غیر مستقیم در ارتباط با بساط حکومت بودند. تظا هر به تدبیر یکی از لوازم کار حکومت بود.

دین رسمی حکومتی وظیفه مهمتری نیز بر عهده داشت و آن جلوگیری از گسترش عقاید کمونیستی بود. دستگا و حکومت علاوه بر این که با میلان غیرسیاسی (ویا بال‌فعل غیرسیاسی) دین، مدارا نمیکرد، خود نیز علاوه بر کمک به حفظ موقعیت روحانیت سازشکارانه کوششهای ویژه‌ای دست میداد.

فصلی از قدرت گیری روحانیت شیعه، بساط سلسله‌های درویش را گسترده‌تر میکرد. بویژه آنجا که "شریعت سنتی" مورد چون و چرا ی پرورگرا نهایی غالبی م (افسوسان و روشنفکران متعدد) قرار داشت، رونق دادن بکارشوی اهل "طریقت" ضرورت

میبافت و وظیفه عرفان رسمی به سردمداری - امثال سیدجین نصر (شاگرد آیت‌الله سیدحسین طباطبائی که آیت‌الله مطهری نیز پرورده‌وی بود، هاشمی گهر بن (قرانسوی شیعه‌شده)، وانجمین شانهشاهی فلسفه و انجمین مظالم فرهنگها (زیر نظر دارویش شایگان - عارف - فرنگی) این بود که روشنفکران متعدد در راه از حوزه نفوذ عناصر مترقی برکنار - نگه‌دارند.

همچنین در میان نیروهای مخالف حکومت نیز کوششهای مختلفی برای حفظ تدبیر توده‌ها و همچنین خنثی کردن نقش تحولات و علوم نوین در گرایش به مادی - گری، صورت می‌پذیرفت. بیرون از حوزه - های علمیه که از دیرباز در اجزای این وظیفه کوشا بودند، مهندس بازرگان از نخستین کوشندگان نام‌آوری بود که به قصد جلوگیری از شیوع تفکر مادی، روشنفکران و تحصیل کردگان را بر می‌دارد و اینها را به سوی دینی نوین و "منطق با علم" فرا میخواند. او در حلقه‌های جای داشت که برخی اعضاء مهم آن کسانی چون - مطهری، مکارم شیرازی، طالقانی، شریعتی پدرو... بودند. البته آقا زکاء کاشغری اینان را مقابله با تفکرات توده‌ای بود، اما بعدها برخی از آنان به اقرا مطهری لازم یافتند از طریق حسینیه ارشاد، کار علامه طباطبائی - مطهری را در زمینه تدوین فلسفه رثا لیسما: صورت انتقادی به صورت اشیا تی در آورند. حسینیه ارشاد معرف نهضتی است که میباید در روزگار گسترش سرمایه داری و وابسته دین را به صورت آراسته و مروزی پسند تر در آورد. سپس تقریباً همزمان با ظهور سازمان مجاهدین خلق که برگرفته‌ها پیش از زاید اقتصاد، سوسیالیسم روشن بود و گرایش به همکاری با ماركسیستها را نیز پنهان نمی‌کرد و در جهت براندازی مسلحانه حکومت کامبر میداشت. جریان دکتروعلی شریعتی پدید آمد که با تفسیر نخبه‌گرای خود از اسلام و تبلیغ "بازگشت، در جهت آشنی دادن میان روشنفکران و دیسن کام میزد. شریعتی بخصوص از این نظر که برخلاف مجاهدین که به همزمانی خون و پیام" (یعنی مبارزه مسلحانه - تبلیغ مسلحانه) اعتقاد داشتند، معتقد به تقدم "پیام" (تبلیغ) برخون (مبارزه - مسلحانه) بود، گما بیش مورد تحمل و مدارای دستگا‌ها ک بود.

نا درست است اگر بخواییم بین گرایشهای مختلف حتی متضاد اسلامی را صرفاً "از دیدگاه نقشی که در مبارزه با کمونیسم و جلوگیری از اشاعت آن داشته - اند، هم ارزش بدهیم. خطرناک این است که هر چه را که در پوشش نام اسلام - مطرح میشود، مطلقاً "رتجا می‌دانیم. واقع‌مرا این است که در جامعه‌های این چنین، که مرز روشن وزمینه‌ها افتاده‌ای از طبقات اجتماعی شکل نیافته است، گرایشهای مختلف طبقاتی خود را در نقاب اسلام معرفی میکنند. فی‌المثل نوع خاصی از سوسیالیسم پیش‌مارکسیستی

در جامعه ما سرداران در آغا ز تحت نام سوسیالیستهای خدا پرست ظاهر میشود که "جنش مسلمانان مبارز" و "جاما فرزندان آن هستند و سازمان مجاهدین خلق گرچه ظاهراً "ز درون نهضت آزادی" برخاست، اما در واقع حامل همان نوع تفکراتی است که پیش از آن توسط سوسیالیستهای خدا پرست مطرح میشد. و از دیدگاه هدفهای اجتماعی و تکلیف

کاههای طبقاتی با هیچ‌کدام از منطقی نمیتوان این گرایش اسلامی را هم ارز "نهضت آزادی" و "حزب خلق مسلمان" دانست. این طبقاتی و اقشار کوشا که جا معده هستند که هر یک "اسلام" خاص خویش را طرح میکنند و از این لحاظ میتوان - این نوع اسلام را "اجمالاً" به سه دسته بزرگ تقسیم کرد: اسلام گذشته‌گرا - محافظه‌کار، اسلام بورژوا مآب و اسلام آینده‌نگر (بسا آمیزه‌ای از اعتقادات سوسیالیسم پیش از مارکسیسم و حتی برگرفته‌ها لیسما از مارکسیسم و کمونیسم).

در این مجال در آنچه به اسلام نسوج اول مربوط میشود باید تذکر داد که به - خلاف ادعای قدرتمندان امروز، - روحانیت بزرگ شیعه بخصوص پس از به قدرت رسیدن صفویه، همواره رکن کمابیش مهمی از قدرت حاکم را تشکیل میداده و کمترین وظیفه و نقش آن تجویز شریعت حکومت و تأمین فرمانبرداری توده‌ها بوده است. و تنها پس از شد سرمایه داری و شتاب گرفتن آن و روند غیر دینی شدن جامعه (LAICISATION) است که در صفوف روحانیت بزرگ شیعه شکاف پدید می‌آید فی‌المثل میدان نیمه‌جریان ۱۵ می‌داد ۱۴۲، اساساً "به تحریک آیت‌الله بهبهانی روحانیت درباری و در مخالفت با اصلاحات ارضی و آزادی زنان آغاز شد و سپس در عمل با اعتراض توده‌های محروم شهری نسبت به کل عملکردهای حکومت وقت درآمیخته شد.

نیروهای چپ نیز در مجموع نسبت به پدیده دین موضوع روشن و قاطعیندا اشتناک جالب توجه است که یکی از نخستین رسالات ترجمه شده و یا ملهم از متون سوسیال دموکراسی انقلابی روس که آئین مبارزه سوسیالیستی را در ایران عنوان میکند، با عبارت "بسمه تعالی" - آغاز میشود. این مماشات بعدها نیز به اشکال مختلف وظا هرا "به بهانه‌ها - ملاحظه نفوذ عظیم مذهب در میان توده‌های مردم و تحریکات ضد کمونیستی حکام وقت، ادا می‌شده. حتی بعضی افراد سازمانها مدعی شده اند که، میان سوسیالیسم و اسلام انقلابی هیچگونه تضاد نمی‌بینند (جدیدترین نمونه آن: سخنان احسان - ظیری در مناظره ایدنولوژیک) اینگونه متفکران با اصطلاح "رکسیست"، بعنوان چاشنی استدلال حتی گاهی مدعی می شوند که روح اسلام با روح دین دیگر متفا و تفاوت است. اسلام با انقلاب خواهی مترادف است و...

در مجموعه‌ای از این شرایط مادی و پیش زمینه‌های فکری بود که در استان قیام بهمن، توده‌های خلق دچار این توم شدند که میتوان از اسلام بعنوان ناجی و برقرار کننده عدل بهره گرفت و نیروی را نیز واداشت که در انتظار رهلتی بهتر، از این ملتغمه‌نا روشن برای فرونشاندن امواج مبارزه طبقاتی مددگیرد. چنین بود محتوای تاریخی بروز معجزه حکومت جمهوری اسلامی. و این همه برای آن بود که روشی نشان ظهور بدون مقدمه و ابتدا به ساکن نبوده است. و اینک قفل دین پای خلق را زرفتا ربا زمیندارد لیکن چنان که شاعر گفته است:

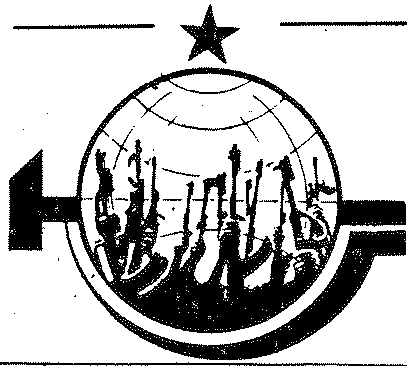
قفل، یعنی که کلیدی هست! (شاملو)
ادامه دارد
در تکثیر و توزیع آثار سازمان بکوشید



★ زنده باد انقلاب پرو (قسمت پنجم) ★

جنبش جهانی

کارگری - رها نیخست



پرو، سراغ گرفت.

با توجه به چنین کارنامه خونباری، لفاظی های خونتای نظامی در رابطه با مشارکت نموده ها در تعیین سرنوشت خویش، چه میشدند آنها دزد هذیان های پوپولیستی. شما می داد و فریاد های رژیم نبرد در رابطه با اینکه جامعه نوین پرو، شرقی و نه غربی، نه کا پیتا لیت و نه کمونیست خواهد بود، تنها بر سر چنین درکی قابل فهم است. در فاصله سال ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۵، روزنامه های تحت کنترل رژیم، رادیو، تلویزیون و هزارگان تبلیغی ای که خونتای در اختیار داشت، بیوقفه در صدا لقا این پندار بودند که راه ستکامل پرو، تک است و متفاوت. راهی است که نه بر سرستیز طبقه ای که بر تنه و ن طبقه ای بنیان گرفته. که هدف نه محبوبیت، بل همزیستی مسالمت آمیزتان خواهد بود.

از هنگامی که خونتای بنا پار티ست، با خلق "بلونده" قدرت را بدست گرفت، فقدان حزبی پوپولیستی - نموده ای که تکیه گاه می مطمئن برای رژیم شما را بد، کاملاً ضروری نبود. حزب کمونیست پرو (PCP) نیز که خود را دانه مهربانتر از خونتای یافته بود، با رها بر ضرورت شکل گیری - حزبی سرسری و نموده گیر، با جبهه ای متحد، برای حفظ دست آورده های رژیم، تکیه کرد. اما از آنجا که دولت "ولسکو" عمیقاً "زهر بود" مشارکت راستین نموده ها، هراسناک بود، با اتخاذ موضعی انعطافنا پذیر در -

برای برپیش نهادن "حزب کمونیست پرو" (PCP) از برپا کردن هرگونه تشکیلی نموده گیر سرپا زمیزد، وانگاه نیز که با لایحه های اکراره در سال ۱۹۷۱ در برابر جنبش پیشنه های سر فرود آورد، نهادی برپا کرد، که آنقدر رنگ و بوی نظامی داشت، که بیشتر به جوخه های رژیم شبه بودتای حزبی نموده گیر، خونتای نظامی تا این نهاد در سورا "نظام ملی برای حمایت از بسیج اجتماعی (SINAMOS)" گذاشت. "بسیج در پیوند با ۸ موسسه گوناگون دولتی، مسئولیت اجرای خدمات اجتماعی را بردوش گرفت، اما خیلی زود - "بسیج" ساختار منجمدی را که خونتای سر بنیان دان سرپا پیش داشته بود، از دست داد. شعب مختلف "بسیج" بسته به اینکه رهبرش در دست راست گرایان بود یا چپ گرایان - رفرمیست، تبدیل به واحدهای شبه پلیسی برای کنترل حرکات کارگری - دهقانان شدند، یا ارگانهای ناظمی که تلاششان بر این بود تا با بسیج هر چه بیشتر مردم در پشتیبانی از رژیم، خونتای را به انجام - اقداماتی را در یکال تریکشانده "بهررو" - نظام ملی برای حمایت از بسیج اجتماعی (SINAMOS)، رفته رفته پرت افتادگی اش بقیه در صفحه ۸

در ۲۵ دسامبر ۱۹۶۸، سه ماه و نیم پس از کودتا، نظامیان بر آن شدند، تا با فرسوخاندن نظامی ها را با رزیا بی تا شیر اقدامات خود پیرداخته و از کم و کیف با نگاه اجتماعی خویش، شناختی بدست آورند. نتیجه کاملاً ما یونی کنند بود. از استقبال نموده ای برای نبود، برعکس در نخستین روزهای سال ۱۹۶۹ نظامی هرات گسترده ای به فراخوان کنفدراسیون عمومی کارگران - پرو (CGTP) و با شعار محکوم کردن سیاست های سرکوبگرانه رژیم در رابطه با جنبش کارگری، برپا شد. در فوریه همان سال هنگامی که خونتای طرحی برای سازماندهی نیروها بر اساس انگلی دانسنگاها ای آمریکا - ارا شده داد، موجی از اعتراضات و اعتصابات دانشمندی، تمامی دانشگاهها را فرا گرفت. در ماه مارس همان سال ۱۰۰۰ تن از همسران معدنیان بعنوان اعتراض به دستگیری شوهران خود، اعتصاب غذای نامحدودی را آغاز کردند، و یکروز بعد، پلیس خونتای به ۲۰۰ تن از کارگران معادن، که در پیشتهای از اعتصاب غذا در خیابانهای لیما - به اعتراض برخاسته بودند، حمله کرد.

در میانه سال ۱۹۶۹، با وجود آنکه دگرگونی اریساتها ای ضد کارگری - دهقانان رژیم خونتای پنجمی آمد و سرکوب سبانه هرگونه اعتراض همچنان ادامه داشت، "حزب کمونیست پرو" (PCP) به تغییر موضع خویش در قبال دولت "ولسکو" دست زد، و بدون کوچکترین اشاره ای به این رنگ باختگی، به پشتیبانی بی دریغ از بنا پارتيست ها پرداخت. البته ۶ سالی بعد دگرگونی که "حزب با ملاحظ" - کمونیست آمریکا ای لاتین، این پرچمداران راستین سوسیال رفرمیسم و سوسیال خیانت پیشگی برپا داشتند، و در خرجهای خونتای توجیه موضع "برادران" پرویی خود بهم بافتند، میشد دلایل این تغییر سیاست را یافت، - آنجا که از استعاله "تاسیونا لیسیم ضد امیریا لیسیم و اتخاذ موضعی که مشارکت هر چه بیشتر و هر چه تعیین کننده تر نموده ها را در سرنوشت خویش "بدنبال" داشت، دا سخن میدادند. البته تمامی این باورها با پیوندگرایش به سوی سوسیالیسم همراه بود، و در پرو و کوبا این "ولسکو" یعنی پارتيست بود که میبایست رسالت انجام این امر را بردوش کشد.

در آوریل سال ۱۹۷۰، زمانی که "کنفدراسیون عمومی کارگران پرو" - (CGTP) به تبعیت از "حزب کمونیست پرو" (PCP) - که نفوذی چشمگیر در رهبری "کنفدراسیون" داشت - بمنظور پشتیبانی از رژیم "ولسکو"، فراخوان برپا شد میتینگ را در لیما داد. ۱۶۰۰۰ کارگر معدن "سروپاسکو" همچنان در اعتصابی سخت و خونین بسر میبردند. جنبش کارگری پرودر طول سالهای بعد نیز بی توجه به اغوای خائنین به طبقه کارگر، در راستای دست یابی به حداقل - شرایط مطلوب زیست، بگسترش خویش ادامه میداد. و با شکست خونتای نظامی همچنان - سرکوب بود و گلوله بود و تیر عمید. در ماه مارس ۱۹۷۱ حکومت "ولسکو" به بازداشت رهبران "فدراسیون کارگران معادن پرو" فرمان داد. در سپتامبر همان سال رهبران آموزشگاران اعتصابی مدارس را به تبعید فرستاد و در ماه نوامبر نیروهای نظامی "ولسکو"ی خدا میبایست و مترقی! - آنچنان سبانه به قصابی معدنیان - اعتصابی معدن "کوبریزا" - که به سرمایه - داران آمریکا ای تعلق داشت - پرداختند که به سختی میتوان نمونه ای هسنگ بسا آن را در تاریخ میبایست از تاریخ طبقاتی کارگران

بخش چهارم این نوشته را به بررسی گسترده تر عملکردهای هفت ماهه رژیم بنا پارتيست "خوان ولسکو آل وارنو"، اختصاص دادیم. (بین سالهای ۱۹۷۵ - ۱۹۶۸). در همان بخش با ماهیت سیاست (ملی کردن شرکتها) بیگانه توسط رژیم که سوسیال رفرمیستهای پرو بر رهبری "حزب کمونیست پرو"، تقدیر برای انجام آن - سینه چاک میدادند، و آن را گواهی مسی دانستند برای داشتن سمت و سوی سوسیالیستی خونتای آشنا شدیم. در بخش چهارم و نیز بخش - های پیشین به اصلاحات ارضی نیز که - نظامیان بلافاصله پس از کودتا انجام میشد و آغاز کردند تا اشاره کردیم و گفتیم که بواقع اصلاحات ارضی موثرترین و کارثرین ضربه را به لیگاری سنتی پرو وارد ساخت و دگرگونی ای در لایه بندی طبقات جامعه پرو بویزه در سطح روستا، پدید آورد. انتقال ۵ میلیون هکتار از زمین های مالکان - بزرگ ارضی به ۲۰۰۰۰۰ خانواد روستایی در اراضی پرداخت ۴۰ میلیون دسول (۹۳۰ میلیون دلار در طول ۲۵ سال) و آوردن اصلاحات بود. در پایان بخش چهارم به بررسی عمل - کردهای رژیم در قبال جنبش کارگری پرو، پرداختیم. نمیتوان بدون چنین بررسی به شناخت ماهیت رژیم از این دست که داعیه های خدا میبایست میباشند گوش فلک را کر کرده بود، دست یافت. بخش پنجم نوشته را با ادامه این بررسی آغاز میکنیم.

در چهارم نوامبر ۱۹۶۸، یکماه پس از آنکه دولت "بلونده" با کودتای نظامیان سرکوب شد و خونتای بنا پارتيست قدرت را به دست گرفت، "حزب کمونیست پرو" - (PCP)، عدم پشتیبانی خویش را از دولت "ولسکو" اعلام کرد. دلیل این عدم پشتیبانی را، "حزب چنین آورد که هر چند خونتای شرکت بین المللی نفت را ملی خوانده و دولتها ای بلوک شرق را بر سمیت شناخته است، اما سیاست رژیم در قبال جنبش کارگری - دهقانان، توسل به فشار سرکوب بود و است پس آنهم به شکلی غریبان و سخت سبانه. بیوا قع هم چنین بود. تنها امروز - پیش از این تاریخ - یعنی در ۳۰ اکتبر بود که پلیس خونتای بدست مزدوران زمین داران بزرگ ۲۰۰ خانواد روستایی را در "کا جا مارکا" مورد حمله قرار داده، ۲۷ نفر را مجروح کرده و ۲۹ نفر را بکون نشانند. "حزب کمونیست پرو" در آن زمان هنوز از اینکه خونتای خدا میبایست و مترقی بخواند، سرپا زمیزد و از همین رکنفدراسیون عمومی کارگران پرو (CGTP) را که نفوذ "حزب در آن محسوس بود، و داشت - همچنان بر تنه ای ۵۰ درصد افزایش دست - مزدها برای تمامی کارگران پرویی پای بفرستد. در این زمان اعتصابهای پراکنده کارگران صنایع سنگین، معدنیان، ما هیکیران و کارمندان بانکها، اینجا و آنجا همچنان بچشم میخورد.

در ماه دسامبر ۱۹۶۸، خونتای بنا پارتيست از نخستین حمایت یک کشور خارجی برای پیشبرد سیاستها به ما پیش بهره مند شد. این - حمایت از سوی دولت لهستان بود و خبر از افزایش کمکهای اقتصادی میداد. بلافاصله پس از اعلام این خبر، دول اروپای غربی نیز موافقت کردند تا وامها را برای - پرداخت به هیهای خارجی در اختیار دولت پرو قرار دهند. پس از آن "موسسه سن جنوب پرو" که متعلق به سرمایه داران آمریکا ای بود، امر از تأمین کرد تا سرمایه گذاری ۳۲۵ میلیون دلاری خود، به طرح خیزه گردن می "گوا جدان" توسعه دهد.



گزارشی از مناطق جنگ زده و بررسی روحیات توده‌ها

بیش از یکسال از شروع جنگ ارتجاعی بین دول ضدانقلابی جمهوری اسلامی و حکومت بعثی عراق میگذرد. جنگی که کمترین شمره اش برای صاحبان سرمایه سود مضاعف و برای کارگران و زحمتکشان قدر و برتری ری، خانه باسی، سرگردانی و در بندگی بوده است. گذشته از یکسال از آغاز جنگ، برخورد عینی توده‌های مردم با جنگ و نتایج نیکبختی ریش، خود را مثل همی برای گسب شناخت توده‌ها از ماهیت جنگ بوده است. در این مدت روحیات توده‌ها نسبت به جنگ کاملاً تغییر یافته است. دیگر از آن شور و شوق که بر اثر عدم شناخت توده‌ها نسبت به ماهیت جنگ و تبلیغات مسموم رژیم، اکثریت حزب توده، در مردم وجود داشت خبری نیست. بررسی روحیات توده‌ها از آبان ۵۹ تا آبان ۶۰ بسیار آموزنده است. این مسئله از جهت اهمیت دارنده اگرمانی رژیم سوسیالیست میگردید استفاده از مسئله جنگی، اقدامات ضد خلقی خود را توجیه کند، کارگران را به کار بیشتر وادارد، انقلابیون را بنام ستون پنجم عدا م کند، تا بسامانها و بیبرانهای اقتصادی را بیگانه از بیستیم سرمایه‌داری و استهلاک به جنگ به اصطلاح تحمیلی منتسب کند. این گذشت یکسال و درس گیری توده‌ها از مسائل روزمره به آنها آموخته است که آنها در این جنگ هیچگونه نقشی ندارند و صرفاً "بسه عنوان" گوشه دم توپ بورژوازی "قابل اهمیتند. آنها آموخته اند که نتایج جنگ هر چه باشد، در پی از دردهای آنها را درمان نخواهد کرد. اما اینکه چرا ما برای بررسی روحیات مردم، فاصله زمانی آبان ۵۹ تا آبان ۶۰ را در نظر گرفته ایم، بدین است که در آبان ۵۹، شرایط کاملاً برای تبلیغات رژیم و سوسیال‌خائنین اکثریت و حزب توده برای فریب مردم نسبت به ماهیت جنگ فریاد بود. قسمت شرقی خرمشهر که در حقیقت قسمت اعظم شهر را دربر میگرفت بتمرف نیروهای عراق درآمد به بود. آبادان در محاصره بود و حتی ارتش عراق تا نزدیکیهای اهواز و دزفول رسیده بود. در نتیجه‌های غرب نیز ارتش عراق پیش رفته و قسمت‌هایی از مناطق مسکونی را به تصرف خود درآورده بود. اینها دست بدست هم دادند تا رژیم مرتضی اعلام کند که "حکومت جمهوری اسلامی در خطر است و رژیم عراق در حقیقت نقشه‌های امپریالیسم جهانی را علیه حکومت انقلابی جمهوری اسلامی پیاده می‌کند. و نهایی "اسلام در خطر است" از طرف دیگر سوسیال‌خونست‌ها، این خائنین به طیفه کارگرو زحمتکشان، هم‌اوار با رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی عزمان میگردند. کارش متجا و عراق سرزمین انقلابی ما را تصرف کرده است. باید متحد بشویم و تاج و تاج رژیم بعث عراق را درهم بکوبیم. برای حمایت از میهن انقلابی زیر رهبری امام خمینی متحد شویم... پیروزیهای ارتش عراق و بسپارانهای مناطق مسکونی، شرایط مناسبی برای تبلیغات رژیم ضد انقلابی و توکران بی مزد و مواجبش (حزب توده و اکثریت) فراهم آورده بود. این تبلیغات بر عدم آگاهی توده‌ها نسبت به ماهیت جنگ صورت میگرفت. تا آبان ۶۰ جنگ آفت و خیزها شسی را پشت سر گذاشته است. اما در این مساه

دا منتهای جنگ گسترش یافت، عراق به بسپارانهای هوایی پرداخت و با تسویب و موشک مناطق مسکونی (اهواز - دزفول آبادان و...) را زیر ضربات خود گرفت ولی در آبان ۶۰ برخلاف آبان ۵۹، شرایط از یکسویه "علیه رژیم و کلیه اپورتونیستها عمل میکنند. احساسات شونیستی توده‌ها فروکش کرده است. نتایج نیکبختی (گرانی، آوارگی، افزایش سرمایه و اوقیعت‌ها، سرکوبی و فاشیستی رژیم با استفاده از شرایط جنگی.....) هر چه بیشتر مردم را به ماهیت ارتجاعی و ضد انقلابی جنگ آشنا ساخته است. این دیگر جملات (میهن انقلابی در خطر است زیر رهبری امام خمینی متحد شویم - متحد شویم و تاج و تاج رژیم بعث عراق را درهم شکنیم) در مدتی توده‌پردی ندارد. اگر زمانی مردم تحت تاثیر افکار شونیستی (که منتج از جوی بود که بر شروع جنگ تبلیغات رژیم و اپورتونیستها وضعیف نیروهای انقلابی) تا بسامانهای خود را ناشی از جنگ به اصطلاح تاج و تاج کارانه عراق میدیدند و به پایان جنگ به منتهای زحل مشکلات خود نگاه میکردند امروز دیگر کمتر کسی را میتوان دید که با چنین نگرشی به مسئله نگاه کند. این که اگر جنگ تمام شود با وجود این حکومت کوچکترین مشکلی از کوفه مشکلات مردم حل نخواهد شد، نه حرف بکنند، بلکه زمزمه‌های است که در بین توده‌ها وجود دارد. نتایج و نمودهای جنگ که بخوبی ماهیت ارتجاعی آنرا بیان میکند، آنچنان جوی در بین مردم فراموش آورده که هیچ گونه زمینه‌ای برای تبلیغات بورژوازی و توکران بی مزد فرا هم نیست. برای روشن شدن مطلب به نمونه‌هایی از برخورد های مردم اشاره می‌کنیم. در تاریخ ۵/۵ آبان ۶۰ موشک سه متری بطرف دزفول پرتاب شد. که ۸۵ کشته و حدود ۲۴ زخمی بجای گذاشت. مردم فوراً در محل آمابت موشکها جمع شدند، چند موتور سوار از کنار جمعیت رد شدند در حالی که فریاد میزدند: "تا نابودی خمینی، مهدی‌نیا، پیرمردی بعد از مقداری بیگفتن از احاطت، بی‌ارزشی را مورد حمله قرار داد. با سداران از مردم می‌خواستند که متفرق شوند و میگفتند: "احتیاجی به کمک نیست" یا سدار می‌گفت "بروید، تا کمی زاده‌های می‌گذارد شروع به فحش دادن می‌کنند. بروید جاسد را خودمان بیرون می‌آوریم" در این موقع یکی از میان جمعیت شوتکی (شیکتی) زد. با سدار با خشم گفت "اگه مردی خودتون شوتیده یکی از میان جمعیت گفت: "اگه ارشادش کنی؟! در همین روز اهواز نیز به موشک بسته شد. یکی از موشکها در نزدیکی میهن رستان کوروش آمابت کرد. مردم جمع شدند. یکی از میان جمعیت فریاد زد: "سرگ بر مردم مزید... مژدی بمیان حرفش دوید و گفت: اول بگورم بر خمینی، اگر در آبان سال گذشته مردم تحت تاثیر هیجانهای شونیستی به تبلیغات رژیم و سوسیال‌خائنین گوش فرامیدادند، امروز دیگر کسی گوش به حرفهای آنها ندهد که نیست. در آبان ۶۰ افکار مردم نسبت به جنگ و حکومت ۱۸ درجه با افکار آنها در آبان ۵۹ تفاوت دارد. امروزه ما بهیت جنگ حتی برای عقب مانده ترین مردم روشن شده است. ماهیت ضد انقلابی حکومت برکسی پوشیده نیست، سرکوب و خفقان و گشتا رهای رژیم را همه با گوشت

و پوست خود لمس می‌کنند، مردم بین حکومت را برآورنده، نیا زها و تحققرخواستها و آرزوهای خود نمی‌دانند پس: کارگران و زحمتکشان با مبارزات انقلابی خود را علیه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی هر چه بیشتر از زمان دهید. در مقابل ارگانهای سر تا پا مسلح رژیم، مسلح شوید و خود را برای رزم بزرگ و دوران ساز خود، آماده کنید. سرکونی حکومت فقط با تشکل، تسلیح و اراده، شما صورت میگیرد. خود را برای سرکونی رژیم جانی تکیا رجمهوری اسلامی و خمینی فریبکار آماده کنید.

زنده باد...

بقیه از صفحه ۷

از توده‌ها، بیشتر و بیشتر میشود. نظ میان برای برخورداری از پامانهای زمان یافته، تنها به برپایی "نظام ملی" برای حمایت از بسیجی‌ها (SINAMOS) بسنده نکردند. مکتب بسیج، دو کفند راسین کارگری و دهقانی بودند تا ماهی "کنفدراسیون کارگران انقلاب پرو (CTRP)" و "کنفدراسیون ملی دهقانان (CAN)". نخستین کنفدراسیون، یعنی کنفدراسیون کارگری، تنها تواجیت کارگران سازمان نیافته کارگاههای کوچک را دربرگیرد. عنا صردهقانی متشکل در کنفدراسیون ملی دهقانان (CAN) نیز عمدتاً "دهقانان متوسط و ولایه‌های آزرستان بودند که بیشترین بهره‌را از انجام اصلاحات ارضی رژیم برده بودند. از دیدگاه هومتا، کنفدراسیون عمومی کارگران پرو (CGTP)، همچنان غیر سر قاتونی بود. جدا از رهبری کنفدراسیون که در سال ۱۹۷۰ به پیششیا نی نظ میان سر خاست، بیشتران جنبش کارگری پرو که خود را وارث بحق سن انقلابی این کنفدراسیون میدانستند، با داشتن سازماندهی مخفی، همچنان در چهار رچوب کنفدراسیون عمومی کارگران پرو (CGTP)، به مبارزه ادامه میدادند و هنگامی که خوتا، "کنفدراسیون کارگران انقلاب پرو (CTRP)" را برپا کرد اینان تصمیم به کار در درون این کنفدراسیون با حفظ سازماندهی مخفی خود گرفتند. بهمین نحو، چهار رچوب کنفدراسیون ملی دهقانان (CNA)، بستری برای سازماندهی و مبارزه دهقانان توسط پیشروان جنبش دهقانی پرو شد. سازماندهی مستقل جنبش دهقانی در چهار رچوب این کنفدراسیون با هدف بهره‌گیری از تشادهای موجود در نحوه اجرا و همبستگی آمدهای اصلاحات ارضی، آغاز شد، بطوریکه پس از اعلام خاتمه برنامهای اصلاحات ارضی توسط رژیم، دهقانان شهیدت متشکل در این کنفدراسیون توانستند هم مورد اشغال انقلابی زمینهای مالکان بزرگ را که توانسته بودند با استفاده از سرمایه‌ها و لواجهای لاقی، از مشمولیت اصلاحات بگریزند، با انجام رسانند. با پایان عمس دولت بنا برتجست "ولسکو" در سال ۱۹۷۵، کنفدراسیون ملی دهقانان (CNA)، روشنی به چپ گرایش داشت.

ارزانی ذهنیات...

بقیه از صفحه ۸
 خانه گردی، خیابان گردی، اعمال -
 جاسوسی عربیان و بی پروا، در اوج -
 شرایطی که رژیم تمام می توان خود را -
 جهت برقراری رعب و وحشت، جهت به
 نمایش نهادن قدرتی که ذاب و توحالی
 بکار گرفته بودیخت وزیر و منجس
 شد و در چنین شرایطی که انفجار مکنسی
 چون نخست وزیر، کشته شدن افرادی
 چون رجا شی و با هنر و دیگر مهره های
 طراز اول رژیم، آنهم در درون جلسه ای
 برای بررسی مسائل امنیتی کشوری
 بزرگترین ضربه را به رژیم وارد آورد و
 ضعف آنرا به عربیان ترین شکل در اذهان
 توده ها به نمایش نهاد. در عین حال این
 انفجار در شرایطی صورت می گیرد که توده
 ها دو ماه تجربه، پریا - از تیرتسا
 ۸ شهریور - رابست سردا رند و بتدریج
 خوش باورینا و انتظارات کا ذب خویش
 را در کوران حوادث و وقایع به کنساری
 می نهند.

با رزترین واکنش توده ها خوشحالی
 آنان از ضربه ای بود که بردشمن طبقاتی
 - شان وارد آمده بود. هر چند این -
 خوشحالی در مقایسه با ۷ تیر چشمگیر
 نبود اما برخورد توده ها در این وجه بسیار
 متمیز یافته تریود. توده های بسیاری
 اینبار بدردستی از تاشیر این ضربه
 در تضعیف رژیم تاشدی میگردند و با لذت
 خاصی از قیافه وحشت زده رفسنجانی و
 نبوی صحبت میگردند حال آنکه در ۷ تیر
 آنچه در شادی مردم بیشترین نقش را
 داشت رویای بود که در آن سرنگونی
 بی درد سر رژیم نقش بسته بود. با بسند
 متذکرند که چنین دیدی هنوز نیز در مردم
 وجود دارد. در اقصا ربالائی و مرفقه
 جا معده دسرنگونی بوسیله ترور و غلب
 است در صورتیکه در اقصا رزمکنش و -
 با لایحی کارگران این گرایش سرعت
 روبه ضعف میروند. خانم کارمندی بسا
 خوشحالی میگفت "قیافه رفسنجانی در
 تلویزیون تماشا می بود از ترس داشت
 قبضه روح میشد" کارگر جوانی میگفت:
 "اینها که نمی توانند یک اتاق را اداره
 کنند و اینش را حفظ کنند چطور میتوانند
 مملکت را اداره کنند" پیر مرد زحمتکشی
 در حال تماشا ی تضحیح جنازه با هنر و
 رجا شی میگفت "خوب روزی می بینمشون،
 حقشون بود" کارگر صنعتی سنی میگفت
 "معلومه اعدام کردن یک مکت جوان بسی
 دفاع و دست بسته کاری ندارد. اینها
 از ما به خودشان هم میترسند، دیشب قیافه
 رفسنجانی از ترس آدم را با دوشی -
 می انداخت زن ۴۵ ساله زحمتکشی میگفت
 "فدای سرم که کشته میشوند، به جهنم که
 کشته میشوند، اینهمه جوان را کشتند بذار
 جزایشان را ببینند، اینها نفسی آخر
 را می کشند، پدرشان در آمده است" مکانیک
 ۴۰ ساله ای در تاشکی میگفت "مید و ار
 بودم که زود سرنگون شوند خالاکه میخواهند
 ما ندگار یا شده همان بهتر که مثل موش
 و گربه خودشان به جان خودشان افتاده اند"
 بریا ۲۲ ساله ای میگفت "اینها برسرسر
 کسب قدرت دعوا می کنند، با این کشتارها
 هیبت کا که از غربال ردمیشود با سقوط
 می کنند و با دست به املاحت میزند" خانم
 خانه دار رفیق می گفت "از روزی که اینها
 سرکار آمده اند بجز بدبختی چیزی برای -
 این ملت نداشتند اند همان بهتر که آنها
 را میکشند" پسر جوان خرده بورژوازی مرضی
 نیز گفته است "این ترورهای خیلی خوب -
 است حشاشان است با پیروزی ۱۰۰ تا
 ترور کرد، با بدشمال اینها را سردا داشت اگر

خودم ایلچه دا شتم روزی ۱۰۰ تا یک جا
 می کشتم" و خانم ۴۵ ساله مرفهی نیز -
 میگوید: "والله من نمیدانم چه میشود آیا
 با این ترورها دولت سرنگون میشود یا نه"
 اکثریتی قریب به اتفاق توده ها عامل
 یا عاملین انفجار را خود همزیبها میدانند
 و به قدرت به مها همدین و یا دیگر نیروهای
 انقلابی استناد میکنند. و این در حالی
 است که در ۲ تیر علیرغم مکتو مجا همدین
 غالباً "انفجار دفتر حزب را به آنها نسبت
 میدادند. در این شکل از تفاوت دلایل
 اصلی مردم "حفاظت شدید از نخست وزیر"
 و "قدرت طلسمی مزدوران رژیم" است.
 تازی که در سر خود توده ها به این دو واقعه
 وجود دارد دشمناندهنده، عمق یابی تجارب
 آنان و همچنین اباحا داشته شهریور -
 است. مردم در طی این مدت شناختی غیبی
 - تر و ملموس تر از انقلابیون یافته اند.
 مردم در بیا فته اند که انقلابیونی که هر روز
 بدست دزخیمان اعدا میشوند، همان
 همکلاسی، همکار و همحلی آنهاست. مردم
 در بیا فته اند که مجا همدونانی همان جوان
 ۱۲ ساله، همان دختر همسایه، همان کارگر
 کا رخانه، همان روستا زاده، همان پسر
 بقال سرکوجه، همان زن حامله و مهربانی
 است که در کنار آنان زندگی میکند. بسی
 تدریج - و بر اثر تجارب عملی - انقلابیون
 افسانه ای ۷ تیر ما به برای توده ها به
 مبارزینی زمینی و ملموس بدل میشوند
 و از این روتوده ها واقعه ای با چنین
 ابتدای را - که در نظر آنان به قدرتی
 زیاد دنیا زمندا است - نه تنها در توان خود
 بلکه در توان انقلابیون نیز نمایا بنند.
 و آنرا به تضا دبا لاشها نسبت میدهند چرا که
 در تجارب خود اینها نیز در بیا فته اند که
 مزدوران رژیم برای بدست آوردن قدرت
 افزون تر از خونریزی و کشتار یکدیگر
 ابائی ندارند.

خانم جوان خرده بورژوازی متوسط
 میگفت "گرم ز خود درخت است شما کسه
 میدا نید منظره نخست وزیر ی چقدر کنترول
 میشود، هر کس از آنجا رد میشد مثل این
 بود که از مرز میگذشت روزهای ملاقات
 بیما رستان در بار سابق و انقلاب فعلی
 باید کارت عبور میدادی، با ورکنید که کار
 خودشان است" یک کارگر ۲۵ ساله میگفت
 "کار، کار رفسنجانی است و گرنه کسی قدرت
 این کار را نداشت" راننده تاکسی ۴۰ ساله
 بعد از خیرا انفجار میگفت "با لآخره رفسنجانی
 میخ خودش را کوبید، کار خودشان است"
 خانم ۴۰ ساله غیاط میگفت "اینکار رکار
 گروهی سیاسی نیست" پسر جوان میوه
 فروش میگفت "با با این بمب گذاری خیلی
 تمیز بود، کار ما همدین که نیست چون
 آنها تا خه نظر میشان اینقدر قوی نیست"
 پیر مرد ۵۰ ساله میگفت -
 همدیگر را میکشند" سوخت میگذارد و تقصیر
 بچه های مردم "چرخکار یک کارگساره
 خیاطی که همیشه ساکت بود با شنیدن خبر
 از رادیو فریاد زد "گری ها دارند همدیگر
 را میکشند" سوخت میگذارد و تقصیر جوانهای
 مردم "دختر کارگری میگفت "فقط خودشون
 میتوانستند بمب بر دست و نخست وزیر
 خانم خانه دار ۳۰ ساله ای میگفت "هر کس
 کشته عجیب قدرتی داشته تا حالا تودنیسا
 سا بقمه نداشت رئیس جمهوری و نخست
 وزیر و چند نفر کردن کلفت دیگر با همدیگر
 دودشوند بیروندها"
 علیرغم غشادی توده ها - که عمدتاً -
 دیده میشد - مردم در مورد رجا شی با ترجم
 و دلسوزی صحبت میگردند و مرگ او را -
 بیجا دیده میدا نستند. "این سؤال ابوابی
 اکثر مردم موجود است که "چرا رجا شی؟"
 در مجموع میتوان گفت ترور رجا شی
 با روحیات توده ها انطباق نداشت و

رجا شی دهنزد توده ها بیش از آنکه عنصری
 منفور یا شدمصورت یک مهره، بی دست
 و پا و بی اراده شناخته شده بود. حاکمیت
 نیز بر همین ذهنیت توده ها انگشت نهاد
 و با تبلیغ گسترده حول زندگی او و بر -
 جسته کردن ترور رجا شی - نسبت به با هنر -
 توانست مدت کوتاهی برخی مخالفین
 خود را به دلسوزی برای رجا شی وادارد.
 کارگر ۵۵ ساله میگفت "در مورد رجا شی
 دلگیری برای اوسخت درسته که رجا شی بسا
 دیگران فرقی نداشتند و دولتی آنها به زور
 به رجا شی گفتند رئیس جمهور بشود، او
 هم قبول کرد و آخرش کشته شد" مرد روستایی
 ۲۲ ساله ای میگفت "بیچاره رجا شی
 مرد خوبی بود چرا او را کشتند و کار ری
 نکرد بود. نمی دانم تا بدین هم اشتیاء
 می کنم" خانم جوان نسبتاً "آگا هی در شمال
 میگفت "افرادی مثل بهشتی که منفور
 مردم بودند بیا بد میگردند و خیلی خوشحال
 شدم ولی از کشتن رجا شی ناراحت شدم
 آخه کسی از اول دخوری نداشت " کارگر
 ۶۰ ساله ای میگفت "از کشتن آنها -
 خوشحال شدم، سودی بحال این ملت
 نداشتند، در مورد بهشتی خیلی خوشحال
 شدم ولی رجا شی آدم بدبختی است" دختر
 خرده بورژوازی متوسط میگفت "دلهم
 برای رجا شی سوخت آدم بدبختی بود از
 جمالی به اینجا رسید اما وقتی به بیا د
 بچه ها شی میا فتم که بیگناه و گروه گروه
 اعدا م میشوند متوجه میشوم که به هیچیک
 از این آدمهای رژیم نباید سوختی رجم کرد"
 مکانیک ۲۸-۲۷ ساله ای میگفت "اول
 خیلی خوشحال شدم ولی وقتی زندگی
 رجا شی را توتلویزیون دیدم دلدم سوخت.
 آدم بیچاره ای بود. یک مهره بود، -
 رفسنجانی او را تودشش میچرخاند" پسر
 محلی میگفت "هر چند فیلمی که تلویزیون
 نشان داده اش دورغ بود اما اصلاً -
 رجا شی آدم نبود که بکشندش"
 اگر در مقاطع تیر و مردا در سخنبان
 مردم حالت انتظارا ز عملی شدن توحالی
 بدون شرکت خودشان حاکم بود درواکنش
 - های مردم نسبت به انفجار نخست وزیر
 تا هدیر خود رجا شی هستیم که به حضور
 مردم در تیر و تحولات جا معه نقش اساسی
 میدهد. این برخورد ها با لایحی در کارگران
 با رزاست. این تفکر مثبت که بتدریج
 نیز در حال رشد است عمدتاً "برسا بقسه
 ذهنی توده ها از نقش خود در قیام استوار
 است. در همین رابطه نیز تا کیه توده ها
 بر تاجاری همچون راهپیمائی های
 همگانی و وحدت عمومی دوران قیام
 استوار است و برخوردی نسبت به حرکت
 سا زمان یافته و متشکل و طبقاتی بسیار
 محدود است. از اینرو بیا بد به تعمیق و
 گسترش این ذهنیت توده ها دست زد. -
 توجه آنان را به شکل های طبقه ای،
 مبارزات اجتماعی کارگران و مبارزات
 مسلحانه و قهرآمیز مقطع قیام نیز معطوف
 داشت و از این طریق به تبلیغ نقش قدرت
 و قهر توده ای در سرنگونی انقلابی رژیم
 پرداخت.

ارزیابی ذهنیات

بقیه از صفحه ۹

رفتن در حرکتی میگفت "شاید دوباره - کارگرها واداره‌چی‌ها بلند شوند مگر آنها کاری بکنند لاما چون با هم نیستیم اگر حرفی بزنیم می‌کشند ما را زحمتکشی میگفت "ما باید متحد شویم و این اما مزاده را که خودمان آوردیم خودمان هم نماندیم" "کما رگوزن جوانی میگفت "چرا ما - نیایدتوی این نظرات شرکت کنیم چرا باید فقط جوانهای ما جلو باشند و کشته شوند، آنها دارند برای ما کار میکنند چرا ما نیاید ز خود حرکتی نشان دهیم، من میخواهم فردا عکس طاقانی را توی - اتا قمان بجایانم، بدیختی ما این است که چشم امید به این و اون بسته ایم" مردم خوشبختی که دلبخند خود را به سرگونی فوری رژیم توسط تروریست‌های از دست میدهند اما هنوز این گرایش بشکل تاکید بر تروریسم یعنی بعنوان آخرین و مهمترین مهر رژیم وجود دارد. این شکل از تروریسم بیشتر در افشار مرفه دیده میشود. یک خانم خانه دار جوان میگفت "کی میشود که - خمینی را بکشند تا ما از دست این گرانی راحت بشویم" یک سرهنگ پیر بازنشسته میگفت "اگر ریشه را بزنی درخت خشک میشود اما لایب خمینی است" رئیس - حسابداری یک شرکت بزرگ میگفت "این گروه‌ها چرا خمینی را ترور نمی‌کنند با ترور خمینی کار تمام است" "یک مهندس مسکن میگفت "این ترورها فایده ندارد هر کس را ترور کنند یکی دیگر جای او را می‌گیرد، باید هر شران را کشت" "بهر رو چون این گرایش هنوز در توده‌ها باقیست هر چند سختت صعب شده با وجود آن تبلیغاتی گسترده را سازمان داد، باید تاجر بودها را ستمی و ارتقاء داد، باید این تجربه مهم را با رها و با رها برای توده‌ها بازگو کرد که سرگونی شاه با وجود آنکه توسط قدرت خلق انجام گرفت از آنجا که با دگرگونی اساسی سیستم موجود همراه نبود مشکل مردم را حل نکرد، باید توده‌ها گفت که تنها تغییر از بنیاد دوتنها قبضه قدرت توسط آنهاست که فایده بر آوردن خواسته‌هاشان است. البته باید به این مسئله توجه کرد که بخش قابل توجهی از توده‌ها نیز از روی انتقام جوئی و کینه طبقاتی خواهان ترور و مرگ خمینی اند. کین طبقاتی که روز به روز روبرو رشد دارد.

باغبان مستی میگفت "خمینی میبایست بمیرد چون کسانی که دنبال حکومت هستند بغا طرا عمدا دیده و حکومت را قبول دارند" یک قهوه‌چی میگفت "فاشیت بی چسبی میگویند به همینکه عقاید ما مخالف خود را خفه کند. همه اش زیر سر خمینی است و روی هیئت را سفید کرده است کاش میمرد زن - زحمتکشی میگفت "ا میدارم تلافی این جوانها را خمینی پس بدهد، فرعون هم مثل این بود ما آخرش به زمین خورد" معلم میانسانی میگفت "خدا نکند خمینی بمیرد او باید زنده بماند تا روزیکه مردم - در خیا با آنها بگویند مرگ بر خمینی تا مثل شاه از غم و ترس در برنده و بعد هم بمیرد. همینطوری که فایده ندارد" "کارگر پیری میگفت "خمینی یک خاشاک است دستهایش به خون این مردم به بخت آلوده است و..." و رفیقی در جمع بندی گزارشات رسالتی از رودرس میگوید "زحمتکش ترین اقشار، آزادی مرگ خمینی را دارند، به نظر من میباید که مرگ بر خمینی را از مردم میگیرند. اکنون مردم همه چیز را از چشم خمینی می‌بینند و شکی هم در این مورد - ندارند

از سوی دیگر باید مقایسه‌ای نیز بین عکس العمل مردم نسبت به واقعه ۸ شهریور و حمله به کمیته‌ها، با سادار و زحمت - الهی‌ها به عمل آورد. دیدیم که مردم در وجه غالب آنجا را به ما هدین نسبت نمی‌دادند اما در هر اجتماع یا در هر رابطه - ای که صحبت از ترور حزب الهی‌ها - یا حمله به کمیته شده است بلافاصله گفته اند "کار، کار ما هدین است" "ترور مردم - هنوز خط و مرز مشخصی بین تروریست‌های انقلابی و تروریست‌های (چون ترور حزب الهی‌ها و پاسداران دون پایه و غیرمتفکر) قابل نیستند اما همین شکل برخورد خوبی نشان میدهد که چگونه توده‌ها به سادار و طرفیت مبارزاتی خود از پیشروانتظار دارند و اعمال تروریست‌ها می‌پذیرند. باید به این گرایش مثبت در توده‌ها بهای کافی را داد و برپا به آن با انتخاب سوژه‌های درست و شکل دادن تبلیغاتی صحیح به سیسج و تشکل آنان و همچنین زودن انحرافات چون - گرایشات آنها رژیم دست زد.

۲- همراه، سیاستهای رژیم در رابطه با مدارس

گزارشاتی که در همراه از مدارس - ارسال شده است از سوختی حاکی از اختناق شدید، عدم دستگیری، اخراج، یا زرسی بدنی تفتیشی عقاید و اعمال فحشا و سرکوبی بسیار شدید است، و از سوی دیگر اشکال متفاوتی از مقاومت و مبارزه - دانش آموزان را علیه اختناق و سرکوب نشان میدهد. آنچه در کل کاملاً با رزاست این است که جنبش دانش آموزی نیز به تبع جنبش توده‌ای نسبت به سال قبیل دچار افتی موقت شده است که با رزترین نمودار این مسئله را میتوان در اشکال - منظم مبارزه و مقاومت یافته اما هر آنچه از اشکال و اشکال تحصیلی میگذرد در حقیقت اعتراضی دانش آموزان و همگین - مبارزات و مقاومت آنان نمود بیشتری می‌یابد و بر خوردهای فعال رزوبه رشد دارد. در این مورد ما نمونه‌های متعددی را در نشریه کار می‌توانیم مشاهده کنیم. و مسل کردن سوزن به لباس برای آزادی حزب - الهی‌ها بی‌کسب ن آنها را میگرداند. غرور و منفرد کردن دسته جمعی جا سوسها و انمن اسلامی چی‌ها، خواندن سرودهای انقلابی در مراسم جمعها، هوکس کردن متعلمین امور تربیتی، تحلیل از - همزمان انقلابی، شهدا و زندانیان سیاسی به شیوه‌های مختلف که چندین بار به نظرات نیز انجام میدهند است مواردی هستند که بصورت پراکنده در مدارس - جریان داشته اند.

در گزارش آمده است "موج اعتراضات دانش آموزان به اشکال مختلف آغاز شده است، مدرسه ۱۷ شهریور منطقه ۱۳ - دانش آموزان ما اعتراض به سیلیکاتی مدیر جوان مدرسه خواهان برکناری وی شده اند، در مدرسه "شهید عراقی" دانش - آموزان مرتب پوستهای حزی را پاره می‌کنند و سرف بندرت شعار میدهند و با سرود میخوانند و سر نما ز سرخه بساز می‌زنند، در مدرسه کسان بمران منطقه ۱۴ نیروی هوایی دانش آموزان برخلاف فشار و امرار رئیس دبیرستان در نماز شرکت نمی‌کنند" "با رزترین پروژر حقیقت اعتراضی دانش آموزان در راهیپاشی فرما بشی اول مهر اشکاس یافتگی با وجود تهدیدهای مختلف و فحشا و سرکوب رژیم بشکل - تحریمی منظم - و حتی در مواردی تحریم فعال - با راهیپاشی رژیم برخورد شد، دانش آموزان دبیرستانها و به خصوص پسران در این راهیپاشی با املا "شوکت

نکردند با بسیا را نگشت شما نبودند در - گزارش آمده است "چیزی که بیش از همه مشهود بود شرکت نکردن پسران ۱۸، ۱۶ ساله و دبیران مرد در این نظرات بود" و در همین گزارش در مورد وضعیت شهر در ساعات راهیپاشی آمده است "بیشتر پسرهای ۱۶-۱۸ ساله در حال با زنگت به خانه بودند (ساعت ۹ صبح) خط های اتوبوس از دانش آموزان پر بود گوی می همه رفته بودند مدرسه سرگ کشیده بودند و حلاله خانه - بر میگشتند" رفیق دیگری در گزارش از راهیپاشی گروهی که از آزادی به طرف دانشگاه میرفتند میگوید "حدود ۸۰ دختر - ها بودند از کل جمعیت ۷۰٪ از مدارس ابتدائی حدود ۲۰٪ را همما می فقط ۱۰٪ از دبیرستانها آمده بودند. شعارها خیلی کم تکرار میشد. بچه‌ها اکثرا سعی میکردند فرار کنند. در طول خیا با آنها طرف - دانشگاه پراز محصلینی بود که از راهیپاشی فرار کرده بودند" بطور کلی دانش آموزان بویژه در مقابل خود مدعیان تیک و اختناق حاکم روحیه اعتراضی شدیدی دارند. از این رو زمینه‌ساز رسا عادی جهت تشکیل و تقویت کمیته‌های مخفی و مقاومت در مقابل اختناق و سرکوب وجود دارد که میتوان نطفه آنرا با تشکل دانش آموزان انقلابی و دمکرات تشکیل داد به سرعت دانش آموزان معترض را از طریق سازمان داد. این کمیته‌ها با به در جهت عمومیت بخشیدن به شیوه‌های مبارزاتی فعال و جمعی دانش آموزان و ارتقاء اشکال مبارزاتی آنان حرکت کنند. تاکنون فعال ترین وسیعترین اعتراضات در رابطه با عدم دانش آموزان انقلابی شکل گرفته است از این رو میتوان یکی از عمده ترین وظایف کمیته را سمت و سودا دن به این اعتراضات و سازماندهی آن در جهت تحقق شعار "آزادی زندانی سیاسی" قرار داد. در گزارشات مدارس - گزارشاتی نیز از رویه معلمین داریم که در مجموع نشان میدهند توان مبارزاتی آنها نسبت به وضعیت کنونی دانش آموزان شدیداً "پاشین تراست، و یکی از اصلی ترین دلایل این مسئله را ترس از اخراج تشکیل میدهد. از این رو دانش آموزان - پیتر و میتوانند در عین سعی در رابطه با تمامی گیری با معلمین مبارز با سر انگیزش توده‌های دانش آموز و شکل دادن اعتراض به اخراج معلمین در شکستن این جو ترس و با لابردن روحیه مبارزاتی معلمین موثر باشد. در گزارش از بعضی دمکراتیک آمده است "هیچ یک از معلمین جرات اعتراض علنی و یا حتی انتقاد و پیشنهاد را ندارند. در مورد اینکه شدیداً معترض هستند دولتی در جمع غیر از مضامین بخشنا ما عکس العمل دیگری انجام نمی‌دهند. ترس از اخراج آنچنان شدید است که آنها را حاضر به قبول شدیدترین فشارها کرده است... پشت سر هم بخشنا مده در - مورد افزایش ساعات کار کم کردن روزهای تعطیل، تهدید معلمین به اخراج در صورت زایمان در بین سال تحصیلی و یا مریض شدن... مسوارد متعددی از این فشارها هستند. وقتسی معلمی کمی زرمه اعتراض بلند میشود معلمهای دیگر بلافاصله میگویند مواظب خود باش

۲- تاکتیکهای مجاهدین:

بعدا از آنجا رنخت وزیر دو مین واقعه‌ای که از نظرتا شهر بردهنیسات توده‌ها نقش بارزی داشته است حرکات جدید مجاهدین و یکا رگیری تاکتیکهای راهیپاشی موفقی بوده است. گزارشات توده‌های نشان میدهد که این تاکتیکها

ارزایی ذهنیات

بقیه از صفحه ۱۰

تا آنجا که در حدتظارا هرات موضعی صورت گرفت و نه تظارا هرات مسلحانه میلیشیا صرفنظارا زلفها و اشتباها تشار در کتل اثرات مشتتی در ذهنیت حاکم بر جنبش نهادهاست و نقش خود را در فعال کردن روحیه اعتراضی تودهها تا حدودی ایفا نموده است. بطوریکه در او خورشهریور و اوایل مهر اکثر اعتراضات سیاسی بصحبت راجع به همین راهبیمائیها شروع شده است. این جمله در هر محل تجمع بسیا رشیده میشد که "لاستیک هارا آتش زدند، تیراندازی شد، خیابانها راه بندون است، درست مثل روزهای قیام" در موارد بسیا ر زیاد دی مردم در حین راهبیمائی انقلابیون، علیرغم تیراندازی های شدید با آران و تهدیدات آنان پراکنده نمی شدند و یا تنها عقب رفته مجددا "سرعت اجتماع میکردند.

راننده تا کسی میگفت "آخ خانم من نمیدونم اینجایی هستن آخ زین اینها که برنمی یند، اینها فقط ۶۰ هزارتا - مسلح دارنند" خانم خانه را رهنمی با جادی کهته در اتوبوس میگفت "نمی دانید چه خبر بودش؟ رمیدادند! سال سال خونه خمینی سرنگونه، همه شون جوان بودند" موارد متعددیگری نیز از انتقال شمارها و اخبار راهبیمائی در مجامع عمومی گزارش شده است. رفیق مینویس "وارد خیابان صدق قدیم، ناگهان گروهی جا درسیا وارد دیدم که می گفتند، استقلال آزادی، مرگ بر خمینی و با گفتن آخرین عبارت شیشه های کوکتل مولوتف را بر زمین میزدند در همین حال تمام مردم و دکه داران با چرخهایشان در حالی که بطرف خیابانهای اطراف میدویدند - صدای ضسنا "بلندی می گفتند میگویند مرگ بر خمینی، زنی واردید که بیجه دو ساله اش را محکم بغل کرده بود و فریاد میزد "مرگ بر خمینی" شور و شوق مردم از کلسه مرگ بر خمینی لحظاتی به طسول نیانجا میدکده فالانژها و پا ساران مسلح با شلیکهای بی درپی وارد مرکز شد... یک قهوه چی وقتی از راهبیمائیها صحبت میشد میگفت "اگر یک راهبیمائی

رژیم در ...

بقیه از صفحه ۱۳
ترکیب کالاهای وارداتی نیاز - مسائلی است که در بررسی واردات باید مورد توجه قرار گیرد. طی سه ساله اخیر، سهم کالاهای مصرفی که ۱۸ درصد کل واردات را تشکیل میداد، مرتب افزایش یافته و در سال ۵۹ به ۴۱ درصد کل واردات بالغ شد. در حالی که سهم کالاهای سرمایه - ای، طی این مدت از ۲۷ درصد به ۱۳ درصد کل واردات کاهش یافته است. این تغییر در ترکیب کالاهای وارداتی از یکطرف نشانده رکود شدید در بخش تولیدات داخلی است و از طرف دیگر نشانگر خصلت کمپرادوری تجارت است که خودیبه رکود بیشتر در تولیدات داخلی منبزند. در کنار تجارت خارجی، مسئله ارز و ذخایر ارزی که حکم شریان حیاتی برای بقا رژیم را دارد، نیز در وضعیت اسف - باری است. بیابانها را بانک مرکزی "خالص حساب جاری موازنه ارزی کشور

عظیم توسط نیروهای انقلابی انجام بگیرد البته عده تظارا هر کسندگان زیاد - با شمشل راهبیمائی آخر ماجا هدین - آنوقت مردم میریزند تو خیا بان رفیقی دیگر در گزارش خود مینویسد "به دلایلی به شرکت تعاضی کمیته مرکزی رفتیم خبر تظارا هرات در همه جا پیچیده بود، عده ای از آنها آنچنان وحشت کرده بودند که فکسر میکردند همان روز قیام میشود، هر یک از رو، ساخفی شده بودند، چندتن از حزب - الهی های یک آذاره واقع در میسدان فرهوسی در عرض یکساعت ریش خود را تراشیده بودند و عمدتا "کسانیکه ریش دا شتند حاضر نبودند یا ما شین دولتیسی آذاره را ترک کنند"

تظارا هرات موضعی در نیمه دوم - مهرا به افقی محسوس در اعتراضات و - بحث های سیاسی تودهها منجر میشد در گزارشی از بخش کارگری آمده است " - کارگران تا دوهفته پیش به صورت پراکنده بحث میکردند اما در این مدت بحثی صورت نگرفته است در مورد مسائل سیاسی روز بر خوردها محدود شده است" این گزارش - از نیمه دوم مهرا هرات و در گزارشی در همین تاریخ از بخش محلی آمده است که "چند روزی است بحث های سیاسی کمتر شده است به نظر میرسد قطع راهبیمائیها مؤثر بوده است قبلا تا استنادیه اخبار این راهبیمائیها بیشتر بحث ها آغاز میشد بطوریکه یک جوان تظارا دیده میشود با زتاب قطع راهبیمائی های موضعی در میان مردم بخوشی نشان میدهد که تنها در صورت استمرار یافتن است که چنین تا کتیکهای میسوا تدهش خود را در فعال کردن و تشدید مبارزات تودهها ایفا کند. و استمرار آن نیز تنها با توجه کامل به خطاها، نقایص و اشتباهات موجود در نظر گرفتن ظرفیت مبارزاتی تودهها، وجود سرکوب و گشتار حاکم میسراست. شرکت - مسلحانه ماجا هدین در راهبیمائیها تا شیر سوئی بران تا کتیک مینهد و فاطمه بسیار زیادی ما بین این عمل و تودهها ایجاد مینماید. در درگیری مسلحانه پنجم مهرا ماه در میان مردم که در سیاه روها تجمع کرده بودند و با تحسین و وحشت به اعمال مجاهدین میگرسیستند این زمزمه در چند مورد شنیده شده است که "اگر سلحه دار شتم ... در موردی که همین دو نفر بر سر شرکت در راهبیمائی

بحث لفظی در میگیردیکی از آنها که جوانی زحمتکش است میگوید "مرد نیستیم اگر شرکت نکنم ما خوب سلحه ندارم... و در موارد متعددی جمله "مثل روزهای قیام شده است گزارش شده است. اما از آنجا که تودهها در شرایط فعلی کامها با قیام فاطمه دارنده تنها مبارزات مسلحانه خیا بان را در توان خود نمی یابند بلکه به رعب و وحشت آنان نیز در مورد شرکت در تظارا هرات دا من زده میشوند.

با یدنا شیوه ای صحیح در جهت استمرار راهبیمائی های موضعی کام برداشت در این رابطه میسوان تودهها را به شرکت در مراسم تجلیل از شهدای خلق و حمایت از خانواده های زندانیان سیاسی فراخواند با ید تحول راهبیمائیها و حرکات توده ای از قبیل راهبیمائی ۲ تا ۳ هزار نفری در و در تجلیل از شهدای خلق، حرکات توده - ای در شب ختم رفیق اسکندر، حرکات مردم در تجلیل از شهدا در شمال و ...

تسلخ وسیعی را شکل داد اما عمل در شکستن جو رعب و وحشت و کشانیدن تودهها به میدان تاشیر سازی خواهد شد. آنگاه در این رابطه است که تحت شرایط خاصی که تا شیری مثبت بر روحیات تودهها داشت با شرفا عی مسلحانه از این اشکال حرکت توده ای را - در صورت لزوم - سازمان داد. برای پیشبرد این اشکال مبارزاتی با ید تفکر سطحی گرایانه ای را که در انتظار یک قیام ناگهانی و زودرس است به کناری نهاده. این تفکر نه تنها در تودهها در مواردی دیده میشود بلکه حتی رفقای هوادا روگزارشگر ما را نیز در بر گرفت است بشکلی که در مواردی از عدم پیوستن تودهها به راهبیمائیها و عدم شرکت فعال آنان با اظهار تمعجب بسیا رسخن رفته است با ید دانست که تودهها تنها در رویدادهای پویای اجتماعی و در پیروسیهای از مبارزات رشدیابنده بهمیدان می یابند، مبارزاتشان - از سهل به سخت و از ساده به پیچیده تکامل می یابد و این قانونی است که در تمام مسی موارد - و از آن جمله در افت های موقست مبارزات تودهها - عمل می نماید. پیشرو با ید با شناخت کامل این قانون در جهت تسریع این روند، در جهت سازماندهی و تشکیل تودهها و در جهت تشدید مبارزات او جگیرنده شان حرکات خود را شکل دهد.

ادامه دارد

که در شش ماهه اول سال ۵۸ معادل ۲/۱ - میلیا ردد دلار ما زادداشت، در شش ماهه اول سال ۵۹، با حدود ۶۷۵ میلیون دلار کسری روبروشد. و با توجه به اینکه سیسر معودی پرداختهای ارزی نسبت به دریافت های ارزی کشور همچنان ادامه دارد، این کسری در موازنه ارزی کشور، مداوما در حال افزایش می باشد، افزایشی که از یکسو به بهای خانه خرابی هر چه بیشتر زحمتکشان و از سوی دیگر با کسب سودهای هنگفت ۱۲۰ میلیا ردتوما نیانجا و ادا می یافته است. همچنین ۱۴۲ میلیا ردد دلار - ذخایر ارزی ایران (که در بعضی ارقام تا ۲۴ میلیا ردد دلار ذکر شده است) حداکثر ۱/۵ میلیا ردد دلار باقی است، که ما باقی آن عمدتا "در جهت مخارج مبارزات ضد امپریالیستی رژیم، صرف شود و تحویل آمریکا و شرکایش گردید و اغلب اینجاست که در یکی، دو ماه آینده، دادگساره لاهه، بر اساس قرار داد اجزا بر برای رسیدگی به دعاوی ۴۰۰ شرکت امپریالیستی که مجموعا "۴ میلیا ردد دلار دعاوی خسارت

کرده اند تشکیل میشود. ولایدا ز این باب نیز رژیم برای تکمیل و اتمام "مبارزات ضد امپریالیستی" با ید مقدار معتنا بسیی دلار به شرکت های آمریکا شسی تقدیم دارد!

بهر حال آنچه در مورد وضعیت فلاکتبار اقتصاد ایران آمد، تنها گوشه ها شسی بسیار ناقص از وضعیت کلی است. اما همین مقدار بچ بودن سخنان عوامفریبانه سران رژیم را در باره "چشم انداز روشن آینده"، که در تبلیغات اخیر رژیم بسیا ر به چشم میخورد در پیام "مهم" ۲۵ آبان - خامنه ای خطاب به ملت ایران نیز سران بسیا ر تا کیده شده بود، را بر ملا میسازد. در حقیقت سران حکومت به این وسیله - میخوهند در حال حاکمیت خودشان را پوشیده نگاه دارند و اینگونه و انمود کنند که "ما هستیم و خواهیم بود". حال آنکه ایضا دبهران، خواستها و مبارزات تودهها و ما هیت و توانایی رژیم، هیچ نقطه ش روشنی را برای ادا مده حکومت جا بزانه آنان باقی نمی گذارد.

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

ارگان سازمانی، نقش و وظایف آن

گزارش دهمی (بخش دوم)

مبارزات خود را حول ارگان سازمان - نشریه کار - سازمان دهمی

علاوه بر مطالبی که بدرستی در نامه رفقای دبیرخانه بر آن تاکید شده بود، میتوان رهنمودهای زیر را به نام ما - رفقا - بعنوان یک گزارشگر - ارائه داد. باید تا کیدکنیم رهنمودهای زیر - عمدتاً "بر مبنای ضعفها و نقائص موجود در گزارشات ارسالی تنظیم شده است.

- هر فقیع بعنوان یک گزارشگر در عین حال یک مبلغ باید بشکلی کامل در جریان رویدادها و وقایع باشد، تا بتواند همواره بحث ها و افشاگری ها را فعلاً و به پیش برود و در عین حال اشارات و کنایات توده ها را که عموماً "بر جمله ای از رهبران" پایه گذاری میشود بدرستی در یابد. باید همواره در جریان اخبار رادیو - و حتی الامکان رادیوهای خارجی - بود، باید به برنامهای سیاسی و مهم تلویزیون در امور متماکن دید و با در جریان آن قرار گرفت (مثلاً) "مباحثه های نادمین یا سخنرانی ها و مباحثه های مطبوعاتی ...") باید روزنامه ها را خواند و کلاً باید بدین موضوعات سیاسی وارد دست داشت. این یک سوی مسئله است باید در جریان مسائل و مشکلات روزمره توده ها بود، باید از وقایع محله، کارخانه، روستا و... بدرستی اطلاع یافت و از ابزاری آن خواسته های مردم، نیازها و ذهنیات حاکم بر آنان را بیرون آورد. تنها در این صورت است که میتوان برخورد های فعلی را به پیش برد و گزارشاتی کامل و جامع تهیه کرد. در عین حال که از این طریق میتوان با بحث های بسیاری را گشود.

ابتکارات و خلاقیت های توده ها و راه - حلها شی که در تجارت عملی به حقا نیت آن بی میبندند همواره منابع سرشاری جهت اتخاذ روشها و تاکتیکهای انقلابی است.

- نکته دیگر قابل اشاره اینست که رفقای گزارشگر (و مبلغ) ما اکثر "هنوز در مقطع" "فناهی حاکمیت" کام میبندند در صورتیکه اینک رژیم در نبرد توده های وسیعی افشا شده است و باید در عوض - افشاگری صرف در مقابل آن موضعی تهاجمی گرفت. کلاً رفقا باید نسبت به جوجا همه بشکلی زنده - انعطاف پذیر باشند. هر چند رعب و وحشت و اختناق تا حدودی بر توده ها مستولی است اما میتوان با اتخاذ شیوه های صحیح مواضع مورد نظر را به میان آنان برد. در عین حال باید در نظر داشته که اینک برای توده ها مهمترین چیزها - حمل خروج از بحران، و ارائه طرق مشخص و عملی است. در این رابطه باید دو سیما - رهنمودهای سازمان را به میان مردم برد. در بسیاری از گزارشات دیده میشود که رفقا از این درون در محبت میکنند. افشاگریهای بسیاری مینمایند، دردهای توده ها را بیان میکنند اما در نهایت هیچگونه راه - حلی ارائه نمیدهند و هیچگونه ایده - مشخصی را به میان مردم نمیبرند. باید تمام افشاگری و بحث را به ارائه یک ایده و یک راه حل معطوف کرد.

- باید گفت متأسفانه گزارشات توده ای که برای ما ارسال میشود عمدتاً "از مناطق خرد، بورژواژیها مجامع خرد - بورژواژی است و در مدیای شهری (بجز بخش کارگری) از آن به کارگران اختصاص ندارد. رفقا باید نیروی بسیاری را جهت تماس با کارگران اختصاص دهند. و با لایح به مناطق کارگری بهای لازم داده شود. کوره پزخانه ها، قهوه خانه ها، جشنوب شهر، شهرکهای کارگری، محله های تجمع کارگران بیکار، رگورنشینها و... باید همه و همه مورد توجه قرار گیرد.

از سوی دیگر باید کاملاً تاکید کرد که رفقا همواره بگوشند نظرات مخالف نظرات سازمان و نیروهای انقلابی را نیز سازگار و بدون کم و کاست منعکس نمایند. حتی در مجموع گزارشات خود در مد نظرات موافق و مخالف رژیم و نیروهای انقلابی را روشن نمایند. بهر رو باید گوشید شخصاً و اقیات را از آنکه گه هست منعکس نمود. - در گزارشات توده ای، گزارشات سیاسی و... هیچگاه مسائل تشکیلاتی و امنیتی طرح نمی شود، همواره باید گزارشات تودم ای و سیاسی را بگونه ای نوشت که در صورت افشادن به دست پلیس هیچ ردی در آن وجود نداشته باشد. برای موارد امنیتی یا تشکیلاتی باید گزارشات جداگانه تنظیم کرد.

تشکیلاتی با گزارش جلسه تشکیلاتی مغاوت است. گزارش جلسه تشکیلاتی که پس از هر جلسه تنظیم و ارسال میگردد حاوی مطالب مطروحه در جلسه است اما گزارش تشکیلاتی (که در مدتی طولانی ترتیب می شود) در برگیرنده تمامی سیر حرکت رفقا در این مدت و تمامی مسائل و مشکلات است و بخصوص در شرایط ویژه کنونی باید در مسائل امنیتی تا کید بسیار رگور و قسمت مجزایی از گزارش را به بررسی وضعیت امنیتی رفقای تحت مسئولیت اختصاص داد.

در انتهای بخش گزارش دهمی باید بدین نکته ای بسیار بر اهمیت پای فشرود. - گزارش دهمی همواره دوسو دارد. هر چند ما در این مقاله به علت ویژگی مبحث تنها گزارش دهمی از پیشین را مورد بحث قرار دادیم اما گزارش دهمی از "بالا" نیز باید به موازات شکل گیری و رشد گزارش دهمی از پیشین رشد یافته، شکل واقعی خود را بیابد. رفقای رهبری باید تمام حرکات تصمیم گیری، انتقاد (ترا خود و از حرکت) و خطاها و برخورد های موجود را به توده های تشکیلات گزارش دهند. توده های تشکیلات نیز باید با قاطعیت تمام خواستار گزارش دهمی از بالا کنترل کامل بر رهبران باشند. تنها در این شکل از بر خورداست که شامل لیسیم دمکراتیک به معنای واقعی آن شکل میگیرد و تنها در این شکل از - برخورد است که رهبری قاطع است با اتکال به نیروی لایزال توده ها حرکت های خود را سازمان دهد. و از اینرو نیز باید بر آن - تاکید کافی نمود. ادامه دارد

در گزارشاتی که به دست ما میرسد نکته ای بخوبی مشهود است و آن اینکه - رفقای ما عموماً "در بحث ها دنبال توده ها راه می افتند. و در این رابطه عموماً - انکسار روحیات توده ها در سطح باقی میماند. باید سعی کرد با توجه به شرایط ایده های مشخص را آگاهانه به پیش برد. باید همواره مقدار زیادی سؤال در ذهن هر فقیع وجود داشته باشد. نظر - توده ها نسبت به رژیم؟ نظرات نسبت به - توده ها؟ نظرات نسبت به گرانی؟ و... باید پاسخ این سئوالات را (بر حسب عمده گی شان) در بحث ها جستجو کرد. روشن است که منظور ما این نیست که رفقا به صورت خبرنگاران مجلات از مردم - سئوالات خود را بپرسند بلکه باید زمینه بحث را آنچنان ترتیب داد و بحث را آنچنان هدایت نمود که پاسخ سئوالات موجود به دست آید.

مثلاً آنگاه که میخواهیم نظر توده ها را به شورا رای دست آوریم، باید از مدها که ناال به ذهنیت آنان نفوذ با یک زن خانه دار یا پدیدآور توزیع غیر - عادلانه اجناس، از گرانی، نبودن محتاج صحت پزشکی باری در توزیع خواربار و... صحبت کرد و سخن را به شورا های محلی کشانید، با یک یا چندین بد نفس مدیران ادارات، جو اختناق حاکم، تفتیش بدنی تفتیش عقاید و سرکوب را طرح کرد و سخن را به شورای ادارات کشانید، برای طرح همین مسئله در میان کارگران باید سخن از قدر قدرتی و سرکوبگری انجمن های اسلامی آغاز کرد و آلترنا تيو مقابل آنرا سؤال نمود. ... باید همواره به راه حلها که توده ها ارائه میدهند توجه ویژه کرد. باید به ابتکار و خلاقیت توده ها ایمان داشت هرگاه آلترنا تيوها را رد میکنند باید راه حل خودشان را پرس و جو کرد.

اینک لازمست مقداری نیز در مورد گزارش تشکیلاتی توضیح دهیم. هدف از نوشتن گزارش تشکیلاتی اطلاع رهبری تشکیلات از چند و چون حرکات آن، روابط و کیفیت عناصردرون تشکیلات، حاضرشد و گسترش آن، مسائل و مشکلات موجود و... میباشد. هر فقیع که مسئولیت قسمتی از تشکیلات را عهده دار است موظف است و باید هر چند مدت یکبار (عموماً "یکماه یکبار") گزارشی تشکیلاتی از قسمت یا قسمت های تحت کنترل خود ارائه دهد. این گزارش جمع بندی عمومی حرکت در طی آن - مدت و نیز مسائل و مشکلات مطروحه در - جلسه تشکیلاتی است. باید دقت کرد گزارش

گزارشی از زندان... بقیه از صفحه ۱۶

سرشان بکار خودشان بود، یک ما شین بیگان آمد یک مردی که لباس شخصی پوشیده بود به همراه یک سدا رما در دختر جوان را سوار کردند و با خود بردند. حرکت سریع انجام گرفت و کسی امکان عکس العمل را پیدا نکرد ولی همه از شجاعت این مادر محبت میگردند و خیلی رویشان اشرمیت گذاشته بود.

پنج شنبه ۸/۲۸: امروز هم خیلی - شلوغ است و با اینکه هفته دوم است که مادرها بتولیس میدهند با زهم یک کامیون بتولیس شویا زهم تعدادی از مادرها مانند نگه هفته دیگر لباس ویتو بدهند. شب قبل از اوین به شوهر یک زندانی رنگ زده بودتد که فردا - ساعت ۲ بعد از اوین و ما در میخواستند او را ببیند. او هم به همراه بچه ساله از صبح زود آمده بود. البته از ساعت ۱۲ تا ۴ بعد از ظهر هر چه این درو آن در زد ملاقات ندادند و گفتند که تودروغ - میگویند و زنت از خانه تیمی بهت - رنگ زده است. امروز یک زندانی از اوین آزاد شد، البته سیاسی نبود و پدرش میگفت در رابطه با خروج غیر قانونی از کشور بوده است از پدری مبلغ ۳ - میلیون و ۳۰۰ هزار تومان پول گرفته بودند و پیش از این از ما آذکار کردند. اینطور که از ما هدیر میاید. در اوین تیرباران میکنند ولی دیگر اعلام نمیکنند و به خانوادها تلفنی خبر میدهند، مثل را مین نخعی ۱۷ ساله و تعدادی دیگر و شا دید در این هفته دست کم به ۴ نفر را فرستادند و این تا وصیت نامه بگیرند.

رژیم در جنگال

بقیه از صفحه ۱
بعینه تجربه کرده اند، لیکن اینبار، بعثت ایما دوحشت انگیزی که بحران اقتصادی جامعه را در خود گرفتار است، ظاهراً "حل بحران از مسائل عمده است که هیئت حاکمه خود را با آن درگیر میداند. خامنه ای رئیس جمهوری حزب جمهوری اسلامی در دیدار اخیر خود با خمینی، رهبر ضد انقلاب حاکم، ضمن اعتراف عوامفریبانه در مورد "پاره ای" از مشکلات اعلام نمود که "آنچه که برای این کابینه بصورت یک امر مسلمی وجود دارد این است که باید در این برهه از زمان کار تحویل مردم داد. همه ما... این را میدانستند -

پذیرفتند که دوران کار خود خدمت به مردم مقداری هم دیر شده" (کیهان ۶۰/۸/۲۴) برای جبران این تاخیر (؟) ارتش جمهوری نبود "کارهای بلند مدت برنامه ریزی های اساسی و ریشه دار را داد، موسوی نخست وزیر در همان جلسه محور سخنان خود را اصل سرگرم و مشغولیت مشخص (که تا چند ماه قبل مورد بی مهری دستگاه بود) است. نسبت به سرو سامان دادن به "اقتصاد از هم گسیخته" قرارداد قبل از آن نیز، رفسنجانی در شما زجمع گفته بود: "مسئولان کشور همه این نتیجه رسیده اند که بدون شما نیروهای متخصص و انسانی و کسانی که کار فرید مخلصانه به این کشور خدمت کنید، کارها به پایان نمیرسد... امیدوارم با جوامع علمی که موجود می آید، میدان فعالیت در همه ایما د اقتصادی و اداری و فنی برای شما و ما باز شود" (کیهان ۶۰/۸/۱۷). در این باره شایده خمینی صریحترین اعتراف را که تا کنون از نگارنده عمیق او از سقوط رژیم است، بیجا نکرد. وی در همان جلسه دیدار رئیس جمهوری گفت: "مردم تا راضی میشوند از این، کاری هم از شان نمی آید اختلاف پیدا میشود، کم کم اختلاف میرسد بجای که ممکن است سقوط بیاید -

وحشت از سقوط قریب الوقوع که بر زمینه تشدید بحران اقتصادی و چشم انداز آتی مبارزات توده ها، هیئت حاکمه را هر دم چون خوره میخورد، بناچار انجام کارهای رفرفرها (هر چند توغالی) و کوشش های را (هر چند بی برای مقابله با بحران بحکومت اجتناب - تا پذیر میسازد، اما سؤال اینجاست که آیا با توجه به این بدگسترن یا بنده - بحران در همه زمینه ها، حکومت قادر به کنترل بحران می باشد؟

در بحثنامه ای که نخست وزیر بیسه کلیه وزارتخانه ها و نهادها برای بر آورد بودجه ۶۱ سال نمود، وجود بحران اقتصادی به این صورت عنوان شده است که شاخص های اقتصادی در سال ۱۳۵۹ و اوایل سال ۱۳۶۰ تغییرات - تا مساعدی رایبه نمایش می گذارد که هم آنها از این قبیل است: کاهش بارزده تولید کشتا ورزی، کاهش تولید در کارگاه های بزرگ صنعتی، کاهش سرمایه گذاری صنعتی، آدامه کاهش در تولید ناخالص داخلی، آدامه رشد ارزش افزوده بخش خدمات در مقابل ثبات ویا کاهش ارزش - افزوده بخش های صنعتی و کشاورزی - رشد واردات و افزایش کسری در تراز - پرداختهای خارجی، افزایش کسری در بودجه دولت و رشدنا معقول نقدینگی در مقایسه با کاهش حجم تولیدات ملی (اطلاعات ۶۰/۸/۲). چنانچه ملاحظه میشود بحران در تمام زمینه ها اثرات رشدیابنده و مخرب داشته است، با وجود این، اعتراف

کلی به وجود بحران، نمی تواند عمق گستردگی آن را روشن نماید، و در همین زمینه است که ما بحب منصبان، اما رهسای بسیار متناقضی را در مورد تورم، بیگاری، رکود و... بیان میدارند. گویا این امری است که "ما همیشه در صحنه" نباید از آن مطلع باشد!

برایا به همین بیان کلی در مورد وجود بحران که ایما دان از نظر توده ها پوشیده شده است، سران حکومت و انمودمی کنند تا در به مها رکودن بحران و ارتقاء سطح زندگی توده ها میباشند. در این باره بانکی، سرپرست سازمان برنام و بودجه میگوید که "من به هرات - ادعا می کنم هرگز زمان مسا عدت را از زمان فعلی برای رشد اقتصادی کشور موجود نیوده است. ما اقتصاد را بسته داده است و داریم ما هرگز آینده ای روشن و مشخص تر از اینکه برای خودمان تصور می کنیم - ندا نشتم" (کیهان ۶۰/۸/۲). اما برایستی آیا چنین است؟ اما راهای موجود، اگرچه تا قی و دست و پا شکسته است، لیکن و خامت اوضاع را بسی بیش از آنکه سران حکومت ادعا می کنند، نشان میدهد.

رکود مزمن و حاد کل بخش تولیدات صنعتی را در خود فرو برده است. این امر نه تنها شامل تولید در کارگاه های - بزرگ صنعتی، که کلیه کارگاه ها را بنا به بدلائلی که در اینجا مورد بحث نیست، نیز شامل میشود. این بخش تولیدی تنها در سال گذشته ۱۶ میلیارد تومان بهی بیار آورده و اکثریت قریب به اتفاق صنایع مهم با ظرفیتی بسیار پایین که در حدود ۳۳٪ ظرفیت کل تولیدی است، مشغول فعالیت بوده اند. در خوشبینانه ترین حالت، میتوان سخنان الگویی را نمایند - مجلس را در این باره ذکر کرد که میگوید: "در حال حاضر در اکثر موارد (مناپس) با ظرفیتی کمتر از ۵۰٪ کار کرده" (اطلاعات ۶۰/۶/۷). رکود و ورشکستگی، روز به روز بخش های بیشتری را در بر میگیرد و چون زنجیره ای می آید و ما "عمره را بر صانع بیما ری که لنگ لیگان با ظرفیتی بسیار پایین مشغول تولید هستند، تنگ میکنند و آنها را نیز به ورشکستگی می کشند.

محمولات کشتا ورزی نیز با وجودیکه سطح زیر کشت افزایش یافته است تولیدشان کاهش داشته است. اگر چه در این باره، رژیم رقام مشخصی ارائه نمی دهد و سمنی بر آن دارد که وانمود کند این بخش با - افزایش تولید روبرو بوده است، اما - اضافه شدن واردات گندم و برنج و قطع مدور پی که همیشه رقم متناهی را در - صادرات تشکیل میداد دو کاهش فاحش - جادرات بقیه محصولات کشتا ورزی، نشانده این امر است.

بیگاری شدت افزایش یافته و این - سیر بطرز وحشتناکی هنوز رو به افزایش است. رکود فزاینده، ورشکستگی، - سیاستهای "صرفه جویی" (ا) دولت و اخراج کارگران و کارمندان به بهانه "پاکسازی ایما د بیگاری را هر دم گسترده تر میکند. آنچه که رژیم خود بدین باره ادعا میکند حتی از وجود ۱/۵ میلیون بیگار "بعد از انقلاب" است که "با تحریم اقتصادی و کمبود مواد اولیه بعضی صنایع و... این میزان افزایش یافت (جنگ و تجاوز) دقترسیای سیاه پا ساران) آنچه که مسلم می نماید اینست که رقم بیگاران در حال حاضر حداقل در حدود ۳ میلیون نفر می باشد، البته به این رقم با - ۱/۵ میلیون "پناهنده" افغانی، نزدیک ۲ به ۳ میلیون آوارگی و صدهزار نفر اخراج شده از عراق را اضافه کرد. فقر و سکنستی که گویا نگیرتاما می زحمت کشان

میتوان است، تنها منوط و محدود به بیگاران "رسمی" (که به تنهایی خود تنبر قابل تا مل و تا سف آوار است) نمیشود. میلیونها انسان زحمتکش کاری دارند که در اینست و آنچه از زندگی میکنند که زندگی نیست، که از حد اقل حقوق انسانی بی بهره اند، خود بنوعی در زمره - بیگارانند.

افزایش قیمت ها به حد غیر قابل تحملی رسیده است و رژیم نیز با رذقیقی را ارائه نمیدهد. اما رهائی را که سران حکومت در مورد تورم ذکر می کنند بنا به مصلحت از ۲ تا ۲۰ درصد در نوسان است. گوئی میتوان با کم کردن نرخ تورم در حرف، با افزایش تورم فسا رگمیتهای را که بردوش توده ها هر دم بیشتر سنگینی می کند، خنثی کرد. طی سال جاری، - دستگا ههای تبلیغاتی رژیم ادعا کردند که توانسته اند افزایش قیمت ها را به کنترل در آورده و در سال جاری قیمت ها با رشدی بسیار کمتر از سال قبل افزایش یافته اند. حال آنکه با توجه به آمارهای رسمی که خود نیز قابل تردید است (و در عین حال در اظهارات سخنرانی های عوام فریبانه سران حکومت آبد "بکار نمیرود)، تورم درش ما اول سال جاری ۲۵ درصد نسبت به دوره مشابه سال قبل افزایش داشته است، در حالی که نرخ تورم مشابه سال ۵۸ برابر ۲۰ درصد بوده - است. این اظهارات دروغین سرگوییان دولت نشانده - تورمی افسار گسیخته است که از ترس توده ها، مذبحخانه - میخوایند آنرا پنهان دارند. بهر حال با تنگنا های فلانک زای آرزوی و مالی، کاهش بیش از اندازه تولیدات افزایش انتشا را سکناس، بهمه اسیا ستها ی - تورم زای دولت (افزایش فوق العاده قیمت کالا های انحصاری، قطع سوبسید، - وغیره) و سود جویی بی حساب و کتاب تجار، همچنان افزایش سرسام آور - قیمت ها آدامه خواهد داشت.

رسوایی سیاستها و عملکردهای ضد خلقی رژیم در مورد تجارت خارجی و مسائل ارزی، بر کمتر کسی پوشیده مانده است. طی سه سال اخیر، با وجودیکه دریا رفت های ارزی با بابت صدور نفت (در اکثرکاهش تقاضای خرید) شدت کاهش یافته، لیکن واردات، بهویژه واردات تجار افزایش چشمگیری را نشان میدهد. اگر در سال ۵۶ در مقابل صدور بیش از ۵ میلیون بشکه نفت در روز، رقم واردات بالغ بر ۱۶ میلیون دلار بود، که از این مقدار سهم بخش خصوصی ۲۷٪ کل واردات را تشکیل میداد، مقدار واردات در سال ۵۸ به ۱۱ میلیون دلار و سپس در سال ۵۹ به ۱۵ میلیون دلار بالغ شد، که از این واردات را تشکیل داد. در نیمه اول سال ۵۹ رشد واردات تجار نسبت به مدت مشابه سال قبل برابر ۱۱۱/۱ درصد - بوده است، و این در حالی است که فروش نفت (در بهترین حالت) حداکثر ۹۰ هزار بشکه در روز بر آورده شده است. به عبارت دیگر، بر اساس آمار منتشره از سوی بانک مرکزی در حالیکه طی این مدت، دریا رفتی ارزی ۱۱ درصد کاهش داشته، برادای غنای ارزی ۴۱/۴ درصد افزایش نشان میدهد. این روند، تاکنون طی سال جاری آدامه داشته است، به این صورت که طی ۴ ماه اول سال جاری، در حالیکه صادرات ۴۵ درصد کاهش داشته، واردات ۲۶ درصد افزایش نشان میدهد. که این خود نشانده تشدید رکود در فعالیت های تولیدی است.

آواره کردن زحمتکشان گودهای جنوب تهران، تداوم طرح ضد خلقی شاه

میزند. در چنین زمانی زحمتکشان گودبه دست مزدوران رژیم آواره میشوند.

زحمتکشان غارتگری نسبت به رژیم توهمی ندارند. شما می‌توانید آن نسبت به رژیم ضد خلقی در زیر آوارهای اتاقها نشان بر جای مانده و دفن شده‌ها را بنمایانید. گزارشات ما نشان می‌دهد اکثر این مردم از رژیم بیزارند. عده بسیار کمی از مردم گود اینک فقط اندکی به خمینی معتقدند و... آری فشار زندگی اجازه نمیدهد توهمی باقی بماند. فقر و گرسنگی توهمی نمی‌شناسد. آنگاه که گودک رحمان از یک تب دیوانه‌مانی می‌برد "چگونه میتوان با زخم به رژیم متوهم ماند. عینیت بیش از آن تلخ و سخت و کوبنده است که بر سر آرزوی ذهنیت متوهمی نسبت به رژیم اینچنین ضد خلقی بر جای نهد.

و این تنها بر عهده نیروهای انقلابی است که در چنین شرایطی درسیج و تشکیلاتی بوده‌های زحمتکش بکوشند و کینه‌های را که بر اثر فشار زندگی ایجاد شده است به کینه‌های طبقاتی و به نیروی خشمی بر ضد رژیم بدل سازند. اینک دروازه غبار و گودهای جنوب محیطی ما عدجهت پذیرش تبلیغات انقلابی است. اینک تنها - تبلیغات و رهنمون‌های انقلابیون قادر است شمشیرهای آخته زحمتکشان گودهای جنوب را بر شیشه حیات سرما به فروود آورد. رفقا! هواداران! گودهای جنوب این کشور را با انقلاب را با بذرهای انقلابی بپوشانید. اولین گام در این جهت آمیختن با توده‌ها است که در پی خودشناسی هر چه عینی تر و دقیق‌تر از مسائل آنان را خواهد داشت. آنگاه باید آستین‌ها را بالا زد و اعلامیه‌ها و تراکت‌ها را در راه باطنیه‌ها توده‌ها در گودها تهیه کرد و به وسعتی هر چه بیشتر به وسعت کینه خلق به رژیم، توزیع نمود. با بیدار کردن آوازه‌ها را از زحمتکشی می‌توانید که میگفت وقتش می‌رسد می‌بینیم روی دیوار - شما رتوشه شده می‌فهمید تنها نسیم صبح کسی هست که از ما حمایت کند

اما پیش از این نیز بنا بدیدگار نشست با بدبختی‌های هواداران سازمان در محله‌ها و گودهای جنوب تهران نشان داده شد. با بدبختی‌های سازمان را هر چه بیشتر به میان این زحمتکشان برد، با بدبختی توده‌ها گفت که طرح مشترک رژیم جمهوری - اسلامی و شاه از ما هیت ضد خلقی مشترکشان بر میخیزد. با بدبختی اجلی آوارگی، فقر و دردی آنان را که ما تا سرما به - داری و رژیم حافظ این سیستم ضد خلقی است به آنان معرفی کرد، با بدبختی مبارزه را به آنان آموخت، با بدبختی آنان گفت که تنها تشکیلات و اتحادیه‌ها مبارزه - ای تپای جان در مقابل رژیم است که تا مین منافشان را در سر خواهد - داشت با بدبختی آنان گفت "رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی اینک بزرگترین عامل تداوم فقر و بدبختی شماست بر ضد آن بیا خیزید، رژیم متشکل است، متشکل شوید، رژیم مسلح است، مسلح شوید، رژیم ضد خلقی است سرنگونش کنید" آری باید در تمام گود، در تمام غار، در تمام شهر زحمتکشان فریاد کشید "مرگ رژیم جمهوری اسلامی، زنده باد دشوارهای مسلح خلق"

بهای نازنی میسر دادند که با آن کمترین امیدی به یافتن ممکن در همان سطح قبلی نیز نخواهد بود. اینک الونک‌های زحمتکشان یک به یک و بران میگردند. سقف‌های لرزان و سوراخ سوراخ خانه‌ها فرو می‌ریزد، دیوارهای ترک خورده‌ای که سالها با زور شمع زدن برپا بودند خراب می‌شوند و سوراخ‌های کف را که زمستانها از آنها آب بیرون می‌ریزد می‌پوشانند. این ویرانی در پی خود آوارگی ساکنان خانه را در دویس، در گزارشی که یکی از رفقا از دروازه غارتگری تهیه کرده است آمده: "در خانه‌ها بیشتر دویس به نفر شریک هستند و اکثرها حیاط‌ها هنوز بی‌ازمان هستند برای بیهوشی خانه‌ها دیرزیادی مفروض هستند. تعداد مستاجرین چندین برابر بر ما حیاط‌هاست. در هر اتاق یک خانوار ۵ یا ۶ نفره زندگی میکنند، در اتاق‌های کوچک، بزرگ از صد و هفتاد نفر، با لافا نه‌ها و... در هر اتاق یک خانوار هستند. دی از خانه‌ها نیز متعلق به یک سرما به‌دار است که آنها را اتاق‌ها را اجاره میدهد و کرایه جمع میکنند... فروش خانه‌ها به رژیم تا گشون اجباری نبوده اما بدلیل اینکه هر لحظه مکان با شین آمدن سقف‌ها نه‌ها وجود دارد. ساکنین مجبور به فرو شدن یکی از زنها ضمن نشان دادن سقف‌ها نشان میگفت: "با رسال جقدر پول نایلین دادیم و آخرش هم طاق پر از آب شد! لان تیسرش شکسته شوهرم گفته بکجوب بیا ریم بداریم زبیرش، گفته خیلی اطافمن وقتش که تیر هم بدارید و شوش در گود شورانی وجود دارد که مسئول رتق و فتق امور مربوط به فروش خانه‌هاست تا مدتی پیش که عینا مرا انقلابی در شورا بودند شورا خانه‌ها را حداقل به قیمت بالا از مردم می‌خرید و بوسایل ساختمانی از قبیل آجر، تیر آهن، تیروچوب و در و پنجره و غیره پس از فروش به ما حیاط‌ها متعلق بود اما حالا قیمت‌ها با شین آمده و بوسایل خانه‌ها نیز متعلق به شوری زورگواست. اگر ما حیاط‌ها در پنجره یا آجر خانه را لازم داشته‌ایم بدبختی‌ها را با دیدن گراز شورا خریداری کند... پول خانه‌ها را زمانی تحویل میدهند که خانه خالی و سقف آن خراب شده باشد" خانه مردم زحمتکشی را ۱۴۰ هزار تومان خرید می‌دهند که پس از پرداخت بدبختی‌ها با شینگ، که ۸۰ هزار تومان بود تنها ۶۰ هزار تومان برایش باقی مانده بود که میگفت آخر با این مبلغ چه خاکی بر سرم بریزم آری خانه‌های لرزان و فرسوده یک خراب میشوند و در پی این خرابی خانواده‌های بسیار آواره میگردند. آنکه ما حیاط‌هاست با پول اندکی که رژیم به ما میدهد در پی یافتن خانه‌ای محقرتر از پیش و فرضی کلان تر بدبختی، روان میگردند و تا آخر عمر به زیر قرض می‌روند و مستاجران بسیار تعدادی بسیار افزون تر از گروه اول، برآستی آواره میگردند. خلق زحمتکشان در گودهای جنوب تهران، در دروازه غبار در ویرانه‌ها زندگی میکنند و رژیم ویرانه را نیز بر سر خلق خراب میکند. این عمل در شرایطی است که سرما به‌داران و زمینداران هنوز کاخها و ویلاهای خود را در اختیار دارند. این در زمانی است که خانه‌های مزدوران فراری نیز در وجسه غالب خود، اگر توسط مردم را ن قبضه شده‌ایم شده‌اند و وسیع و وسیع بدل شده‌است. زمانی که قدم ما دره‌خانه‌ای از خانه‌های متعدد سرما به‌داران با گلوله‌ها پاشیده می‌شود، زمانی که سرما به‌دار جهت حفظ سلطه خود دست به هر جنایتی

دروازه غار و گودهای آن مرکزی از مراکز تجمع فقر و زحمت است. تو گوشتی سطح با شین منطقه و گودی آن تمام می‌شود فقر و فلاکت و رنج و زحمت را بخود جذب نموده است. خانه‌ها، هر چند به‌شراست بگوئیم اتاقها، چونان کلافی به‌بم بافته شده و بافت متراکم این منطقه را شکل میدهند. در میان این بافت - گوجه‌ها و در هر چند تقاطعی یک شرفشاری بسیار نگران است که هنوز خانه‌ها آب - نندارند. آری در قلب شهر تهران، دروازه غار هنوز آب آشامیدنی خود را از شیرهای فشاری بر می‌گیرند و آب شورهاها را خانی که همان فاضلاب‌های شهر است که از لایبای سنگلاخها سر بر آورده جهت شست و شو بکار می‌رود.

هر صبح در گرگ و میش هوا، باهای - پرطنین زحمت و رنج گوجه‌های محله در در می‌شوردند و چون خونی در گره شهر جاری میشوند، به‌بازار می‌روند، بازارها را پرورش میکنند تا شروت تجار سیفزا ایند به‌کارخانه‌ها می‌روند، میکوبند و میسازند تا بیکران سرما به افزون گردد، کارگاهها را به چرخش می‌آورند و آنان که بخت مساعی جهت افزودن مستقیم ارزش افزای بر حیثی‌های سرما به‌داران - نیافتند دستفروشی می‌کنند و دوره - میگردند، تا بدبخت هنگام مان خالی سفره را پستی و واحیاناً "دانه‌هایی از انگور رونق دهد، و شب هنگام خون جاری شهر، بی‌رمق و رنگ بریده به گودها با زیرگردد تا نیروی جهت بکار انداختن دوباره چرخهای رنگ زده سرما به‌داری ذخیره کند. در ساعات روز زحمتکشان گود، آنان که در خانه‌های اعیان و اشراف در خانه‌های حاجی و سرما به‌داران رخت نمی‌نویسند، ظرف نمیشناسند و رومی‌کنند در پی شیرهای فشاری ظرف می‌شورند، رخت می‌شورند و آب بر میدارند در صفها در انتظار ریان و دیگر ما به‌تحتاج گس‌سازان زندگی مساعی خود را میگردانند.

توسیم سیمای گودهای جنوب تهران، توسیم رنج و مشقتی که در گود روستی، انوری، در کوچه آهنی و در غار جویان دارد از این روست که بدبخت رژیم جمهوری اسلامی طرح‌های شاهانه خود را در کدما محیط پیاپی می‌سازد، رژیم جمهوری اسلامی اینک مدتی مدتهاست که طرح‌های شاهانه ویران کردن گودهای جنوب شهر را تداوم میبخشد شاه مزدور جهت برپا نشی "تهرانی بزرگ" خانه‌های گود را ویران می‌ساخت تنها بجای فضای سبز برپا داد و در این راه از پیش دادن زحمتکشان غار در چاره‌هایی که بر سر گودهای سیمانی بنا گشته بودند نیز ابایی نداشت شاه زحمتکشان را آواره میساخت تا تمدن بزرگ خویش را به ویرانه‌های آلونک‌ها بستاند و با زدن و یک رژیم - جمهوری اسلامی راه این مزدور را می‌پوشاند رایی گرفته است. هر چند رژیم اسلامی نمی‌گوید که بجای ویرانه‌های این آلونک - ها چه چیز برپا خواهد ساخت اما روشن است که هر چه برپا سازد مسجد، فیضیه و یا مرکز سیاه و کمیته مسلما "تنها در جهت تحمیل ویا سرکوب زحمتکشان خواهد بود و

هر چند خانه‌های گود دیگر سالهاست که قابل سکنی نیست و با بدبختی بر عتر ویران گردیده اما در هیچ یک از طرحهای فوق سکنی از سکن زحمتکشان نیست، رژیم نه تنها در آزادی این خانه‌های محقر سیر کرده‌های زحمتکشان گودهای جنوب تهران سکنی به آنان نمیدهد بلکه از چنانچه

تاکتیکهای گمنام شده رژیم

اینروزها رژیم به تلاشهای مذبحخانه‌ای جهت حفظ موقعیت متزلزلش و بخیال خام خودبدنام کردن انقلابیون متوسل شده است.

بمبادی گذاری در ایستگاه راه آهن و مقابل فرودگاه قدس و نظائر این اعمال که از سوی رژیم و مزدورانش صورت میگردد تاکتیکهای گمنام شده است که شاید نیز در آخرین روزهای حیاتش بدان متوسل میگردد تا شاید بتواند چند نفر از مردم زحمتکش خشم‌آنان را نسبت به انقلابیون برانگیزد و اینک رژیم جمهوری اسلامی نیز بهمان شیوه‌ها متوسل شده است. شاید بخش نا آگاهی از توده‌ها فریب این حیل‌ها و رژیم را بخورد و موقتا "عسا سائشان برعلیه مبارزین برانگیخته شود اما بخش وسیعی از مردم زحمتکش ما که از اهداف انقلابیون آگاهند و همواره شاهد بوده‌اند که هدف عملیات نیروهای انقلابی ارگانهای سرکوب رژیم و سران ضد خلق حاکمیت است هیچگاه فریب رژیم را نمی‌خورند و خشم و نفرتشان بیش از پیش متوجه خود رژیم خواهد شد.

مردم زحمتکش و مستمندی‌ها بران وقتی مشاهده میکنند که انقلابیون دسته دسته بجرم دفاع از منافع خلق بجوخا عدا مسپرده میشوند و بیشترین شکنجه‌ها را تحمل میکنند آنگاه چگونه میتوان انتظار داشت که بگنجانند که آنها هدفش کشتار مردم مستمندی‌هاست به انقلابیون نسبت دهند. آنها در تجربه روزمره مشاهده میکنند که بمبهای انقلابیون قلب خدا و انقلاب را نشان نمیرود اما بمبهای رژیم مردم را میکشد. گرچه رژیم تلاش میکند که مردم را در مقابل مردم قرار دهد اما این تلاش مذبحخانه‌ای بیش از پیش خود رژیم را در غرقاب نیستی و ذوال خواهد کشاند.

مبارزات و... بقیه از صفحه ۲

مبارزات و جهت ضروریست: رژیم خود را برای یکبار رتاجا عدا کم تلاش میکند با توسل به تروریسم عربی آن سدی در برابر مبارزات توده‌ای ایجاد کند و پیشروان و عناصر آگاه را در درون کارخانه‌ها، مدارس، ادارات و غیره تحت شدیدترین پیگردا قرار داده است. این ابزار مبارزه از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. یک چنین ابزار و اشکال مبارزه در همان حال که عناصر پیشرو را از دیدار جماع مخفی نگاه خواهد داشت، امکان میدهد که مبارزات روزمره توده‌ها را هدایت و جنبش خود بخودی را تسریع کنیم. از سوی دیگر همین ابزار و اشکال مخفی مبارزه در درون توده‌ها میتواند نطفه‌های کمیته‌های مخفی را ایجاد کند. این نوعی مبارزه را باید به عنوان مبارزه عمومی سیاسی با شد. از این رو در هر کارخانه‌ای عناصر آگاه و پیشروان طبقه کارگر یعنی کارگران آگاه به منافع طبقاتی خود باید این ابزار مخفی مبارزه را شکل دهند و بکوشند از طریق این ابزار مبارزات توده‌ها را سازماندهی و هدایت کنند. در این زمینه قبل از هر چیزی باید از تجربیات خود کارگران آموخت و تصمیم بین تجربیات برداخت، فی‌المثل اخیرا در برخی از رشته‌های تولیدی و کارخانه‌ها با پتکار کارگران پیشرو، صندوقهای تحت عنوان صندوق کمک

به‌خراجهای، صندوق کمک به خانواده‌های کارگران نیاز داشت شده، صندوق کمک به خانواده‌های کارگرانی که اعدام شده‌اند، صندوقهای اعتصاب و... تشکیل شده است.

بسط و گسترش و تصمیم‌یاب ابزارهای مبارزه طبقه کارگر، یکی از وظایف مهمیست که اکنون در هر کارخانه‌ای در برابر کارگران قرار دارد. این اقدامات و ابتکارها در همان حال که روحیه همدردی، برادری و وحدت را در صفوف کارگران تقویت خواهد کرد، میتواند مبنای برای ایجاد کمیته‌های مخفی - اعتصاب و هدایت مبارزات توده‌های کارگر گردد. استفاده از این ابزار مخفی مبارزه بنا امکان میدهد که بتوانیم هر مبارزه‌ای را در درون هر کارخانه بنویسیم. زمان یافته و هدایت شده بیش بریم. فعلا در میان کارگران، بلکه در میان قشر دیگری خلقی بویژه دانشجویان و کارمندان نیز تشکیل یک چنین تشکلهای مخفی و استفاده از ابزار غیرقانونی مبارزه ضروریست.

شرایط کنونی که همراه با سرکوب و اخراجهای دسته‌جمعی در مدارس و ادارات است، ایجاد میکند که اشکال ویژه‌ای برای پیشبرد مبارزاتمان داشته‌اند و هدایت مبارزه پدید آید. کمیته‌های مخفی هم‌اکنون ابزار نیست که در مدارس و ادارات از کار آثاری بسیار برای ایجاد خواهد کرد.

این کمیته‌ها که با شرکت نیروهای هوادار سازمانهای انقلابی در مدارس و ادارات تشکیل میگردد، در همان حال که قادر است بنحوی سازمان یافته مبارزات روزمره کارمندان و دانش‌آموزان را در مدارس و ادارات رهبری کند، و با سیاسی هم‌آهنگ از تلافی نیروها جلوگیری کند و وسیله‌ای مناسب برای تسریع جنبشهای خود بخودی و هدایت این جنبشها محسوب میشود. تشکیل هسته‌های مقاومت محلی نیز در محلات ابزار دیگریست که از یک سو در شرایط کنونی قادر است مبارزات و اعتراضات مردم را سازماندهی و هدایت کند، و از سوی دیگر زمینه‌ها و هسته‌های ابتدایی تشکلهای محسوب میگردد که با گسترش و اعتلاء مبارزه توده‌ای و اشکال عالی مبارزاتش بر جسته‌ای را در سازماندهی جنبشهای خود بخودی و هدایت آنها ایفا خواهد کرد.

رشد و گسترش مبارزات و اعتراضات دهقانان که طی هفته‌های اخیر موارد متعددی از آن بویژه از استانهای شمالی ایران گزارش شده است، و وظیفه سازماندهی این مبارزات را نیز بصورت امر عاجل در دستور کار قرار داده است. اما سازماندهی مبارزات دهقانان برخلاف کارگران بخاطر پراکندگی و شیوه‌های زندگی آنها نیاز به ابزار و اشکال ویژه‌ای دارد. ویژگیهای زندگی دهقانان سبب شده است که فی‌المثل علیرغم گسترش عمیق ناراضی‌های در میان دهقانان گیلان، مبارزات آنها پراکنده، بی سازمان و بدون نتیجه محسوس ادامه یابد. در اینجا نیز باید آموختن خود توده‌ها و اشکال مبارزاتی آنها، به جمع‌بندی و تصمیم‌یاب مبارزات آنها برداخت. چنین بنظر میرسد که سازماندهی اولیه این مبارزات باید ابتدا در تشکلهای محلی از جمله انجمن‌ها، تعاونیها و... صورت گیرد. اما مهم‌تر از آن سازماندهی مبارزات و ارتباط منطقه‌ای آنهاست. فی‌المثل یکی از اشکال مهم سازماندهی میتواند در مبارزات دهقانان شمال علیه رژیم شکستی سازمان یافته باشد، تقویت سندیکاها و اتحادیه‌های چونی سندیکا

برنجکاران و چایکاران و امثالهم میباشد ما بدون اینکه خواسته‌ها را شیم بویژه در ارتباط با جنبش دهقانی اشکال مناسب سازماندهی را برقراری منافع مختلف دیگته کنیم، از آنها میخواهیم که با توجه به شرایط منطقه‌ای، استثنای مبارزاتی - دهقانان و سطح کنونی مبارزات آنها، با آموختن از مبارزات خود توده‌ها مناسبتین اشکال را برای سازماندهی و هدایت این مبارزات انتخاب کنند، و پیگیرانه در این جهت تلاش نمایند.

امروز وظیفه سازماندهی مبارزات و اعتراضات توده‌ای، بویژه سازماندهی جنبش طبقه کارگر و وظیفه‌ای بسیار اساسی و سرنوشت ساز است. بکوشیم با سازماندهی مبارزات توده‌ها و وظیفه انقلابی خود را به بهترین وجه در شرایط حساس کنونی ایفا کنیم.

گزارشی از... بقیه از صفحه ۲۰

فریا زده است که من به پسر مرا برای انقلاب از دست داده‌ام و حالا لاشه در دم است (یک پسر وی مدت ۴ سال در رژیم شاه زندان نبوده است و پس از آزادی در حمله به تلویزیون شهید شده است) یکی از پادسارها با دیدن این صحنه جلورفته و از زنجانی در خواست کرده است که جواب این مادر را بدهد. زنجانی گفته که و لاش کن پسرش از خون تیمی به ما درش رنگ زده و بهش دروغ گفته، بعد از چند لحظه به مادر نگاه کرده و گفت خواهر سیاه جلویی من چی میگویی و دوباره لباسها را گرفته و گفت، پسر تان مادر موزشگاه است و اینها را بهش میدهم. این مورد چندبار اتفاق افتاده است، مثلاً مادرها رسید پول گرفته اند که در آن بچه‌ها تقاضای لباس کرده‌اند، در جا لبیک مادرها چندین بار لبهاش داده‌اند.

در روز چهارشنبه ۸/۲۲ همه توده‌های انواع و اقسامی با ایستاد بودن و با هم در دلدل و با بحث سیاسی می‌کردند که ناگهان همه نظرها به یک طرف جلب شد. در آن طرف یک مادر پشت محکمی به سینه یک پادسار رکوبید و فریاد زد که کشت به من دست نزن، لعنتی به من دست نزن چها رتا بچه‌ام را گرفتید کردید زندان چی میخواهید، چرا جوابم را نمیدهید - همین حرفها چند مشت دیگر هم به سینه و سر او ریخت و پادسار رکوبید و به علت قدرتش با سارها بر پشت چند قدم عقب میرفت. همین حرکت کافی بود تا چند پادسار دورش را بگیرند و بخوابا هند دستگیرش کنند، اما در قدم با پادسارها رفت و بعد رو کرد به جمعیتی که تماشا میکردند گفت: - همینطور ایستاد بسدو تماشا میکنید پس فردا شماها را هم میگیرن و میبرن زندان. این حرف هم برای مادرها کافی بود. ریختند دور پادسارها و با جیب و داد و فریاد تکذاشتند که ما در را بپرند، پادسارها در کتک خورده بود برای بردن خیل ممبر بود و لسی دیگری پادسارها که مقاومت مادرها را دیدند بزرور با پادسار کتک خورده را بردند و مادر را رها کردند، بقیه مادرها هم بدون صف‌های خود برگشتند. مادر هم قهرمان همه همراهِ یک دختر جوان رفت و یک گوشه‌ای نشست و مرتب بلند بلند فحش میداد، مدتی گذشت و دیگر همه بقیه در صفحه ۱۴

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

اخبار شهرستانها

پخش اعلامیه در پادگان - ۶۰/۷/۲۶
وقتی اعلامیه‌ها را پخش کردند در میان سربازان ها هوا افتاد. تمام حزب اللهی‌ها خشمگین دنبال کسی می‌گشتند که چهره‌اش پریده و با کسی متکوک به نظرمی آندولسی هیچکس را نمی‌توانند پیدا کنند. سربازان می‌گویند: این کار، کار چه کسی است... دیگری می‌گوید: فرقی نمی‌کند کار هر کس با دشمن اطمینان دارم به راه او آرامش و به خلقش اطمینان دارم. کار هر کس نیست که بیاید اعلامیه پخش کند آنها - این جوخه‌ها، سرباز دیگری می‌گویند "چهل و جرحتی؟ این حزب اللهی‌ها که میدان مال آنهاست از ترس مجاهدین وفاداری‌ها جرئت پخش اعلامیه ندارند اما این انقلابیون در این بخش پخش با زهم حرفتان را به مردم میرسانند. درخواه‌ها سربازان با خوشحالی اعلامیه را برای هم می‌خوانند و دست بدست می‌گردند و اعلامیه را بلند برای دیگران می‌خوانند. از آنجا که اعلامیه را جمع به پرسنل انقلابی بود بدست آنها را به خود جلب می‌نمود، در این جوخه‌ها ترس از دستگیری همه مقدار زیاد می‌شد که مواظب با شیدیه عنوان مثال این جواب داده می‌شد: بگم، مگر اینهمه گرفتن و کشتن چه شد؟ با زانقلابیون تازه نفس جای آنها را گرفتن واقعا زنده می‌شوند. دیگری می‌گوید: "میدواریم یک روز با رهبری همین انقلابیون عکس خمینی را به سرتیغ‌های تفنگ کنیم."
* طبق گزارش رفقای سربازها در سربازخانه‌ها فقط به حزب اللهی‌ها تلفن می‌دهند ما بقی اگر تلفن داشته که شنیده می‌ماند نه‌های مختلف از این قبیل که نگهبان است نمی‌شود یا اینکه به شهر رفته است تلفن نمی‌دهند و اگر هم بدهند تلفن آنها را کنترل می‌کنند. به عنوان مثال برای یک سرباز در عرض یک ماه ۴۰ مرتبه تلفن شده ولی به همین بهانه‌ها او را احضار کرده‌اند بطوریکه خانواده‌اش ندیده‌اند "نگران شدند و کسی حزب اللهی‌ها اگر سرپرست هم‌باشند - برای‌شان تلفن می‌دهند."

کرج

سه دختر جادری که پاکتی انا را در دست داشتند در ابتدای خیابان مصباح مورد سوءظن فالانژ مزدوری بنام بچیوی قرار می‌گیرند. این مزدور فرزند ۱۶ ساله بچیوی یکی از بنیان‌گذاران باندهای و فالانژ المراء می‌باشد. دخترها که ملا انتظار رحانه غیر مترقبه‌ای را نداشتند غلبه‌ها نیست به راه خود ادامه می‌دهند که فالانژ مزبور از فاصله ۷ متری با اسلحه کمری دو تیر شلیک میکند. گلوله اول به پشت یکی از دختران بنا معصومه فرامزی می‌خورد و هنگامی که معصومه بر می‌گردد - گلوله دوم قلب او را سوراخ می‌کند و دختر مزبور با وضعی فاجع به شهادت میرسد. فالانژ مزدور و روحش زده با لای جسد قرار می‌گیرد و مردم خشمگین را با سلاح تهدید می‌کنند و می‌گویند "هر که نزدیک بیاید کشته می‌شود. این دختر یک منافق بود و در داخل پاکت نانک است" در این بین جن مزدوران سبیه‌ها را رسیده - صد و دو دختر دیگر را به سبیه می‌برند. بعد از تحقیقات روشن می‌شود که خانواده دختر همگی مذهبی اند و او نیز اصلاً "فردی - سیاسی نبوده است. "شورای اسلامی" محل برای نجات جان بچیوی دست بینه

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران

تهیه استنها دی میزند و از مردم و کسبه می‌خواهد که بر زیرمتمنی، مبتنی بر اینکه معصومه قبلاً با بقعه بمب گذاری داشته و قبلاً هم در یک مفازه بمب نهاده است اما کنند. اهالی محل نه تنها استنها را امضاء نمی‌کنند بلکه در مراسم ختم معصومه شرکت می‌کنند و خواستار اعدام سرب می‌گردند. دادستان کی‌کرج به اولیا - معصومه پیشنهاد یک میلیون تومان پول می‌کند تا دست از تعقیب ما چرا بردارد. اما خانواده معصومه به دادستان هشدار می‌دهند که اگر قاتل اعدام نشود پس از آزادی او خود آنها تقاضای این جنایت را می‌گیرند. دادستان در این تنگنا مزدور جنایتکار را ظاهراً به اعدام محکوم می‌کند و پیرونده او را به تهران - منتقل می‌نماید.

کرمانشاه

باز هم جدیکی از هواداران گروه‌های سیاسی که توسط باندهای سیا رزیم ضد خلقی جمهوری اسلامی بطرز فجیحی به قتل رسیده در حوالی شهر پیدا شد. این مبارز بهروزها شمی نام دارد، او حدود یکماه پیش دستگیر شده بود. این ترور حاد قبل چهارمین تروری است که توسط باندهای سیا در کرمانشاه است و ز جمله توسط گزوه شیت انجام گرفته است. پیش از این دو تن از هواداران بنامهای حمیدرضا قبادی و رسول محسنی و یک دانش آموز بنام جواد قبادی ترور شده بودند.

کرمانشاه

زندانیان سیاسی زندان دیزل آباد کرمانشاه بعنوان اعتراض به احکام - اعدام و زندانهای طولی مدت دست به اعتصاب غذا زدند همچنین آنان خواستار تجدید نظر در احکام داده شده هستند. رژیم برای جلوگیری از انتشار خبر اعتصاب غذا، ملاقات زندانیان را ممنوع اعلام نمود.

طبق گزارشات رسیده در کرمانشاه تاکنون ۳۳ نفر اعدام شده‌اند که تنها ۲۰ تن اعلام شده و بقیه مبارزین - اسامی‌شان اعلام نشده و این امر وحشت - رژیم را از اعلام اسامی اعدام‌شدگان - میرساند.

* در زندان دیزل آباد کرمانشاه جمعا چهار ریند وجود دارد. در یکی از بندها که اصطلاحاً به بندها دگاها انقلاب مشهور است زندانیان سیاسی قبل از صدور حکم در آن نگهداری می‌شوند. زندانیان را به شیوه‌های مختلف و به سختی مورد شکنجه قرار می‌دهند تا از او اطلاعات کسب کرده و اقرار بگیرند و به بندها دیگر محکومین سیاسی و عادی تشکیل می‌دهند و تحت کنترل شهرهاست. همچنین طبق اخبار رسیده زندان چقا ترکس در بین راه کرمانشاه - اسلام آباد که در زمان شاه معدوم در بندهای دورا شهرها خسته شده مورد بهره‌برداری قرار گرفته و زندانیان سیاسی که از دیگر شهرها آورده می‌شوند در آن به بند کشیده می‌شوند.

کرمانشاه ۶۰/۸/۲۳

صبح روز ۶۰/۷/۲۶ هنگام ورود به پایگاه هوا نیروی کرمانشاه‌ها انقلابی از قبیل "مرگ بر خیمه‌ها فاشیت و مرگ بر دیکتاتور خون آشام... توجه پرسنل را جلب کرد. این شعارها را اکثر تابلوهای خیابانهای پایگاه و ویگانه‌ها بطور زیبایی نوشته شده بود. مرتجعین مزدور پایگاه از قبیل مزدوران انجمن اسلامی و دایره سیاسی - ایدئولوژیک بخصوص

روحانی مسئول این بخش پس از اطلاع از شعار نویسی دعا و وحشت دستپا چگی شده و فوراً دستور محو آنها را بوسیله ایادی خود صادر نموده تا از شر آن مطلع شدن پرسنل آگاه هوا نیروی جلوگیری کنند. شعارها با سرعت با رنگ آمیزی مجسده تا بلوفا و دیوارها محو گردید. اما گوش مزدوران بنا بر نرسید و خبر شعار نویسی به سرعت در پایگاه پخش گردید.

* جلال‌الدین پولکی سرپرست سابق افراد بسیج عشا بری غرب کشور که از طرف نیروهای انقلابی با حزب جمهوری اسلامی در انتخابات اخیر مجلس فذخلقی بعنوان کاندیدای معرفی و به دور دوم نیز راه یافته است اخیراً با اوج گیری تظاهرات درون هیئت حاکمه به صلح نمودن گروهی صلح پیدا خسته و گفته است اگر در آینده لازم باشد به ما بلبه‌ها یا خواهی هدایت وی از عتار و بسته‌ها انجمن جنبه (انجمن فدیه‌ها شیت) در کرمانشاه - بنیاد شده بین آنها و سپاه پاسداران - تضاد وجود آمده است.

* پخش خبر اعزام نیروها و ستونهای نظامی از کرمانشاه به سوی کردستان باعث شده که در هفته پیش پیشمرگان قهرمان کرد پهل "الامیا یگان" واقع در مسیر راه کرمانشاه - کامیاران را در کنترل خود گرفت و تاومبیل‌ها را که از طرف خود حرکت می‌کردند متوقف و به انتظار بستون می‌باشند. متاسفانه ستون قبلاً رفته بود اما دو خودروا هوبیا با ن با تصدای پاسدار سرنشین به کمین پیشمرگان متعلق افتاد و اسیر می‌شوند و اسیرهای متعلق به آنان نیز به آتش کشیده شده‌اند. - پاسداران اسیر توسط پیشمرگان برده شده‌اند.

* در زندان دیزل آباد کرمانشاه از کسانی که برای ملاقات اقوام خویش به زندان مراجعه می‌کنند درخواست فتوکپی عکس دارند تا سنا می‌نمایند. هدف آنها این است که شایعه این وسیله بتوانند به شایعاتی زندانیان سیاسی - ای که از افشا نام خود خودداری می‌کنند بپردازند.

* در جلسه‌ای که هفته پیش در کرمانشاه با حضور سیدزاده نما ینده مجلس و رئیس سابق آموزش و پرورش استان وادی - رئیس فعلی این اداره و تعدادی دیگر - تشکیل گردیده بحث‌هایی صورت گرفته که نشانگر انعکاس تضادهای حاکمیت است. بی‌گلیزی معاون آموزش و پرورش - ناحیه کرمانشاه از کار برگزیده و در این رابطه حجت خواه رئیس این ناحیه استغفا نموده که استغفاش پذیرفته نشده. سیدزاده امر را داشته که در عزل و نصب‌ها دخالت کند که وادی به او گفته شما حق دخالت ندارید. شما قبلاً در اینجا مسئول بوده‌اید و امروز من مسئولم. این دو قبلاً "عضو انجمن جنبه بوده‌اند و امروز شایعاتی حاکی از آن است که وادی با انجمن قطع رابطه کرده است.

* اخیراً "مشاهده شده است که سپاه پاسداران زندانیانی را که قادر به شکستن روحیه آنها نشده‌اند از زندان بیرون برده و در محلهای عبور و مرور آنها را و دوستانشان تحت الحفظ قرار می‌دهند تا اگر کسی با آنها تماس گرفت آنها را شناسایی و دستگیر نماید. حداقل یک مورد مشاهده شده که زندانی را بیرون آورده و هنگامی که یکی از دوستانش که از قضیه بی‌خبر بوده می‌خواسته با وی تماس بگیرد وی با اطمینان و اشاره به وی فهمانده که نباید تماس بگیرد. این فرد بعداً "پی به قضیه برده است."

اخبار شهرستانها

اسلام آباد - دغ - غرب

دروزه های ۲۳ آبان ماه یکی از رفقای هوادا زمان که ستوانیسار هوانیروز کرمانشا بودینا مرفیق رضا نژادرضا، اهل روستاهای غرب هنگام پروازها هلی کوپتر به شهادت رسید و رفیق که قبلا تصفیه و اخراج شده بود و مورد خشم مزدوران کثوری و شیریدی سرکوبگران خلق گردقرا گرفته بود - اخبار "به کار دعوت شده بود."

ارومیه

دانشگاه تربیت معلم رضا شهزادکلیه دانشجویان میخواهد تا تاریخ ۶۰/۲/۱۶ خود را معرفی کنند تا اقدام به تقسیم آنها به شهرهای دیگر نماید و هنگامیکه دانشجویان به دانشگاه مراجعه میکنند حکم اخراج خود را دریافت می دارند - تعداد دانشجویان ۴۰۰ نفر بوده و تنها ۸ نفر آنها قبول شده اند و ۱۸۱ نفر از آنها اخراج و بقیه بنا بدستفاد دهند تا ثبت نام شوند. اکثر اخراجیها را کردها تشکیل میدهند.

اهواز

۶۰/۸/۲۵: حدود ۲ هفته پیش کمیته لشکر آباد مورد حمله یک گروه قرا گرفت و طی آن ۳ دستگاه خودروساخته و چند تن زخمی شدند.

سربند

طبق گزارشات رسیده رژیم آخیرا "ساواکهای آبادان و خرمشهر ساکن سربند و کتب را به همکاری دعوت کرده است. تعدادی از ساواکها که هنوز خشم خلق را بهنگام قیام از یادش برده اند از ترس آینده ها ضربه همکاری نشده اند. رژیم برای اخراج آنها حاضر شده است حدود ۲ برابری باقی به آنها پول پرداخت خواهد کرد. (شادگسیان)

رژیم آخیرا انقلابیون نیزه را س داد عباس موسوی یکی از جوانان مبارز انقلابی خلق عرب در سال گذشته بدست دشمنان خون آثام جمهوری اسلامی مجرم عرب بودن و با اتهام واهی ستون پنجم شیرباران شد. جسد این انقلابی را در قبرستان فلاحیه (شادگان) خاک سپردند و بر روی قبر او یک شمر انقلابی بزبان عربی حک شد. این جوان از محبوسیت خاصی در بین توده ها برخوردار بود. در تاریخ ۶۰/۸/۱۴ وقتی که خانواده این انقلابی و تعدادی از اهالی فلاحیه بر سر قبر او حضور می یافتند با صحنه دهشتناکی روبرو میشوند. سنگ قبر این جوان از جای کنده شده و کاشی های اطراف آن نیز شکسته شده بود. سنگ قبر را مزدوران رژیم با خود برده بودند. پدر جوان مزبور پس از مشاهده این صحنه دادگشید "این کار با سدا بان است. آنها پسر را از گرفتارند. حال میخواهند قبرش را نیز از ما بگیرند" اینکار رفت و کینه توده خلق عرب فلاحیه را نسبت به رژیم چندین برابر کرد.

فلاحیه (شادگان)

رژیم دیکتاتورگویان، سا بر توده ها را سرکوب میکنند - ملاک نظم اجزا بری یکی از خوند هتای عرب زبان فلاحیه طبق سنت مذهبی عرب در روزهای عاشورا مرثیه زکرمسا مثل عاشورا می پردازد و به مسئله سب است داخل نمی کرده است. سبها این ملا را به مفرغواسته و او را تهدید میکنند که حتما

با بداز جنگ صحت کند و واقعه کربلا را نیز به آنجا رجب و هلاک شدن ۷۲ تن از تشبیه نما بدو توده ها را ارشاد نماید و چون این ملایه این کار دست نمیزد از طرف سبها دستگیر و با زدا شد میشود. گرچها این ملا ز سابق خوبی برخوردار - نیست اما برخوردار حکومت نشا ندهنده - ترس و هراس آنها از هرگونه سرپیچی است مقایسه شیوه های مزدوران رژیم گنوسی با شیوه های شاهلادما هیت حکومت جمهوری اسلامی را بخوبی نشان میدهد.

۶۰/۸/۱۲: سبها با سدا بان فلاحیه ۲ تن از جوانان را بعنوان گروگان دستگیر میکنند تا برادرانشان (که از انقلابیون میباشند) را بدهند. سبها با این جوانان را تهدید کرده که تا وقتیکه آنها خود را سرفی نکنند یا شما نگوئید کجا هستند - همین جا خواهد ماند. مسئله بگروگان گرفتن خانواده در این شهر قبلا نیز سابقه داشته است.

توشلی

با شروع جنگ عده زیادی از اهالی شهرهای خرمشهر - آبادان و بخصوص اهواز به این شهر آمدند. به طریقی گوناگون اسکان یافتند. شهرک علم الهدی که در نزدیکی شوشتر واقع است به جنگ زدگان اختصاص یافت. و عده زیادی از جنگ زدگان در جاده های که به هم پیوسته است در شهرک مذکور نصب شده بودند. اسکان یافتند. البته در کنار آنها بعضی از میا دین و خلاصه محل هایی که از شهر میند آنجا جا در نصب گرد توسط مسئولین! جا در نصب شد و جنگ زدگانی که دارای امکانات بودند در آنجا اسکان یافتند. نگاهی به محل زندگی جنگ زدگان خود بی نگره میزبان است. فقر و فلاکت و... در این محل ها بنسداد می کند. از نیکت های دیگر جنگ که نصیب زحمتکشان جنگ زده شده، شیوع بیماری سل و وبا میباشد. عدم توجه به وضعیت جنگ زدگان و سطح نازل بهداشتی در محل سکونت جنگ زدگان، شیوع بیماریها تا تهدید کرده است. بیماران شهر با ۲۵ تخت خواب به هیچ وجه جوابگوی وضعیت بیماران نیست. تعداد درگ و میزهای ناشی از بیماریهای مذکور زیاد شده است. و در حالی که مسئله مزگ جنگ زدگان را در معرض تهدید شدید قرار میدهد، از سوی این حامیان مستضعفین! هیچگونه اقدامی برای بهبود وضع آنها صورت نمیگیرد.

۶۰/۸/۱۴: شب هفتم عاشورا جمعی از جوانان مذهبی خلق عرب فلاحیه قصد داشتند بمنظور سینه زنی به خبا بان آمده و طبق رسم سنتی اعراب پیراهنهای از بدن بردارده و به سینه زنی بپردازند در همین حین یک پای سدا رپشت میکروفن مسدود شده، دادگشید کسی حق ندا ردیدون پیراهن از مسجد خارج شود. اینکار از مزدوران عتراض قرا گرفت و ۲ نفر از جوانان با لحن تشبیدی با او برخورد کرده اظهار داشتند "بتوجه مربوط است این رسم هر ساله ما ست. بعد از چند دقیقه ایندو جوان توسط سبها سدا بان - دستگیر میشوند که هنوز (۸/۲۴) در - با زدا شد بسر میبرند.

ما شهر

۶۰/۸/۲۵: اخیرا "از پلیس راه و ماموران را هنگامی خواسته شده است که تا مبلغ مبینی (حدود ۴۰ هزار تومان در ماه) را با بداز با نیت جرمیه به صندوق واریز - نما بند. همین دلیل اخیرا "پلیس راه و در لکه پلیس راه سربند در قلع و قمع اتومبیلها پرداخته است و بهر بهانه

کوچکی حداقل ۱۰۰ واحد اکثر ۱۰۰۰ تومان جرمیه میکنند. این مسئله فشار بر روی جنگزدگانی که عمدتا از طریق مسافرگی امرا زمانش میکنند، با غلب نتوانسته اند در یکسال اخیر دلیل عدم برگزاری - اضمان گواهی نامه بگیرند، با راجد بین بر برگزیده است. دلیل اینکار عدم داشتن بودجه مطرح شده است.

۶۰/۸/۲۰: بیش از ۶ نفر را اتهام اعتیاد، عمل لواط و... در با زار - سربند شلاق زدند.

۶۰/۸/۲۵: حدود ۲ هفته پیش بخشناه ای از طرف مدیر عامل سازمان نیرو (آب و برق) صادر شده است مبنی بر اینکه کلبه کارکنان اعمار زکارمند و کارگر که از منازل سازمانی استفاده میکنند تا کنون از پرداخت حق مسکن معاف بودند با بدحد اقل ۵۰۰۰ ریال واحد اکثر ۱۰۰۰۰ ریال پرداخت نماید. این بخشناه ۳ - بند را شامل میشود.

۱- حق مسکن تعلق نمیگیرد. ۲- ماهانه با بت مسکن آب و برق با بدپرداخت - نما بند. ۳- مبلغی از میزان فوق نایب استفاده زمسکن از آنها کسر میشود. ماهی - ۶۰/۸/۱۵:

در این روز که مردم طبق معمول هر هفته بر سر مزار ز دست رفتگان خود حاضر میشوند ارتجاع نوع دیگری از نداشت وراثت خود را به نمایش میگذارد. جریان از این قرار بود که ساعتی قبل از حضور مردم در گورستان، اوباش وابسته به ارتجاع، بنه روی قبر شهدای اخیر ما شهر (ما هدین و بهگار) کشتافات و فضولات خود را ریختند و سنگهای بالای قبر و سیمانهای آنرا شکسته بودند. یک دختر حزب الهی که در ضمن فاقد سواد بود، سر خورده و شرمگین از این عمل شیخ میگفت: سنگ قبر بیچاره مرتضی زاهد شکسته بودند! (مرتضی سبزواری یکی از هواداران مجاهدین خلق بود که تا لحظه اعدام استوار و راسخ - علی رغم فشار رژیم مبنی بر روشن ندا متنا مه - از آرمانهای انقلابی خویش دفاع کرد) او میگفت وقتی مردم موضوع را فهمیدند شروع به شیون و زاری کردند. بعد از این گویا با سدا بان با بدین این صحنه شروع به متفرق کردن اراذل و اوباش کردند تا ظاهرا "خود را سی اطلاع نشان دهند، لیکن اکثریت مردم حاضر در گورستان، به حماقت آنها پوزخند میزدند.

۶۰/۸/۲۵: کارگران شرکت نفت که جهت دریافت حقوق خود بمنظور شرکت مزاحفه نموده بودند با عدم وجود پول روبرو شده و مسئول مربوطه اظهار داشته پول - نسبت من چکار کنم. با لاف بر اشرافار کارگران به اغلب کارگران چک های هزار تومان بی داده شد که در با زار اعتبار ندا زد. کارگران بسیار ناراضی بودند بعضی از اینک پیرو بخشناه "فرغی" وزیر نفت تمامی مزایا، اما حقوق آنها قطع شده و حقوق اغلب آنها تا نصف رسیده است.

رودر - ۶۰/۸/۱

اول آبانماه شهر دارمکتبی رودر - (قا سم نظرافکن) با تنی چند از همپالیگی - هایش برای برخورد مستقیم با دستفروشان به با زدا زخیا با نها آمده بود آقای شهردا علاوه بر دستفروشان بنسب مفارده ازان نیز تذکر میداد که سه ممبر نکنند. در این دیدوباد دیدها به ما هی - فروشها هم خطا نموده تنها به ما هسی بفروشها و این عمل وظیفه شهرداری - است. ما هی فروشها اعتراض کرده و از شهردا رخواستید که شهردا ری فای - و گینوشی ۷۵-۷۰ تومان به آنها بفروشد. بقیه در صفحه ۱۹

اخبار شهرستانها

بقیه از صفحه ۱۸

تا آنها کیلوشی ۸۰ تومان بفروشند . تا هم کنترل فروش در دست دولت باشد و هم ما بیکار نشویم ولی شهردا را خطارش را مجدداً "تاکید نمود و به راهش ادامه داد . هرگاه شهردا ر میرفت حدود ۴۰-۴۰ نفر بدینا لش رو ان بودند . بکنفرز همگن از میان این عده در جواب با این سؤال که چرا همراه شهردا حرکت می کنی گفت : "من بدین خاطر بدینا ل او (شهردار) میروم تا ببینم که سرانجام کجا وتوسط چه کسی با مشت دندانش را خواهد میکنند" در بین این جمعیت دوتفرازا عفا ی با ندسیا و حزب اللهی های منفوریه نامهای حسن پورجواد و بهمن پوررسول نیز حضوردا شتند .

■ بنا به اطلاعیه ای که از طرف شهرداری رودرجهت تخلیه دکه ها و دستفروشیها ئی که در معبره ستندا خطا ردا ده شده بود و پا نژده روز مهلت داده شده تا پس از - اتمام این مهلت با قانون (قانون سرما یه داران) موا جع خوا هشدند . بدین منظور شب چهار رشنبه ۵ آبانماه ساعت ده که آخرین روز مهلت زحمتکشان محسوب میشد . ما موران شهرداری ، شهریانسی و سپاه و بسیج دکه های کسانرا که هنوز در خیابانها عرض اندام میگردند با چریکل و بیبل و کلنگ افتادند به جان نشان و هر دکه را از جایش کنده و همراه با اثاثیه اش با خود به شهرداری میبردند . این عمل تا ساعت نزدیک به دو ا زده شب ادامه داشت .

■ رودر ۶۰/۸/۱۴: روز پنج شنبه یعنی یوسفاران خط رودر به روستاهای منطقه به دلیل نبودن روغن اعتصاب میکنند و تا ساعت ۱ بعد از ظهر اعتصاب ادا م یه پیدای میکند . ساعت یک وقتی - محصلین جمع می شوند یعنی یوسفاران شروع به توضیح وقاع می کنند تا همدردی آنها را جلب کنند . در همین موقع فرماندار عده ای از او با ش مسلح خود را به منطقه میرسانند تا به اجبار اعتصاب آنها را بشکنند . یعنی یوسفاران - میگویند "ما که از کار کردن بدمان نیاید و روغن کم است نمی توانیم کار کنیم و اگر ما شین روغن ندانشته باشیم شاد میوزد و ۴۰ هزار تومان خرج بر میدارم و لشی و با ش مسلح که در دتوده ها برای شان مهم نیست به زور اسلحه آنها را وادار به حرکت کردند و رانندگان به اجبار اعتصاب را شکسته و حرکت میزدند ولی پارهای از آنها دیگران روغز برای بردن مسافرین بر نمی گردند و فردا کار بطور عادی شروع میشود . در کل این اعتصاب به دلیل فقدان یک تشکل آگاهانه - نمی تواند در مقابل ارگانهای سرکوبگر ایستادگی کند و شکسته میشود . نکته قابل توجه این که خوددانش آموزان به نوعی حرف های آنها را تا نید میگردند ، ولی به دلیل نبودن عمر پیشرو حرکت نتوانست نتایج مثبت خود را حتی به عنوان یک تجربه ارائه دهد .

رودر : یک نفر بسیجی جواهرات فردی را به قیمت ۸۰ هزار تومان به سرقت میبرد . چند بسیجی دیگر از قاضیه مطلع میشوند که قرار میشود جواهرات را با هم تقسیم کنند ، ما حب جواهرات از جویبان مطلع میشود . و به بسیج خبر میدهد . از آنجا ئی که مسئله در شهر پیچیده بود با لک جبار رهبره نفر از بسیج اخراج میشوند . قابل ذکر است که این فراد قبلاً "نپسز اینکار بوده اند و بعد از ۳۰ فردا د مکتبی شده اند .

■ رودر ۶۰/۸/۲۵: از آنجا که دولت تصمیم کردن مزایای کامیونداران را دارد ، کامیونداران رودر از حمل برنج رودر آری می کنند و دست به اعتصاب - میزنند . فرماداری رودر بر برای شکستن اعتصاب آنها ، از شهردا ر بیای منطقه املش - کلاچای میخواهد که هر شهری یک کامیون تحویل دهند . با آمدن این کامیونها اعتصاب کامیونداران شکست اما از حمل برنج خودداری کردند . این اعتصاب را حمل برنجی مثبت بود ولی به علت نبودن تشکل گسترده و نبود یک - اتحادیه و سندیکا ی فعال و انقلابی که از منافع این رانندگان دفاع نمایند این اعتصاب به موفقیت نیا نجا مید .

گزارشی از اختلافات حجتیه باها و خمینی - جی ها در قاسم آباد (کلاچای)

در تاریخ ۶۰/۸/۲۳ یکی از یاسداران عضو سپاه را همراهی قاسم آباد سفلی را بحرم عدا میهای غیر قانونی و ضرب و جرح دستگیر نمود و به ساری میبرد ، پاسدار بجزو یکی از منفورترین و کثیف ترین اقرا دسیا ها را مسر میباشند و اهل قاسم - آبا دبیشتر عدا میهای را مسر از چشم او میبینند . از طرف دیگر در همین تاریخ فرد دیگری بنام محمد شکوری از قاسم آباد علیا را که یکی از وابستگان و عضو حزب جمهوری میباشد بحرم سرت و زدنی بیت المال دستگیر کردند و حتی میگویند بعد از دستگیری خیلی کتک زدند . البته وی از مدتها پیش برای مردم آفشاء شده بود و حتی او را هنگام سرت سیمان متعلق به مردم دیده بودند که شبانه به قاضیه میبای خود به قیمت گران میفروخت با درمال گذشته بر نهجائی را که برای فروش به مردم از طرف دولت آورده بودند و بین قاضیه ای - خود تقسیم کرد ، اما موضوع در این است که دستگیری این دونفر نه با طریخیانگاریها - نشان بلکه بدین خاطر است که آنها طرفدار حزب و سپاه میباشند و نیروی غالب درون نهاد های سرکوب رژیم در منطقه قاسم آباد علیا و سفلی و حومه را حجتیه باها تشکیل میدهند حتی سرپرست بسیج قاسم آباد فردی به اسم صفری و پارانش که بیگانه با یگان رژیم در قاسم آباد میباشند از همینها میباشند و دستگیری اینها بکمک این عده صورت گرفته .

نوم (با زار جمعیه)

در شب اول ماه محرم بخشدار مرتجع با زار جمعه به همراه دو محافظ مسلح به در خانه های مردم رفته و آنها را مجبور به گفتن الله اکبر کرده و سپس به راهپیمائی می کشاند . پس از اتمام راهپیمائی آنها را گشت ا هالی به خانه هایشان تا گشتان خانه بخشدار مزدور در معرض سنگباران قرار میگیرد . محافظان مسلح وی - شیر اندازی می کنند اما سنگباران همچنان تا روشنائی صبح بوسیله ا هالی ادامه می یابد .

غرم آسباد

در هفته دوم مهر بین دودسته فا لانز درگیری روی میدهد که یکدسته فا لانز برهبری عبدالرضا قیاسی و دسته دیگر به رهبری نادر سلوکی بجان هم میافتنند که چند تن از آنها زخمی میشوند . دعوا بر سر این بوده که میخواهند قیاسی را به ریاست سپاه بگماردند که نادر سلوکی میگوید با بدبرادر من ریاست سپاه را داشته باش و دوضن دعوا چند نفس به خمینی هم میدهد . همچنین تکیه دیگری بین این دودسته بوسر ترور انقلابیون در خیابانها صورت گرفته است . قیاسی مخالف ترور در خیابان

بوده است .

■ تفادارگانهای مختلف حکومتی و انمکاس آن در آموزش و پرورش : بدینا ل برور تفاد های ارگانهای حکومتی در خرم آبا دکه بین سپاه ، امام جمعه ، استادان را زیکسویا ندسیای سپاه و حزب اللهی و با ندقاضی از سوی دیگر بود و همچنین انمکاس آن در نماز جمعه که منجر به درگیری و عدم برگزاری نماز جمعه در تاریخ ۶۰/۷/۲۲ شد (تفصیل گزارش در گزار ۱۳۲) اتحادیه انجمن - های اسلامی دانش آموزان خرم آباد طی اعلامیه ای اقدامات مشکینی مسئول آموزش و پرورش لرستان را محکوم می کند و او را متهم میکند که فراد جنبشی و فدا انقلاب را تا کنون بکسار گمارده است و به انجمن های اسلامی اجازت فعالیت نداد است و مسئول امور تربیتی که از سوی مشکینی - انتخاب شده است مسئول این مسائل است . برور این اختلافات بین نگران امر است که مزدوران رژیم تحت پوشش مکتب بر سر کسب قدرت بیشتر بجان هم افتاده اند .

سراوچرد

۶۰/۸/۸ - ساعت حدود ۳/۵ بعد از ظهر گروه ضربت سپاه پاسداران سرما به خانه ای را در محالی خیابان تختی شنا ئی و تصمیم به دستگیری افراد آن می نمایند که با مقاومت افراد خانه روبه می شوند . پاسداران بشیر ما نه و در مقابل چشمان عبیر زده ا هالی محل بسوی خانه تخلیک می کنند . یکی از افراد خانه - متقابلاً تیراندازی میکنند تا بقیه دوستانش فرار کنند . در این در - گیری یکی از مجاهدین زخمی و بقیه - موفق به فرار می شوند . پاسداران - بشیر ما به با لای سر مجروح رفته و چهار تیر به مغزش تخلیک می کنند و سپس کشان او را به طرف ماشین سپاه میبرند و طوری او را در ماشین نشانند که حالت نشسته داشته باش و صورت او را با لای می پوشانند . همسایه ها که شاهد این عمل جنا بنگارانه بودند بشدت میگریستند طوری که صدای گریه شان به خوبی از فاصله چند متری شنیده میشد . و با تنفر هر چه تمامتر می گفتند : حتی گوسفند را هم با بنظر نمی کشند که اینها انسان را براحتی میکشند . البته پاسداران تلاش زیادی برای پراکندن مردم کردند ولی مردم مانند دو با چشم خود جنا بت وحشیانه رژیم را دیدند .

"خلق میرزمد"

با زهم زدر بهجه خانه ها یمان سرودی پراختار سخوا هم داد با زهم صدای برطنین خویش را تا به افقها خواهیم رساند با زهم شب نیا ه ظلمت را می شکنیم و خورشید را شی را در آغوش خواهیم گرفت با زهم گلوله های سرخ آتشینمان با زهم سولهای زندان خون (اوسن) بدست ما درآر بیدران گشوده میشود و با زهم چرا که خلق ماندنی است "

پس بکشید ای پاسداران جنا بت و سرما به ای کوردلان تا ز به قدرت خزیده ای خوش خیالان زهم بدست چماق دار ای تکبیا نان زندانهای خون (اوسن) اینها رطوما رتعا میمان را با دستان پیخته بسته در هم خوا هم پیچید .

وحدید
سراوچرد
۶۰/۷/۲۲

گواشی از زندان اوین

دوشنبه ۸/۲۵ به یکی از مادرها جلوی کبشده لرونیا پارک گفته شد که بروید جلوی در اوین و وصیت نامه پسرش را بکیرد، وی سر اسیمه و سرعت درحالی که شوهرش به دنیا نش میدوید خود را به دراصلی اوین رساند، در آنجا با ردیگر گفتند که فرزندش تیرباران شده است و صبر کنند تا وصیت نامه را بگیرد. ما در وقتی مطمئن شد که فرزندش تیرباران شده است شروع به فریاد کرد گریه میکرد و با صدای بلند میگفت - همین به پسر ۱۹ ساله را داشتیم، داشت - خدمت میکرد و را گرفتند و آوردند ما لاهم میگوئید که تیرباران شده است، محاله این حرف دروغه من پسر را از شما - میخواهم هوتا او را ندهید از اینجا نمیروم. با حالی نزاروگشان نشان خود را به جلوی اوین رساند و سرش را چندین بار محکم به در زندان کوبید و با گریه فریاد میزد ای دروران خمینی پسر مرا به من بدهید ای جلادان پسر مرا بدهید، شوهرش ایستاده بود و مثل چند نفر بقیه که جلوی زندان بودند مات و مبهوت تماشا میکرد و هیچ عکس العملی نشان نمیداد، یک یا سدار آمد تا طبق معمول زن را دستگیر کنند، اما با سدار دیگری گفت و لش کن بذار - غندهاش را خالی کند، در همین بین یک ماشین بسزا آمد که سرعت به داخل زندان سرود، زن ناگهانی و سرعت برق خودش را جلوی ماشین انداخت و روی زمین دراز کشید بطوریکه اگر ماشین به موقع ترمز نمیکرد حتما "از روی سروی رد میشد. زن در همان حالت با زهم فریاد زد کشتا فتها مزدوران، با فرزندم را بدهید یا با بد از روی نشن من رد بشوید. با سدارها قادر به انجام عکس العملی نبودند و فقط حرکت این مادر را تماشا می کردند. بالاخره یکیشان در گوش شوهرش چیزی گفت و وی راه افتاد به طرف همسرش او را به زور از روی زمین بلند کرد، زن بلند شد، مرتب با گریه و فریاد خمینی و مزدوران نشن بد و بیراه می گفت، با اینکه شوهرش محکم او را گرفته بود با زهم خود را روی بنز انداخت و شروع کرد مشت کوبیدن به شیشه های ماشین، می گفت ترسو ها دیدید زورتان به پسر ۱۹ ساله میرسد چرکتندارید مرا بکشید، راننده بنزهاج و واج مادر را تماشا میکرد، شما متا این مادر همه مزدوران را غافلگیر کرده بود و تا آخرین لحظه که شوهرش وی را نشان نشان برد با وجود تما فریادها می گفت که میسزد و حرفهایی که میگفت هیچ حرکتی انجام ندادند، ما در وقت تا در بهشت زهرا محل دفن عزیز ۱۹ ساله اش را ببینا بدوایسر مادران با چشمان گریان به سرنوشت خود فکر میکردند.

همچنین روز سه شنبه ۸/۲۶ ساریکسی از مادران مدت ۵ ماه است دستگیر شده است، در این مدت مادر وی مبلغی در حدود ۱۰۰۰ تومان پول و مقدیری لباس و پنبه برای فرزندش به اوین داده است، فرزند وی بعد از همه اینها بتیاز تلفن کرده و به منزل گفته است که چرا برای من پول و لباس نمی دهید و هر چه مادر قسم خورده است که با رها برایت پول و لباس داده ام، پسر گفته است که چیزی به من نرسیده است. ما در روز سه شنبه جلوی اوین رفتیم و تمام قبوضی را که دراز

بنتل از خروش، نشریه هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شیراز

با ردیگر جلاد، دو فدائی زیر خلق ربود بدنیال پورش و حثیا نه شبه فاشیستی با سداران سرما به در نیمه اول شهریور ماه در جویم لارستان ۲۵ نفر از انقلابیون دستگیر و روانه سلاخ خانه های رژیم ضد خلقی ها کم شدند، و پس از گذشت بیش از یک ماه ۲ تن از آنان را با تها های زهرا بید شهری و اسماعیل بید شهری تنها به جرم فدائی بودن همراه با ۱۹ تن دیگر در اصطیحات توسط رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی به جوخه اعدام سپرده شدند. (با دشمن گرامی باد)

گرامی باد خاطر فدائی خلق رفیق شهید زهرا بید شهری

رفیق زهرا بید شهری در سال ۱۳۳۲ در یک خانواده مرفه بدنیال آمد و تحصیلاتش را در شهرستان های اطراف بیابان - رساند، در جریان قیام با ما رگسیم آشنا شد و بر علیه تها های آشکارا ما به سه مبارزه برخاست. رفیق بیشتر اوقات خود را با زحمتهای گذرانید و از طریق او اکسیان سیون و پانسمان به مدام و ای زحمتهای منطقه میپرداخت، و با وجود جوخفغان و کنترول شدید سگ های نگهبان با کمترین امکانات حد اکثر وظایفش را انجام میداد. هرا جمعی از زحمتهای را میافت به میان آنان میرفت و زبان گویای آنان میشد، در دهانشان را بیان و راه مبارزه را به آنان می موخت. بالاخره در اول شهریور ماه توسط دژ خیمان رژیم دستگیر و در تاریخ ۸ مهر ماه به جوخه اعدام سپرده شد.

گرامی باد خاطر فدائی خلق رفیق شهید اسماعیل بید شهری

رفیق اسماعیل بید شهری در سال ۱۳۴۰ در یک خانواده مرفه در جویم لارستان زاده شد، او نیز مانند خواهرش دوران - تحصیلی اش را در شهرستان های اطراف گذرانید و در جریان قیام با نام فدائی آشنا گردید و فدائی و ارباب دفاع از مافع کارگران و زحمتهای پر داخت و با تمام توان بر علیه سرما به داران و زمینداران - به مبارزه ادامه میداد و در این راه - کوچکترین تزلزلی به خود راه نمیداد. عشق عمیق به زحمتهای حتی یک لحظه او را تنها نمی گذاشت و از همین روا کشر اوقات بیکاری را به دهقانان می گذرانید و با بیای آنان کار میکرد، رفیق با بیای تها به زحمتهای به گفتگو می نشست و علم

تحویل پول و لباس دریا فت کرده است نشان داده و علت ترسیدن پول و لباس را پرسیده است، پس از مدتی زنجانن همه لباسهایی را که این مادر داده است بیا پولها را از در اوین به بیرون پرتاب کرد، ما دریا دیدن این صحنه تصور کرده که حتما "فرزندش را اعدام کرده اند، و کم مانده بود که قالب تهی کند. فقط بقیه در صفحه ۱۶

دانش اسب خرد و دانش ناگزیر

رهاشی را در میان آنان اشاعه میداد، او را نیز در اول شهریور ماه دستگیر کردند، در موقع بازجویی رفیق با تمام نفرت با دژ خیمان برخورد مینمود و گفتارش در برابر دژ خیمان حالتی تهاجمی داشت، سرانجام در تاریخ ۸ مهر ماه دوم به بعد از تها های رفیق فدائی عظیم سرعتی سرود خوانان به پای جوخه اعدام فرما خوانده شد و توسط دژ خیمان سرما به تها دت رسید، تها های رفیق تا تیربارانی در رو خیمه زحمتهای منطقه برجای گذاشت و خشم و نفرت توده های زحمتهای نسبت به رژیم - ددمنش جمهوری اسلامی صدچندان گردید، گرامی باد خاطر شهیدای به خون خفته خلق سنگ و نفرت پرور رژیم جمهوری اسلامی مرگ بر خمینی جلاد توده ها

گرامی باد خاطر فدائی خلق رفیق شهید سعید رهبری

رفیق سعید در سال ۱۳۴۱ در یک خانواده زحمتهای روستائی بدنیال آمد، او زهمسان او ان کودکی با رنج و درد آشنا گردید، دوران تحصیلش را تا پایان متوسطه در روستای ده بزرگ گذرانید و جهت ادامه تحصیل راهی با سوچ شد، رفیق ضمن درس خواندن برای اینکه بتواند زندگی خود و تا حدودی خانواده اش را تامین کند در مواقع بیکاری و همچنین در تها بستنات به کار میپرداخت، با شروع اعتراضات توده ای به صفوف تها هرکننده گان پیوست و نقش مؤثری در ارتقاء سطح آگاهیتسی زحمتهای منطقه داشت، بعد از قیام راه سرخ فدائی را برگزید و شبانه روز به تبلیغ مواضع سازمان در بین توده های محروم منطقه میپرداخت، بعد از تشاف با خائنین راست از سازمان به دفاع از مواضع انقلابی سازمان پرداخت، و فعلا نسبت دوچندان شد، بطوریکه یکبار در سال ۵۹ به جرم دفاع از مافع زحمتهای او تها عمه آگاهی در بین توده های دانش آموز از مدرسه اخراج گردید، اما این عمیل نتوانست مانع فعالیت رفیق گردید - یکی و دکتاوتی که داشت و بدلیل اینکه بهی ازما گذران ممتا در مدرسه بحساب میا مدرسه متحانات متفرقه شرکت نمود و ضمن فعالیت درس را نیز ادامه میداد، سرانجام در حدود سه ماه پیش شکار - چپانسان او را شناسائی نموده و در حالی که با طمعشگی ناشی از کار در اطاق کوچک و معقرش در حال استراحت بود خانه اش مورد پورش با سداران سرما به قرار گرفت و همراه با تنی چند از دیگر همزمان مجاهدش توسط دژ خیمان رژیم دستگیر و روانه تها میگردند، و پس از تحمل شکنجه های فراوان سرانجام در روز ۲۷ شهریور ماه در حالی که کوچکترین اطلاعات را در قلب بزرگش پنهان ساخته بود همراه با پنج تن دیگر از مجاهدین خلق به جوخه اعدام سپرده شدند، جسد رفیق در حالیکه ملا "شناخته نمی شود تا رشکنجه کا ملا " بر بیکر بر ملا بتش مشهود بود توسط توده های رنج کشیده منطقه با دلخسی آکنده از خشم و نفرت نسبت به رژیم سفاک جمهوری اسلامی به خاک سپرده شد و فدائی ۱۹ ساله خلق به گاروان شهیدای انقلابیوست

زندانی سیاسی آزاد باید گردد - شکنجه و اختناق نابود باید گردد